

هفته ۱۶۷

سال چهارم - شماره ۱۶۷
پنجشنبه ۷ مهر ۱۳۹۰ - ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۱
بها: ۲/۵۰ دلار / در مونترال رایگان

www.Hafteh.ca

ویژه‌نامه ماه مهر: دفتر دوم

◀ مونترال ۱

در میک: «کنده‌کاری روی باد»
اثر عزیز معتمدی

◀ مونترال ۲

در کافه لیت: زبان طنز
دکتر محسن حافظیان

◀ سینما

یک مجله، پدیدآورنده «موج نو»
فرانسه؟
آتوسا اخوان

◀ ورزش

مهر آمد، به یاد خبازی نوجوان، و
به یاد
تورج عاطف

◀ صفحه‌ی دری

مادر مرا ببخش! از بارق شفيعی
حسیب فضل

نوشین، به جرم درس دادن در زندان است!

گزارشی از یک دانشگاه ممنوعه در ایران

ممنوعیت تحصیل و تدریس در «سرزمین مقدس»

سرمایه‌گذاری دیگری که از نظر شما دور مانده است!



سهام ممتاز (Preferred shares) به عنوان یک راه درآمد، غالباً از نظر سرمایه‌گذاران پنهان می‌ماند زیرا آنها، درباره‌ی این نوع سهام اطلاعات کافی در دست ندارند. سهام ممتاز می‌تواند برای سرمایه‌گذاران محافظه‌کار و همچنین گروه طالب رشد، مناسب باشد و جذابیت‌های زیر را دربرداشته‌باشد.

✓ بهره با امتیازات مالیاتی

✓ در دسترس بودن اصل سرمایه

✓ امنیت اصل سرمایه

Naghmeh Sabet, BSc, FCSI

Associate Director, Wealth Management
Wealth Advisor

514-287-3690

naghmeh_sabet@scotiamcleod.com
Scotia Tower

1002 Sherbrooke Street West, Suite 600
Montreal, Quebec H3A 3L6

MacDougall Sabet Team
Personal Attention, Professional Results

 **ScotiaMcLeod®**

تهران، بلوار آفریقا، خیابان تور، پلاک ۶۶
تهران ۰۲۱-۲۲۰۲۵۰۸۴
موتورال ۵۱۴-۹۰۳۴۷۲۶
تورتنو ۶۴۷-۴۲۹۱۸۴۸
ونکوور ۶۰۴-۹۰۹۳۰۷۳
نمبر: ۵۱۴-۴۳۹۴۷۲۶
www.parscanada.com
info@parscanada.com

ما به موفقیت شما در
سرزمین جدید می اندیشیم

کنپارس

مهاجرت به کانادا از طریق:
• سرمایه گذاری فدرال و کبک
• نیروی متخصص فدرال و کبک
• کار آفرینی فدرال و کبک
و برنامه های استانی شامل:
منیتوبا، نیو برانزویک،
پرنس ادوار دآیلند، ساسکاچوان و ...

خدمات مهاجرتی



با مدیریت علی مختاری
عضو انجمن کانادایی
مشاوران مهاجرت (CSIC)
عضو کانون وکلای تهران

CANPARS
IMMIGRATION
SERVICES INC

PARSCANADA.COM
آخرین اخبار و مقالات در ارتباط با مهاجرت، کار و زندگی در کانادا
را در سایت ما بخوانید.

امنیت عزیزان شما در ایران در دست شماست

با **گدار** سانسور اینترنت
در ایران را بی اثر کنید

بی گدار به نت نزن

گدار

هزینه: ۲ دلار در ماه

www.godarnet.com

514-447-9597

1-888-568-1247

با استفاده از گدار، آی پی کانادا را به دست آورده و از مزایای آن برخوردار شوید

■ اینترنت آزاد
آزادی اینترنت را همان طور که در آمریکا و اروپا هست تجربه کنید

■ تلفن رایگان به آمریکا و کانادا
با استفاده از سرویس هایی مانند گوگل کال، به کانادا و آمریکا رایگان تلفن بزنید

■ حساب شخصی پی پال (PAY PAL)
حساب پی پال شخصی خود را گشوده و به راحتی در اینترنت خرید کنید

- صفحه ۶ به این انسان‌های معجزه‌گر دست‌میرزاد بگووییم / سردبیر
- صفحه ۹ اخبار کبک و کانادا
- صفحه ۱۰ تقویم هفته
- صفحه ۱۳ اخبار مونترال ایرانی
- صفحه ۱۷ از خوانندگان: احمدی‌نژاد برای ورود به نیویورک خود را به آب و آتش زد / علی‌اصغر محمدی
- صفحه ۱۸ قهقهه کبک دری: مادر، مرا ببخش! / حبیب فضل
- صفحه ۱۹ عشق چیست و عاشق کیست؟ / زکریا اعتضادی
- صفحه ۲۰ با نادر دولت‌شاهی در استودیوی صداپرداری فیلم انیمال فارس / خوانندگان
- صفحه ۲۲ لهجه بلخ و دریافت بهتر سخن مولانا (۱) / آصف فکرت
- صفحه ۲۳ شعرخوانی به زبان ترکی: حضور چهره‌های قدیمی، حکایت‌گر کشش شعر شهریار / لیلی خاقانی
- صفحه ۲۵ پرونده: داستان نوشین، به جرم درس دادن در زندان است! / خسرو شمیرانی
- صفحه ۲۷ دانشگاهی، که موفقیت آن به معجزه می‌ماند! گزارشی از یک دانشگاه ممنوعه در ایران! گفت‌وگو با دکتر بهروز ثابت، یکی از استادان BIHE / خ.ش.
- صفحه ۳۰ «کنده‌کاری روی باد»، مجموعه‌ای برای چالش فرهنگی با کاستی‌ها / عزیز معتضدی
- صفحه ۳۲ چهره‌ها: نیمتاج خانم سلماسی، اولین شاعر زن که سیاسی سرود / سحر وحدتی
- صفحه ۳۴ ادبی: شعر - سیراب در خواب / حمید شایگان نیا
- صفحه ۳۴ ادبی: بشر، دوباره به جنگل پناه خواهد برد / فریدون مشیری
- صفحه ۳۵ ادبی: زبان طنز / محسن حافظیان
- صفحه ۳۶ سینما: یک مجله پدیدآورنده «موج نو» فرانسه؟ / آتوسا اخوان
- صفحه ۳۸ ورزش: مهر آمد، به یاد خبازی نوجوان و به یاد... / تورج عاطف
- صفحه ۴۶ خانه کتاب: عشق بین دو هزاره از فروزنده / پرویز حسینی



Financière

Money Wise
Financial

مطابق با قوانین و استانداردهای بانکی بین‌المللی

ارسال ارز به ایران
و سایر نقاط جهان

صدور Money Order

514-485-6000

6520 St. Jaques

Montreal, QC H4B 1T6



دکتر شریف نائینی

جراح دندان پزشک

514-731-1443

DDS دانشگاه تهران ۱۹۷۳

DMD دانشگاه مونترال ۱۹۹۸

5450 Cote des neiges

Suite 308

Metro: CDN



David Berger

Avocat - Attorney

نماینده سابق مجلس فدرال کانادا و سفیر در چند کشور

با سالها تجربه در نظام سیاسی، دیپلماتیک و اداری در سطح ملی و بین‌المللی

وکیل عضو کانون وکلای کبک

متخصص در فرجام‌خواهی در پرونده‌های ردشده‌ی مهاجرت، حفظ شهروندی و حفظ اقامت

ریسک‌ها و دشواری‌های مهاجرت را به حداقل برسانید، یک زندگی جدید را در سرزمین نو آغاز کنید

برای صحبت به زبان فارسی مستقیماً با همکار ما، خانم آریستا معتضدی تماس بگیرید: 514-621-7796

مهاجرت از طریق

نیروی متخصص

خوشاوندی

سرمایه‌گذاری

Tel: 514-961-8746

1635, rue Sherbrooke Street West, Bureau/ Suite 400 Montreal, Quebec H3H 1E2

Fax: 514-935-2663 Courriel/ E-mail: bergerdav@gmail.com

سخن هفته

■ سردبیر

صورت آواز مرغ است آن کلام

غافل است از حال مرغان مرد خام

هفته

سال چهارم - شماره ۱۶۷

پنجشنبه ۷ مهر ۱۳۹۰ - ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۱

بها: ۲/۵۰ دلار / در مونتreal رایگان

ناشر: مجله‌ی هفته

ویراستار: مهدی مرعشی

مدیر هنری: بهروز زمانی

سردبیر: خسرو شمیرانی

تحریریه اتاوا: دکتر ماریا صباي مقدم

طراحی و صفحه آرایی: BehGraphics.com

کاریکاتوربست: سیروس یحیی‌آبادی

عکاس: مرجان راهنورد

◀ اخبار مونتreal: مسعود بطحایی

◀ صفحه ایران: مسعود باستانی

◀ صفحه سینما: آتوسا اخوان

◀ صفحه ورزش: بابک سرانی‌آذر و شروین برزگر

◀ صفحه دانش و فناوری: حمید شایگان‌نیا

◀ صفحه جامعه: پاشا جوادی، میترا روشن،

خسرو نوشادروان، سحر وحدتی و فریده خوش عاطفه

گروه فنی تارنمای هفته: پیمان سلیمی

و شروین برزگر

با سپاس ویژه از همکاران این شماره: امیر آرش، زکریا

اعتضادی، سام بیات، و حسین فضل

● هفته از همی علاقه‌مندان دعوت به همکاری می‌کند.

● برداشت مطلب با ذکر ماخذ آزاد است.

لطفاً مطالب خود را زیر هزار واژه (بر مبنای واژه‌شمار ورود)

نگاه دارید.

هفته در ویرایش و کوتاه کردن مطالب‌های رسیده آزاد است.

● نوشته‌های فرستاده شده پس فرستاده نمی‌شوند.

● استفاده از طرح‌ها و آگهی‌های هفته نیاز به

کسب اجازه دارد.

● درباره‌ی مضمون آگهی‌های منتشر شده هیچ گونه

مسئولیتی متوجه هفته نیست.

در صورت تمایل برای حمایت از تلاش‌های ما
کمک‌های مالی خود را به حساب زیر واریز کنید

Chacavac Cultural Centre

TD Canada Trust

Transit #: 0515

Account #: 5209119

3418 Stanley, unite# R1

Montreal QC H3A 1R8 Canada

(514)787-8848

info@hafteh.ca

editor@hafteh.ca

ad@hafteh.ca

ISSN 1918-4379 HafteH

به این انسان‌های معجزه‌گر دست‌مریزاد بگوییم

ما به طور دائم در زندگی با مرارت‌ها و مسائلی روبه‌رو می‌شویم که باید آنها را برطرف و حل کنیم. اما یک گروه خاص از جوانان ایرانی با مسأله‌ای رودررو هستند که برای بسیاری از ما ناشناخته است. به آنها می‌گویند: «میان آینده خود و باورهای‌تان حق دارید فقط و فقط یکی را انتخاب کنید!»

جوانان بهایی کشور ما بر خلاف بسیاری از هم‌سن‌وسالان‌شان که این روزها راهی دانشگاه می‌شوند، حق ندارند به دانشگاه بروند مگر اینکه بهایی بودن خود را انکار کنند. راستی بیابید تصور کنیم که آیا می‌خواهیم جای این جوانان باشیم. از ده‌ها محدودیت و فشار قانونی و غیرقانونی دیگر که به آنها روا داشته می‌شود سخن نمی‌گوییم. تنها و تنها بحث من حق تحصیل این جوانان است که به وقیحانه‌ترین شکلی از آنان ربوده شده است.

به آنها نمی‌گویند حق ندارید درس بخوانید، می‌گویند خود را انکار کنید تا اجازه دانشگاه رفتن بیابید، و این را در نه در یک سازمان و یک مؤسسه، بلکه در سطح یک کشور، در سطح کشور تو و من پیاده می‌کنند. همان‌جا که به منشور کوروش آن می‌نازیم. همان‌جا که دانشگاه رفتن جوانان بعد از دبیرستان مثل دمیدن آفتاب صبح‌گاهی بدبهبی است، دست‌کم برای بخش بزرگی از جامعه ما چنین است. در این سرا که سرای تو و من است چنین می‌شود.

حاکمان آن سرا، همچون بیشتر حاکمان دیگر کشورها، فقط در صورتی که مجبور باشند، حقوق «زبردستان» را رعایت می‌کنند، پس از آنها انتظار دیگری نیست. آنچه باید انتظار داشته باشیم این است که اول درباره این درد بزرگ نسلی که محکوم به از دست دادن آینده خود است آگاه باشیم و دوم اینکه خاموش نمانیم. باید بدانیم. اگر یک باید در زندگی وجود داشته باشد، این باید همانا دانستن درد دیگری‌ست!

اینکه جامعه ما در این رابطه خاموش مانده دردناک است اما سوی دیگر این داستان زیبا و درخشنده است: جوانان بهایی و کل این جامعه، دست در دست هم گذاشته و یک دانشگاه راه‌اندازی کرده‌اند که عملاً نزد بسیاری از دانشگاه‌های شناخته‌شده اروپا و آمریکا معتبر است.

آنها جنگ آغاز نکردند، سر به بیابان نگذاشتند، زانوی غم بغل نگرفتند: بیش از بیست سال پیش شروع کردند و امروز یک نظام آموزشی دارند که نظام تا به دندان مسلح حاکم بر سرای ما قادر به نابودی آن نیست. راستی مگر می‌توان خواست دانستن را نابود کرد. بر پایه همین خواست، معجزه‌ی یک دانشگاه «زبرزمینی» عملی شده و صدها و صدها جوان در آن امکان تحصیل علم و دانش یافته‌اند. علاوه بر این، آنها با عمل خود ثابت کرده‌اند که خواستن توانستن است، حتی در سخت‌ترین شرایط و با وجود بزرگترین موانع. به آنها دست‌مریزاد بگوییم. خسته نباشید انسان‌های معجزه‌گر!

اخبار کانادا و کبک



با فشار عربستان شبکه CTV پخش یک آگهی را متوقف کرد



با فشار مقامات سعودی، شبکه سی‌تی‌وی، پخش یک آگهی تلویزیونی درباره واردات نفت از آن کشور را متوقف کرد. به گزارش آژانس QMI، در این آگهی، که توسط یک سایت یا شرکت به نام Ethicaloil.org تهیه شده، نفت تولیدی عربستان، به عنوان یک منبع انرژی نادرست و غیراخلاقی توصیف و از دولت کانادا به دلیل خرید آن انتقاد شده است.

دایره حقوقی شبکه سی‌تی‌وی، با ارسال یک ایمیل اظهار داشته که برای ما بحث حقوقی قضیه مهم‌تر از دیدگاه‌های این و آن است و ما تا شفاف شدن آن، پخش آگهی را متوقف می‌کنیم. این شرکت در این آگهی، از این که پول کانادا به رژیم می‌رسد که تبعیض‌های گوناگون بر زنان روا می‌دارد انتقاد کرده

و در مقابل، استفاده از نفت حاصله از ماسه‌های قیری آلبرتا را اخلاقی‌تر دانسته است.

شبکه خبری سان، هنوز به پخش آگهی ادامه می‌دهد.

این گزارش حاکی است، دولت سعودی با استخدام یک تیم قوی حقوقی با این موضوع به مقابله پرداخته است.

در مقابل، جیسون کنی، وزیر مهاجرت و شهروندی با اعتراض نسبت به تلاش‌های انجام گرفته، گفت: «ظاهراً دولت

عربستان از طریق یک سازمان غیرانتفاعی و غیردولتی کانادایی اقدام به تهدید شبکه تلویزیونی کرده است. اما کانادا کشوری است که در آن آزادی بیان وجود دارد و یک حق اساسی برای مردم محسوب می‌شود و ما نمی‌توانیم تحمل کنیم کشورهای خارجی، مردم را به طور مستقیم یا غیرمستقیم، به دلیل آزادی بیان مورد تهدید قرار دهند.»

گفته می‌شود، دولت سعودی به دنبال فرد یا گروهی است که این سایت را راه‌اندازی کرده است.

در پاسخ به این درخواست، انجمن تولید نفت کانادا، ایجاد ارتباط سعودی‌ها با آنان را تأیید نکرد اما مشخص نکرد که آیا گروه مورد نظر را پیدا کرده‌اند یا خیر. هم‌زمان، «دین آلیسون»، نماینده محافظه‌کار پارلمان و رئیس کمیسیون

امور خارجی، اعلام کرد، از نمایندگان خواهد خواست، چگونگی برخورد عربستان با این موضوع را مورد بررسی قرار دهند. / ایران‌تو

بحران شغلی برای پزشکان متخصص در کانادا

نوبت‌های انتظار برای ویزیت پزشک متخصص، کوتاه‌تر از قبل شده، اما بیماران مبتلا به سرطان در کانادا هنوز هم باید دست‌کم یک ماه برای دیدن غده‌شناس صبر کنند و یک هفته بیشتر برای آغاز مراحل درمانی.

روزنامه نشنال‌پست در مقاله‌ای، با تشریح مشکلات شغلی جامعه پزشکی کانادا می‌افزاید، پزشکان آموزش‌دیده جدید در حالی طی امسال و سال گذشته، وارد بازار شده‌اند که با وجود نیاز مبرم به تخصص آنها، دچار نوعی سردرگمی در یافتن کار شده‌اند.

در این میان انکولوژیست‌ها تنها نیستند. سازمانهای پزشکی می‌گویند، متخصصان رشته‌های مختلف در حالی دچار بیکاری یا احتمال بیکاری هستند که مراجع مختلف، بارها از کمبود پزشک و انتظار طولانی‌مدت بیماران برای دریافت خدمات خبر می‌دهند.

دکتر شان لوون، ۳۶ ساله، که به تازگی تحصیل پنج ساله خود را در رشته

غده‌شناسی پرتوی به پایان رسانده، می‌گوید: «این واقعاً ناراحت‌کننده است. من می‌خواهم شروع به کار کنم و به درمان بیماران بپردازم. این همان چیزی است که جامعه به خاطر آن برای من هزینه کرده و کاری است که باید انجام دهم. اما متأسفانه اگر نتوانم چنین فرصتی را در کانادا بیابم ناچار به دنبال جای دیگری خواهم گشت.»



برخی از جویندگان کار، همانند متخصصان سرطان‌شناسی و جراحی ارتوپدی، در مواردی تحصیل کرده‌اند که دولت صدها میلیون دلار در آن حوزه سرمایه‌گذاری کرده تا ضمن گسترش خدمات مربوط، از میزان تأخیر در رسیدگی به بیماران کاسته شود.

کارشناسان معتقدند، با اینکه دولت‌های استانی، هزینه زیادی را برای تربیت متخصصان در مناطق مورد نیاز هزینه کرده‌اند، اما بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها توانایی پرداخت حقوق مورد نظر آنها را ندارند.

برخی نیز می‌گویند، بین آنچه مراکز درمانی از نظر متخصص همه‌کاره نیاز

Sam Bayat & Associates
A Canadian and International Law Firm

CLS international

Canadian Legal Services

دفتر وکالت و مشاوره حقوقی سام بیات

Tel: +1 5148458146 Fax: +1 5148455091
www.ilsgroup.com Email: cls@ilsgroup.com
1470 Peel Street, Suite B-915, Montreal, Quebec, H3A 1T1

وکیل پایه یک دادگستری کانادا با بیش از هفده سال سابقه در زمینه مهاجرت (با تخصص در مهاجرت سرمایه گذاران، مدیران و صاحبان مشاغل آزاد) و اخذ تابعیت، در شعبه‌های امارات، ایران، کانادا، انگلستان و کویت آماده ی ارائه ی خدمات به ایرانیان عزیز است.

کارکنان تیم هورتونز دبی، آموزش‌های لازم را درباره نوع و نام محصولات، مطابق آنچه در کانادا مشهور است، دیده‌اند. آنها به خوبی می‌دانند که مفهوم double-double به معنی قهوه با دو واحد کرم و دو واحد شکر است.

نگاه شرکت تیم هورتونز کانادا به خاورمیانه، در حالی شکل گرفته است، که رشد تجاری آن در منطقه آمریکای شمالی، با کندی همراه بوده به طوری که تاکنون ۳,۲۰۰ شعبه آن، تعطیل شده است.

تیم هورتونز همچنین دارای ۶۲۲ شعبه در آمریکاست.

افزایش می‌شود، شرکت تیم هورتونز، در اوایل دهه ۱۹۶۰ توسط یک بازیکن هاکای کانادایی به همین نام تأسیس و به سرعت فراگیر شد. هم اکنون فروشگاه‌های زنجیره‌ای «Tim Horton» بیش از ۷۵ درصد بازار چای و قهوه و ۶۲ درصد بازار شیرینی و کلوچه کانادا را در اختیار دارند. / ایرانتو

به کانادا برنمی‌گردند. اتفاقی که پیش از این در دهه ۱۹۹۰ روی داد و مایه شرمساری ما گردید. / ایرانتو

افتتاح اولین شعبه کافی شاپ «تیم هورتونز» در دبی



آغاز به کار اولین شعبه کافی‌شاپ زنجیره‌ای «تیم هورتونز» کانادا در خاورمیانه در شهر دبی، با استقبال قابل توجه مردم منطقه مواجه شد.

این شعبه، اولین مورد از ۱۲۰ شعبه‌ای است که براساس قرارداد تیم هورتونز با شرکت اماراتی Apparel Group در کشورهای امارات، قطر، بحرین، کویت و عمان تأسیس می‌شود.

شعبه بعدی، اواخر امسال در ابوظبی افتتاح می‌شود.

یک کانادایی مقیم دبی که در اولین صف خریداران آماده بود، به خبرنگار نشریه محلی نشان گفت: «مزه قهوه‌های عرضه‌شده، کاملاً مشابه کانادایی آن بوده و حتی دونات‌ها و شیرینی‌ها نیز از نظر شکل و کیفیت دقیقاً مثل همان مواردی است که من به یاد دارم.» این نشریه معتقد است، استقبال اولیه مردم، بیانگر موفقیت ایجاد چنین شعبه‌هایی در دبی است.

توجهی، تعداد دانشجویان پزشکی خود را افزایش دادند. یعنی یک دوره دوساله تخصصی برای پزشکان خانواده و دوره پنج ساله برای پزشکان متخصص دیگر.

در این میان فارغ‌التحصیلان دوره‌های پزشکی خانوادگی و برخی رشته‌های اولیه مثل مراقبت‌های اولیه، اطفال و ویزیت بیماران بپردازند، اما جراحان دیگر که نیاز به زیرساخت‌های گران قیمت مانند اتاق عمل برای انجام کار خود دارند اغلب می‌باید توسط بیمارستان‌ها یا مراکز درمانی استخدام شوند. یک عمل جراحی قلب، به عنوان مثال، برای بیمارستان هزینه‌های بالغ بر ۱,۵ میلیون دلار در سال دربردارد که حق‌الزحمه جراح را نیز شامل می‌شود.

پزشکان می‌گویند یکی از دلایل سختی یافتن شغل، عدم تمایل پزشکان قدیمی به بازنشستگی و ادامه کار آنها و به تبع آن افزایش متوسط سن بازنشستگی است.

آقای مک لین می‌گوید، گاهی اوقات، برخی موقعیت‌های شغلی در مناطق دیگری یافت می‌شود اما برای همه متخصصان امکان نقل و انتقال خانواده و فرزندان وجود ندارد. در عین حال، در مناطق با نیاز بالا نیز، مراکز درمانی، توانایی مالی لازم برای استخدام افراد بیشتر را ندارند.

رئیس انجمن پزشکان هشدار داده است، در صورت ادامه چنین وضعی، ممکن است بعضی از متخصصان بعد از یک یا دو سال تلاش، به ایالات متحده مهاجرت کنند و تجربه نشان داده است، که اکثر آنها در صورت موفقیت، هیچ‌گاه

دارند، با آنچه دانشکده‌های پزشکی تربیت می‌کنند، فاصله زیادی وجود دارد.

با صراحت می‌گوید: «وقتی تحصیل‌تان پایان یافت، انتظار پیدا کردن شغل در این استان را نداشته باشید.»

انتظار می‌رود بسیاری از پزشکان بیکار در نهایت به شغل مورد نظر دست یابند، اما این تأخیر می‌تواند به معنی عدم استفاده از توانایی‌های یک متخصص در جامعه دست کم به مدت یک یا دو سال باشد، هرچند مطالعات نشان می‌دهد صلاحیت جراحان با انجام متعدد اعمال جراحی و کسب تجربه‌های بیشتر، بهبود می‌یابد.

دکتر جف جانستون، جراح ارتوپد در ساسکاتون و سخنگوی این انجمن، می‌گوید: «اگر شما تمرین کافی نداشته باشید، توانایی‌های شما، به مرور دچار فرسودگی می‌شود، به همین دلیل ما معتقدیم، یک مرجع باید این افراد را به کار گیرد.»

در حالی که وضعیت نیازمندی به پزشک از منطقه‌ای به منطقه دیگر و تخصص به تخصص فرق می‌کند، اما اخیراً بحث در مورد نیاز بیشتر کانادا به پزشک مطرح می‌شود. در سال ۲۰۰۸، کانادا، رتبه ۲۶ را در بین ۳۲ کشور جهان در لیست سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) به خود اختصاص داد، با ۲/۳ پزشک به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت، در مقایسه با ایالات متحده که آمار آن، بین ۲/۴ تا ۳/۲ نفر بوده است.

استان‌های مختلف کانادا در سال‌های اخیر، به منظور پاسخگویی به لیست انتظار طولانی بیماران، به میزان قابل

مشهورترین قاتل زنجیره‌ای کانادا سرانجام بر اثر سرطان می‌میرد

پس از ۳۰ سال انتظار خانواده‌های ۱۱ کودک و نوجوان مقتول توسط «کلیفورد اولسون»، به گفته مقامات رسمی، او به زودی در زندان و بر اثر بیماری سرطان، خواهد مرد.

به گزارش ایرانتو، کلیفورد، در سال



مینو اسلامی

مشاور املاک در مونترال بزرگ - مسکونی و تجاری

تهیه وام مسکن برای دانشجویان و تازه‌واردان
گام به گام با شما تا پایان قرارداد
ارزیابی رایگان



Minoo Eslami

Real estate broker
Minoo.eslami@century21.ca

Cell: 514-967-5743



Maison de Voyages House of Travel

آژانس مسافرتی / فرناز معتمدی

پرواز به ایران و
سایر نقاط با بهترین نرخ‌ها

مناسبتین بسته‌های مسافرتی last minute

(514) 842-8000 Ext. 296



Titulaire d'un permis du Québec

farnaz@hot.ca www.hot.ca

1170 Place du Frère André (Square Phillips), Montreal, Quebec, H3B 3C6

۱۵ اقدام کلیفورد در شکنجه و قتل کودکان بی‌دفاع، تنفر عمومی از او را به شدت افزایش داد. «شرون»، مادر یکی از قربانیان، که پسر ۱۶ ساله او توسط کلیفورد به قتل رسیده، گفت: «در تمام ۳۰ سال گذشته، همواره چهره معصوم فرزندم در مقابل چشمانم زنده بود و همیشه فکر می‌کردم در هنگام مرگ قاتل، چه احساسی خواهم داشت.»

وی افزود: «برای سه دهه، داغ جنایت کلیفورد، همچون یک بار سنگین بر گردنم آویخته مانده بود.»

کلیفورد حتی از پشت میله‌های زندان نیز با درخواست‌های تجدید نظر و تاکتیک‌های دیگر، خانواده بازماندگان را مورد آزار روحی قرار می‌داد.

رایموند، پدر ۶۹ ساله‌ای که فرزند ۱۵ ساله‌اش جزء قربانیان بود گفت: «من ۳۰ سال پیش منتظر این اتفاق بودم. حداقل با مرگ قاتل، دیگر چهره زشت او از دیدگان ما محو می‌شود.»

وی با انتقاد از رسانه‌ها نسبت به انعکاس اخبار مربوط به کوچکترین فعالیت‌های او در زندان افزود: «این‌گونه خبرها و نقل قول‌ها، همواره داغ ما را زنده می‌کند.»

یک استاد جرم‌شناسی دانشگاه سایمون فریزر ونکوور، معتقد است، جنایات کلیفورد آن قدر سبعانه بود که حتی در همان سال‌ها، بحث پیرامون بازگرداندن مجازات اعدام قاتلان را در کانادا مطرح کرد.

«نیل بوید» افزود، نمی‌توان تصور کرد، اقدام او چه تأثیر منفی در سیستم قضایی کشور بر جای گذاشت.

مقررات اعدام در کانادا، از سال‌ها قبل لغو شده و قاتلان، حداکثر به حبس ابد یا ۲۵ سال زندان محکوم می‌شوند. / ایران‌تو



۱۹۸۲، با ربودن هشت دختر و سه پسر نوجوان، آنان را پس از تجاوز و شکنجه‌های متعدد به قتل رساند و یک سال بعد از آن، به حبس ابد محکوم شد.

وی در هنگام محاکمه در استان بریتیش کلمبیا با انجام یک معامله با دادگاه، ۱۰ هزار دلار بابت نشان دادن محل دفن هریک از بچه‌ها، دریافت کرد و بدین ترتیب مبلغ ۱۰۰ هزار دلار به همسر و فرزند او پرداخت شد. کلیفورد نشان دادن محل دفن اولین قربانی را رایگان حساب کرد.

این قاتل سنگ‌دل، در طول ۳۰ سال گذشته، چندین بار درخواست تجدید نظر کرده بود که هر بار با اعتراض بازماندگان و مخالفت دادگاه مواجه شد.

در سال ۲۰۱۰ و هنگام مبارزات انتخابات پارلمان فدرال، مشخص شد که وی ماهانه، ۱۲۰۰ دلار به عنوان مستمری سالمندی در زندان دریافت می‌کرد. به طوری‌که با ارسال یک قطعه چک به حزب حاکم محافظه‌کار، خواستار کمک

تبلیغاتی به آنان و دریافت اعتبار مالیاتی برای خود گردید.

درخواست او با عکس‌العمل تند محافظه‌کاران مواجه شد و استفن هارپر، نخست‌وزیر با ابراز عصبانیت نسبت به این موضوع، دستور قطع کمک مالی به زندانیان را صادر کرد.

کلیفورد که هم اکنون ۷۱ سال سن دارد، در هنگام نوجوانی، نوعی بیمار روانی محسوب می‌شد که به آزار دیگران و سرقت‌های کوچک می‌پرداخت. وی بعداً تبدیل به یک خون‌آشام و قاتل زنجیره‌ای شد.

اگر چه پیش از این، مزرعه‌داری به نام «رابت پیکتون» که به اتهام کشتن ۲۰ زن مشهور به فساد، به عنوان بدترین قاتل زنجیره‌ای کانادا معرفی شده، اما

ICP Immigration Inc.
www.icpimmigration.com

معصومه علی‌محمدی (بهیانی)

به همراه گروه مجرب خود ارائه‌کننده کلیه خدمات مربوط به اخذ مجوز اقامت دائم و یا موقت کانادا در زمینه کلیه برنامه‌های مهاجرتی فدرالی و ایالتی از طریق:

سرمايه‌گذاري، تخصصی، کارآفرینی، خویشاوندی، دانشجویی، ... و همچنین

تایید رسمی مدارک و تهیه سوگندنامه می‌باشد.

جهت مشاوره و تعیین وقت قبلی با دفاتر ما در مونترال و تهران تماس حاصل فرمایید.

رضایت شما پشتوانه نام و اعتبار ماست.

Cell: (514) 778-9011
Tel: (514) 289-9011
Fax: (514) 289-9022

info@icpimmigration.com

1117 Ste. Catherine West Suite 511
Montreal, QC, Canada, H3B 1H9

Toll free from Iran
(021) 971-1878 ext. 4000 or
(021) 971-1873 ext. 4000

محضر دار کبک و دانش‌آموخته حقوق از ایران

مشاور حقوقی و همراه هم‌میهنان

خدمات ما برای شما

تایید امضا	توافق‌نامه رسمی جدایی	وصیت‌نامه
رونوشت برابر اصل	امور مهاجرت	وکالت‌نامه
حقوق خانواده	امور املاک، خرید و فروش، اجاره‌نامه	امور ارث
و دیگر خدمات حقوقی	ثبت و امور شرکت‌ها	ازدواج رسمی

مونا صالحی

سردفتر اسناد رسمی

Notaire-Notary

www.MonaSalehiNotaire.com

514-903-8560 **3859 Décarie, Montréal, QC, H4A 3J6**

تقویم هفته برای رخدادهای جامعه ایرانی در مونترال

از پنجشنبه ۷ مهر ۱۳۹۰ - ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۱ www.Hafteh.ca Montreal@hafteh.ca

۳۰ سپتامبر	<p>رونمایی کتاب «داستان زرتشت» کتابخانه زاگرس / مهدی مرعشی</p> <p>19:00 Friday Sep 30 2011 5155 Boul. Decarie</p>	۲۲ اکتبر	<p>معرفی خط و زبان پهلوی کتابخانه زاگرس / آزاده احسانی</p> <p>19:00 Saturday Oct. 22, 2011</p>
۳۰ سپتامبر	<p>نشست «اتحاد چپ» در مونترال «اتحاد چپ» در مونترال</p> <p>Friday Sep 30 2011</p>	۲۸ اکتبر	<p>فلسفه نیچه و نقد او به مدرنیته کتابخانه زاگرس / عطا هودشتیان</p> <p>18:00 Oct. 28, 2011</p>
۳۰ سپتامبر	<p>گیرگارد و مراحل آغازین اگزستانسیالیسم زاگرس / عطا هودشتیان</p> <p>18:00 Sep. 30, 2011</p>	۲۹ اکتبر	<p>کلاس آموزش فتوشاپ کتابخانه زاگرس</p> <p>13:00 Oct. 29, 2011</p>
۱ اکتبر	<p>انجمن مهاجران دکتر علی دولت‌آبادی کتابخانه زاگرس</p> <p>17:30 Saturday Oct 01 2011 5155-Boul. Decarie</p>	۲۹ اکتبر	<p>آشنایی مهاجر با امور محضرداری کتابخانه زاگرس</p> <p>17:30 Oct. 29, 2011</p>
۲ اکتبر	<p>آموزش تنظیم رزومه شغلی و کاریابی فرهنگسرای سینا / دکتر بهشتی</p> <p>17:00 Sunday Oct 02 2011 6528 St. Jacques</p>	۳۰ اکتبر	<p>آموزش کامپیوتر به بزرگسالان کتابخانه زاگرس</p> <p>18:00 Oct. 30, 2011</p>
۲ اکتبر	<p>سخنرانی: «پند بزرگان» دوستداران فرهنگ و ادب... ح علیزاده</p> <p>16:00 Sunday Oct 02 2011 1450 Guy / Room: 1.210</p>	۱ اکتبر	<p>ثبت نام کلاس‌های ستور کتابخانه زاگرس</p> <p>11:00 Oct. 08, 2011</p>
		۸ اکتبر	<p>زنان و سینما در دوره قاجار کنکوردیا و میک / بهزاد رحیمیان</p> <p>18:00 Saturday Oct. 08th, 2011 1400 de Maisonneuve O /LB_122</p>
		۹ اکتبر	<p>سخنرانی درباره روستای کندوان دوستداران فرهنگ و ادب / الف دانشیار</p> <p>16:00 Sunday Oct 09 2011 1450 Guy / Room: 1.210</p>
		۱۴ اکتبر	<p>فلسفه انتقادی مارکس و زایش مارکسیسم کتابخانه زاگرس / عطا هودشتیان</p> <p>18:00 Oct. 14, 2011</p>
		۱۶ اکتبر	<p>سخنرانی: تاریخچه دادگستری در ایران دوستداران فرهنگ و ادب... / یزدان والی‌نژاد</p> <p>16:00 Sunday Oct 16 2011 1450 Guy / Room: 1.210</p>

Ovu & Osu
opticien



برای مشاوره به زبان فارسی با همکار ما، هومن صحبت کنید

خدمات ما:

- Fashion and Classical eyewear
- Frames for all budgets
- Student Offers
- Eye Exam
- All prescriptions accepted
- 1 hour service

- عینک‌های مدرن و کلاسیک
- عینک برای هر بودجه‌ای
- قیمت‌های ویژه برای دانشجویان
- آزمایش چشم
- پذیرش تمام نسخه‌ها
- سرویس یک ساعته

coupon-cadeau

100\$

با این کوپن، با خرید یک عینک کامل (قاب+لنز) ۱۰۰ دلار تخفیف بگیرید



Ovu & Osu
opticien

Ovu & Osu
opticien

Address : 1606 Sherbrooke West (Corner Guy)

Tel : 514.509.4127



شما می‌توانید
فرشته نجات
تیماز باشید!



Tymaz, who is 14 years old, has been doing something most young teens should never have to do; fight for their lives. He has been battling leukemia for the past three and a half years. Tymaz's zest for life and a committed love of soccer are his motivations for fighting to stay alive. However, in order to beat his disease, Tymaz desperately needs a stem cell transplant

Together we can beat the odds, improve the chances and give him a second chance at life. You can turn his fear into hope

Tymaz has uncommon HLA typing and to survive he must receive a stem cell transplant.

As This Process Takes Long Time And For Tymaz Time Is Very Essential Please

**Register As Soon As Possible
This is how you can help**

In order to donate, You must be between 17 to 50 and in general health
To apply on line in any part of the world pls follow this steps:

In Canada:
www.onematch.ca

To register in US go to
<http://www.paci.org/donate-bone-marrow.html>

any other part of the world go to one of these links and find all the participating countries
<http://www.healemru.com/registries.php>

or
http://www.bmdw.org/index.php?id=addresses_members&no_cache=1

In Iran در ایران

for people who reside in Iran Please contact Tymaz's cousins At
Kaveh +98-935 710 1107
Hossein +98-912 34 99 567
ebak_110@yahoo.com



می‌رفت و به طور میانگین هر نفر بیش از ۷ عدد کتاب خریداری کرد.» او درباره قیمت کتاب‌ها می‌گوید: «تمامی کتابها با ضریب ۱/۵ برابر بهای پشت جلد برای فروش گذاشته شده بود. یعنی اگر کتابی ۱۰ هزار تومان قیمت پشت جلد داشت، ما آن را ۱۵ دلار عرضه کردیم.» مدیر زاگرس درباره اینکه آیا دوباره چنین حراجی در دستور کار خواهد بود گفت: «تعداد زیادی از علاقه‌مندان



مکیک و ناشر کتاب در معرفی نویسنده گفت: «من عزیز معتمدی را از سال‌های دور می‌شناسم و در همه‌ی این سال‌ها دیده‌ام که او دغدغه‌ی فرهنگ دارد و داستان می‌نویسد. داستان‌هایی که یکی از آن‌ها همین مجموعه است. من آن‌ها را خواندم و خیلی پسندیدم و تصمیم به انتشارشان گرفتم.»

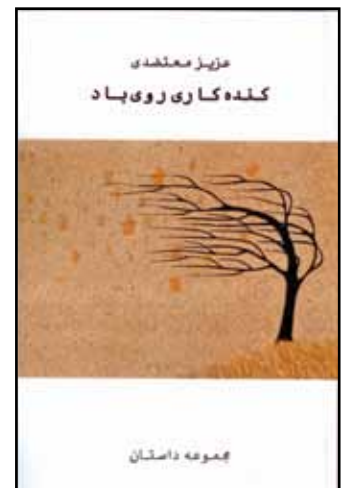
پس از این معرفی عزیز معتمدی به مرور بعضی از داستان‌هایش پرداخت و شهره شعشعانی، قطعاتی از آن‌ها را برای حاضران خواند. گزارش کامل این برنامه در همین شماره هفته منتشر شده است.

حراج در زاگرس موفق بود

پایان هفته‌ای که گذشت، کتاب‌خوان‌های مونترال امکان یافتند تا با استفاده از فرصتی که «زاگرس» ایجاد کرده بود، تعداد زیادی کتاب خریداری کنند. خرید بیش از هزار نسخه کتاب در مونترال، فقط در یک آخر هفته، برای جامعه کوچک ما رقم چشم‌گیری به حساب می‌آید.

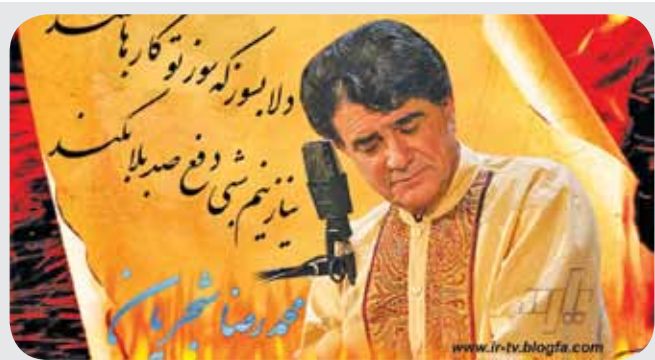
روزهای ۲۳، ۲۴ و ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۱ روزهای موعود بودند که از یک ماه پیش تاریخ آن اعلام شده بود. مدیر زاگرس، مهدی شهرستانی، در این رابطه به هفته گفت: «پیش از هر چیز مهم است که از حدود ده نفر که به طور داوطلبانه در این کار شرکت کردند تشکر کنم. بدون کمک این دوستان کاری که صورت گرفت واقعاً غیرممکن می‌بود.» شهرستانی در رابطه با استقبال مردم می‌گوید: «در مجموع خوب بود. در حدود ۱۵۰ نفر مراجعه داشتیم و البته تعدادی از علاقه‌مندان در دو یا سه روز متوالی به کتاب‌فروشی آمدند. در آن میان کمتر کسی بدون خرید بیرون

معرفی مجموعه داستان «کنده کاری روی باد» در گالری مکیک



جمعه ۱۶ سپتامبر گالری مکیک، مراسم معرفی مجموعه داستان «کنده کاری روی باد»، نوشته عزیز معتمدی را برگزار کرد. بهرخ منظمی، مدیر انتشارات





برای استاد شجریان به مناسبت هفتاد و یک سالگی سلطان آواز ایران

■ صابر جلیلزاده

۱) شجریان در رشته‌های هنری دیگری نیز مهارت دارد. وی آهنگسازی توانا، نوازنده‌ای چیره‌دست و سازنده‌ای خلاق است. سازهای ابداعی وی از جمله سازنده‌ی صراحی، ارنواز و کرشمه است که امروزه در ارکسترهای مختلف موسیقی، به طور چشمگیر استفاده می‌شوند. شجریان در زمینه هنر خوشنویسی نیز فعال است. وی در سال ۱۳۵۴ توانست درجه ممتازی خوشنویسی را از انجمن خوشنویسان ایران دریافت کند.

۲) شجریان از آلودگی‌ها دوری جسته است. متأسفانه انحرافات و آلودگی‌هایی در میان بخشی از هنرمندان موسیقی ایران رواج داشته و دارد که گریبانگیر بسیاری از هنرمندان ایرانی است. بسیاری به این دلیل مجبور شدند از کار هنری کناره بگیرند. ولی خوشبختانه شجریان چنین نبوده و نیست. او طبق گفته خود در طول عمرش حتی سیگار هم نکشیده است.

۳) شجریان هنرمندی است مردمی و میهنی. او همیشه در صف مردم قرار داشته است و با مردم زندگی کرده است. او همیشه خود را مدیون طرفدارانش دانسته است و همچنین برای وطنش فردی آزاده بوده. نمونه بارز این مسأله شرکت فعال او در بازسازی شهر بم بود که با همت این هنرمند بزرگ و چند تن دیگر، کارهایی اساسی در آنجا صورت گرفت.

شجریان با انسانیت، نبوغ و خلاقیت فوق‌العاده‌اش توانست گام بلندی را در جهت حفظ و اشاعه هنر موسیقی در ایران بردارد. بدون شک اگر همت او و چند تن دیگر از موسیقی‌دانان مانند او نبود، معلوم نبود موسیقی اصیل ایران به چه سرنوشتی دچار شود.

برای این استاد بزرگ، سلامتی و طول عمر آرزو می‌کنیم.

هفته گذشته ۲۱ سپتامبر (مصادف با اول مهر)، زادروز هنرمند بلندآوازه موسیقی ایران، محمدرضا شجریان بود. در این پنجاه سالی که استاد شجریان در موسیقی ایران مطرح است، سی‌وسه سال را بر قله آواز ایران، قرار داشته و به نظر می‌آید تا چندین سال نیز این عنوان را حفظ خواهد کرد. بسیاری از فرهیختگان و مردمان اهل هنر، بر این عقیده‌اند که شجریان در موسیقی ایران یک پدیده بود و بعید می‌دانند کسی بتواند در آینده نزدیک به جایگاه شجریان در آواز دست پیدا کند.

بسیاری از کسانی که در بیست و چند سال گذشته قدم در راه آواز نهادند نهایت آرزویشان این بود که به حد و اندازه شجریان برسند. تأثیر فوق‌العاده ایشان بر موسیقی ایران، به قدری است که خیلی‌ها موسیقی ایران را با او شناختند. او بعد از انقلاب ۱۳۵۷ و با کناره‌گیری بسیاری از خوانندگان موسیقی اصیل ایران، دریافت که تنها پرچمدار آواز در ایران است و در نتیجه برای حفظ و اشاعه آواز در ایران شروع به فعالیت کرد. او در مدت زمان کوتاهی توانست، شاگردانی را تربیت کند که هر کدام از زمره بهترین خوانندگان زمان خود شدند، شهرام ناظری، که با تأثیرگیری از موسیقی عرفانی ایران راه و روش نوینی را در عرصه موسیقی ایران آغاز نمود؛ علیرضا افتخاری که با صدای گرم و دلنشینش، توانست طرفداران زیادی را به خود جلب کند؛ محمد اصفهانی، حسام‌الدین سراج، و شادروان ایرج بسطامی که هر کدام جایگاه ویژه‌ای را برای خود در قلمرو موسیقی ایران رقم زدند. شجریان در موسیقی ایران تأثیر بسیار گذاشت و تحولاتی چند پدید آورد، اما عوامل مهم دیگری هم وجود دارد که جایگاه کنونی او را در عرصه موسیقی ایران بیش از پیش تثبیت می‌کند.

تمام شد.»
او می‌افزاید: «خانم‌های دانشجو بیشترین خریداران بودند. اما در مجموع خیلی‌ها از وجود چنین مکانی در مونترال تشکر و قدردانی می‌کردند.»
در کافه‌لیت: «زبان طنز» با محسن حافظیان

کافه لیت در نشست ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۱ خود، میزبان دکتر محسن حافظیان، مدیر سازمان آموزشی مولتی‌ساز بود. این بار موضوع بحث زبان بود و با توجه به تخصص سخنران که در همین حوزه است، انتظار نیز همین بود. محسن حافظیان، دانش‌آموخته دانشگاه پاریس، با عنوان «زبان طنز» به سخنرانی پرداخت. گفتار او در چهار بخش ارائه شد. او در بخش‌های اول تا سوم به «تبیین طنز»، «طنز و متون» و «سازهای طنز» پرداخت و در بخش پایانی «گسست در پیوندهای سازه‌ها» را مطرح کرد. خلاصه این سخنرانی در همین شماره منتشر شده است.

سخنرانی رکسانا بهرامی‌تاش در دانشگاه مگ‌گیل: اقتصاد سیاسی، اشتغال زنان در ایران امروز

بهرامی‌تاش می‌گوید: «متأسفانه آمارها حاکی از بالا بودن نرخ بیکاری به‌ویژه در میان زنان است. البته باید توجه کرد که یکی از دلایل بالا بودن نرخ بیکاری در دهه اخیر می‌تواند به خاطر افزایش سریع درصد زنان تحصیل‌کرده در سطوح بالا باشد. همچنین رشد فزاینده نرخ طلاق (به خصوص در مناطق شهری).»
بهرامی‌تاش با اشاره به تعریف بیکاری،



Dr. Roksana Bahramitash

فیروز همتیان
مشاور املاک و مستغلات

• در مونترال و South Shore
• مسکونی و تجاری
• ارزیابی رایگان-تهیه وام مسکن

Firouz hemmatiyan
Chartered Real Estate Broker

Cell: (514) 827-6364
Bur: (514) 364-3315
Fax: (514) 364-3649
9515 Lasalle boul. Lasalle Qc.




VOYAGES **SKY** **LAWN** TRAVEL

آژانس مسافرتی اسکای لان

■ بهترین نرخ ها برای سفر به ایران واز ایران به سایر نقاط جهان
■ بهترین Package های سفر به جنوب گرم
■ تورهای مسافرتی به اقصی نقاط کانادا و آمریکا

Cell: 514-594-0344 **یاسمین** ysaquiali@yahoo.com
Cell: 514-660-7135 **شادی** shadim.sky@gmail.com
www.skylawn.net www.skylawn.net

Tel: 514-388-1588 Fax: 514-388-2815
433 Chabanel Ouest, Suite 111, Montréal, P.Q. Canada H2N 2J3

Maryam & Rose



استیکه الکترونیکی لیزر

4491-A St. Charles Blvd – Pfds, QC, H9H 3C7
(SPQ Concept)
514-833-1519 & 514-694-3735

جلسات فلسفی

دکتر عطا هودشتیان

درودیه: \$7

جمعه ها یک هفته درمیان درانتشارات زاگرس

514.489.8686



فرد بیکار را شخصی می‌داند که به دنبال کار است می‌گوید: «یکی از دلایل بالابودن آمار بیکاری این است که شاید دو یا سه دهه پیش بسیاری از این زنان جویای کار نبودند. ولی امروزه به نظر می‌رسد که استقلال اقتصادی یکی از مسائل مهم و دارای الویت زنان ایران است.»

در این جلسه نیز تأکید بهرامی‌تاش بر این بود که «رویکردهای کلیشه‌ای نسبت به زنان ایران که غرب آنان را پشت چادر مخفی می‌کند، بر خلاف واقعیت موجودی شرایط حاضر است.»

از جمله او در این رابطه گفت: «برای مثال با وجود مشکلات فراوان، زنان ایرانی در حیطه‌های مشاغل «مردانه» مانند مهندسی، پزشکی، فیزیک، کامپیوتر و ریاضیات درخشش فراوانی داشته‌اند. این موفقیت‌ها تنها مخصوص حیطه علمی نیست و دیگر زمینه‌های هنری و فرهنگی زنان ایران در جهان نمونه منحصر به فردی هستند. برای مثال تعداد کارگردانان زن در سینمای ایران، ۴ برابر زنان کارگردان در هالیوود است.»

مونترال
در هفته‌های آینده
از ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۱

برنامه‌های انجمن دوستداران فرهنگ ایران از سر گرفته شد

براساس ای‌میل رسیده، اولین جلسه انجمن دوستداران فرهنگ ایران روز یکشنبه دوم اکتبر ۲۰۱۱ تشکیل خواهد شد. سخنران جلسه نخست آقای حسن علیزاده است و تحت عنوان «پند بزرگان»

رونمایی کتاب و برگزاری میزگرد نقد و تحلیل کتاب

داستان زرتشت اثر مهدی مرعشی

با حضور:



عطا هودشتیان
نویسنده و استاد دانشگاه



محمد فاضل
مسئول جمعیت دوستان ایرانیکا



ح. ا. طبری
نویسنده و مترجم مقیم تهران



فردا

Sep. 30 , 2011
19:30

جمعه

۳۰ سپتامبر ۲۰۱۱

برابر با ۸ مهر ۱۳۹۰

ساعت ۱۹:۳۰

5155 Décarie Montréal, Québec
H3W 3C2 CANADA
(Queen Mary X Decarie blv)
1(514)489-8686 & 1(514)690-6343
info@zagros.ca
www.zagros.ca



Métro Snowdon



Zagros

بخش «از خوانندگان» ستون آزادی است که به هر ایرانی ساکن مونترال فضای ابراز نظر می‌دهد. «هفته» در برابر نظرات داده شده در این صفحه مسولیتی ندارد. انتشار این مقالات و نوشته‌ها در چارچوب باور بنیادین ما به آزادی بیان صورت می‌گیرد. مرزهای آزادی در این صفحه توسط قوانین کانادا تعریف شده‌است و سلیقه سردبیر و دیگر همکاران «هفته» در آن نقشی ندارد. تحریریه هفته



کافه پرشیا

- انواع خورش‌ها و غذاهای ایرانی با طعم خانگی
- انواع کباب‌ها
- شیرینی‌های خشک ایرانی
- زولبیا بامیه، رولت و باقلوا ترکی

شیرینی خانگی سرو
سفارش غذا و شیرینی پذیرفته می‌شود

ساعت‌های کار: دوشنبه تا جمعه ۷:۳۰ صبح تا ۷:۳۰ بعدازظهر

936 Girouard (corner of St. Jacques)
Tel: 514-489-8484

کالج حرفه و زبان کنکورد



• کلاس‌های فرانسه و انگلیسی

• آمادگی برای TFI، IELTS و TOEFL

• دوره‌های تدریس مشاغل: حسابداری، مدیریت
معلمی زبان فرانسه CEFLSE و انگلیسی TESL

• کلاس‌های مشاوره و راهنمایی مسائل اداری - اجتماعی کانادا

گواهینامه‌های ما (Certificate) مورد تایید

اداره‌های دولتی کبک هستند

برای کلاس‌های کمک درسی در سطوح دبستان، دبیرستان،
کالج و دانشگاه در خدمت شما هستیم

www.collegeconcorde.ca
info@collegeconcorde.com

5440 Queen Mary suite 102 Montréal (Snowdon) ☎
514 481-0555

به نام او که جان را خرد داد

احمدی‌نژاد برای ورود به نیویورک خود را به آب و آتش زد

■ علی اصغر محمدی

با سلام و درود خدمت شما خوانندگان مجله «هفته»، شما روشنفکران، دانشمندان، دانشجویان بایمان،

چند ماه پیش در اخبار کانال B.B.C شنیدیم که دادستانی کل کشور، قوه قضائیه مجلس و شورای نگهبان همگی به دستور دولت احمدی‌نژاد دو کوهنورد آمریکایی را

به هشت سال زندان محکوم کردند. هفته پیش کانال C.B.C خبر داد که قرار است دولت دکتر احمدی‌نژاد آن دو کوهنورد را

آزاد کنند. یعنی دادستانی، مجلس، قوه قضائیه و شورای نگهبان همگی قانونی را

که خود مجری آن می‌باشند زیر پا گذاشتند و مصلحت نظام را در این دیدند که آن دو آمریکایی را از زندان رها کنند، و آن حکمی

را که قاضی دادگاه برای آن دو کوهنورد صادر کرده بود به هیچ گرفتند. یعنی دادگاهها، مجلس، دادستانی و قوه قضائیه

برای خارجیان تشریفاتی می‌باشد. این دکتر عزیزمان برای اینکه بتواند بار دیگر ویزای ورود به «خاک شیطان بزرگ» را بگیرد و به

سازمان ملل برود که شاید ملاقاتی با حسین اوباما داشته باشد، خود را به آب و آتش زد.

دکتر محمود در مدت هشت سال ریاست جمهوری که به عهده داشت تلاش بسیار کرد که به آمریکا بفهماند ما طرفدار غرب

هستیم نه شرق. آقای احمدی‌نژاد با آزاد کردن آن دو کوهنورد آمریکایی خط باطلی بر روی قوه قضائیه،

مجلس و شورای نگهبان کشید و عقاید انقلابی مردم را به هیچ نشمارد. قرار است در روز ۲۳ سپتامبر، بیشترین سران باطل

جهان در سازمان ملل که «نوکر حلقه به گوش آمریکا و اروپا می‌باشد» دور هم جمع شوند و برای مابقی عمر بندگان تصمیم بگیرند. دکتر احمدی‌نژاد در آخرین روزهای

حکومتش می‌خواهد رضای دل خانم Clinton و حسین اوباما را به دست آورد و آن دو آمریکایی را برای چشم‌روشنی تحویل آمریکا داد. آن وقت مردم مسلمان ایران را

به خاطر اعتراضی کوچک به نحوه انتخابات در رأی‌گیری به سالها زندان محکوم کرد.

در همین حکومت آقای احمدی‌نژاد بود که آن سربازان انگلیسی که به آبهای ایران تجاوز کرده بودند، با چه سلام و صلوات و کت شلوارهای گران‌قیمت که به تن آن

جاسوسان کرده و رهسپار انگلستان کردند. کجای این قانون عدالت دیده می‌شود. شاید خون آمریکایی و انگلیسی با خون ایرانی فرق می‌کند. امروز در اخبار شنیدم دکتر محمود

در یک مصاحبه تلویزیونی در خاک آمریکا به خبرنگار آن کانال می‌گفت چرا آمریکا با فرستادن جوانهایش به عراق، افغانستان

آنها را به کشتن می‌دهد. یکی نیست به این دکتر رئوف و مهربان بگوید چرا دلش برای جوانان مملکت نمی‌سوزد. دکتر عزیز! گویند

حنای شما دیگر رنگ ندارد. از طرفی دیگر مقتدا صدر فتوا صادر کرده است که دیگر آمریکاییها را نکشید که کشتن

آنها حرام است. آری یکی را یافتیم که نیکو درمی‌یافت ولی امین نبود، زیرا دین را

وسيله رسیدن به دنیا ساخته بود و با نعمت خداوندی بر بندگان به‌تری می‌فروخت و می‌خواست با حجت علم، اولیای خدا را

مغلوب سازد. آن کس پیرو حاملات علم است ولی در شناخت رمز و راز علم خودش را بصیرت

نیست. چنین کس هرگز پاسدار دین نیست. در نظام جمهوری اسلامی ایران دست‌اندرکاران بر سه دسته می‌باشند.

گروهی عالمان ربانی و آموزنده‌ای که در راه راست گام برمی‌دارند، و دو گروه دیگر، یعنی کسانی هستند که از بی‌هر آواز می‌روند و با

وزش هر باد به چپ و راست میل می‌کنند. اینانند که از فروغ دانش بهره‌ور نشده‌اند و به سیاه‌چال نادانی فرورفته‌اند.

با سیاست از دست اندرکاران مجله هفته و شما خوانندگان و طرفداران در کمک و یاری نمودن این مجله نوپا، و با تشکر از

زحمات بی‌دریغ همکاران مجله. همگی پایدار و پاینده باشید. سخن را کوتاه کنم زیرا در حدیث آمده است کوتاه زیباتر است.

ای مؤمنان بدانید که تلخی دنیا برایتان شیرینی آخرت است، و ای پیروان شیطان شما نیز بدانید که «رقص و آواز» و «عیش و نوش» دنیا برایتان به تلخی «زهر ماری کشنده» در آخرت است.

/ مونترال ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۱



مادر، مرا ببخش!

تجربه تلخ تهاجم روس در افغانستان و چپی‌گرایی بارق شفيعی باعث شده که تعدادی از افغانان زیبایی اشعار این استاد سخن را نادیده گرفته و او را به باد فراموشی بسپارند. اما او سخنوری است که صور خیالش خواننده را مجذوب و گرویده خود می‌سازد. او در سرودن اشعار در سبک قدیم و نو استاد است. اکثر اشعار او توسط بزرگترین آوازخوانان افغان و هندی چون احمد ظاهر، استاد خیال ناشناس، ساریان، خانم ژيلا و محمد رفيع کامپوز و خوانده شده است. به طور مثال می‌توان از آهنگ دلکش صادق فطرت «ناشناس» یاد کرد:

عاشق‌ام عشق من خدای منست
دل من عرش دلربای منست
صوت بال فرشته نیست چنین
گوش کن، گوش کن، صدای منست
خیزد از دل به دل نشینند و بس
آرزو بال ناله های منست...

و یا این شعر که توسط استاد «خیال» کامپوز شده:

ای دل خموش باش!
کمتربه سینه زن.
آهسته تر بتپ که محیط تو کوچک است
گیرم قفس شکست،
پروازگاه کو؟
اینجا فضا کثیف‌تر از سینه‌ها بود...

بارق شفيعی در شعری از وطن، که او را مادر گفته صدا می‌زند پوزش خواسته و از آرزوهای ناکام سخن می‌گوید:

می‌خواستم که هر چی ز خاک تو سر زند:
با رنگ و بوی زینت روی زمین شود،
می‌خواستم که هر کی به نام تو می‌زید:
نیروی آفرینش عصر نوین شود،
«جهان آفرین شود»
طراح نظم تازه دنیا شود، نشد!

مادر، مرا ببخش!

می‌خواستم به دامن صحرا، چکاد کوه،
بر اوج سبز شاخ سپیدار دیر سال:
هر زندخوان زنده باغ و بهار تو
بهتر ز هر عقاب فضا گرد کاینات:
سیمرغ رهگشای ثریا شود، نشد!

مادر، مرا ببخش!

که در روزگار من:
«آیین طالبانه» بگذشته‌های دور،
پرغوی جنگلی ستمباره‌گان زور:
دست ستم ز دامن پاکت رها نکرد.

مادر، مرا ببخش!

می‌خواستم برون و برونتر ز خوبستن:
هر همزمان من
از دانه‌گی برون جهد و خرمنی شود
یعنی به رغم «من» همه‌جا «ما» شود، نشد!

مادر، مرا ببخش!

زین واپسین «گناه»
می‌خواستم تمامت این ناتمامها،
این ایده‌آلها،
از من جدا شود
وین جان ناتوان:
ز «آینده» نا امید،
بی انتظار و بی خود و تنها شود، نشد!

▲ بارق شفيعی

مادر، مرا ببخش!

می‌خواستم به باغ تو، نخل امید من:
سبز و بلند و سنگ و شگوفا شود، نشد!
هر شاخه،
هر ستاخ-
پُر برگ و بار و خرم و زیبا شود، نشد!
هر برگ گل به شاخ:
تصویر جلوه‌پرور فردا شود، نشد!

مادر، مرا ببخش!

می‌خواستم به گاه بهار شگوفه‌ها
ذرات جان من
چون نور عشق
گرم و شتابان و پُر فروغ:
در رگ رگ شگفتن گلها شود، نشد!

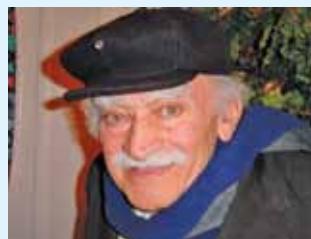
مادر، مرا ببخش!

می‌خواستم ز چاک گریبان دره‌ها
این پاره‌های پیکر خونین کوهسار
- وادی خامشان -
تا شعله‌زار دامن تفتان دشتها
با شبنم بهار چمن شستشو دهم
تا هر که بنگرد به تو، شیدا شود، نشد!

مادر، مرا ببخش!

عشق چیست و عاشق کیست

■ زکریا اعتضادی



آنچه عرفا راجع به عشق گفته‌اند کم گفته‌اند، زیرا از آنجا که عشق به ذات باری تعالی منتهی می‌شود، لفظ به هیچ وجه قادر به بیان کل مطلب نیست.

اینک به طور اختصار بررسی می‌کنیم عشق چیست و عاشق کیست و اگر کسی عاشق یک نفر باشد و یا به یک چیزی عشق بورزد آیا می‌تواند نسبت به فرد و یا چیز دیگری اظهار عشق کند. مطلب اصلی همین‌جا است.

روزافزون دوست، تمام هستی و جان خود را با خوشدلی و صمیمانه نثار کند.

عشق از نظر لغوی یعنی آخرین مرحله دوستی نسبت به یک نفر یا یک چیز. عشق وقتی مصداق پیدا می‌کند که تمام علاقه‌مندی شخصی به هر چیز و یا هر کس در یک‌جا خلاصه شده باشد و انحطاطی در پیش نباشد.

چنانچه عشق مجازی باشد در این مرحله عاشق باید از همه چیز که مورد علاقه اوست دست بکشد تا خالص بودن او در عشق روشن باشد.

چند مثال بزنیم. ابراهیم پیامبر از تهدید نمرودیان که خواستند او را به‌آتش بیاندازند ترسی به خود راه نداد. عاشقانه آتش را استقبال کرد و غیر از آن حاضر شد یگانه فرزندش اسماعیل را به اشاره دوست در راه او قربانی نماید. اما آتش نمرودیان در ابراهیم بی‌اثر شد و به جای فرزندش گوسفندی قربانی گردید. زیرا وقتی که عاشق هر چه داشته باشد نثار دوست کند و فانی بودن خود را به مرحله ثبوت برساند، معشوق هم در ازای آن، او را از هر گونه گزند و محرومیتی مصون نگه می‌دارد. بیش از آن‌چه در انتظار او بگنجد، به او جلوه‌های زیباتر اعطا می‌کند.

عرفا هرکدام راجع به عشق اشعاری سروده‌اند که هر یک در جای خود بسیار شیرین و دل‌پذیر است. حافظ بلبل شیراز می‌فرماید:

من در آن دم که وضو ساختم از چشمه عشق چار تکبیر زدم یکسره بر هر چه که است

ملای رومی در مورد عشق مجاز می‌فرماید: عشق‌هایی کز پی رنگی بود عشق نبود، عاقبت ننگی بود

هم او درباره عشق حقیقی می‌سراید: غرضی نبود بگردش در جهان غیر جسم و غیر جان عاشقان عشق را با پنج یا شش کار نیست مقصد او جز که جذب یار نیست ترس مویی نیست اندر پیش عشق جمله قربانند اندر پیش عشق

مونتال / ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۱

WBDO
DESIGNING
&
PRINTING

604 671 9880 | www.BehGraphics.com

ساوالان گوروهی شعر اوخوماق جلسه لری برگزار ایلیر

سنوگیلم، عشق اولماسا وارلیق بوتون افسانه دیر
عشقدن محروم اولان انسانلیقا بیگانه دیر
من اسیر عشقییم اؤز خالقیمین، اؤز بوردومون
سنومین اؤز خالقینی، اؤز بوردونو، دیوانه دیر



آذربایجان شاعیر لرینی تانیق. اولارین شعرلرینی
اوخوباق و تورکی دیلینین اوخوماقینی اؤیرنایق
دوشنبه ۳ اکتبر ۲۰۱۱
اطلاعات تلفونی: ۵۱۴۷۶۸۵۹۶۹

فیلم انیمال فارس، اثر نادر دولت‌شاهی که ساکن مونترال است و تا به حال چند فیلم ساخته است، مدتی پیش در شهرمان به روی صحنه رفت. بخشی از همکاران این فیلم نظرانی درباره همکاری با آقای دولت‌شاهی ابراز کردند که این نظرات توسط کارگردان فیلم، برای انتشار به هفته سپرده شده است. این نظرات همراه با تصاویر گروهی از همکاران در این صفحه ارائه می‌شود.

/ هفته

با نادر دولت‌شاهی در استودیوی صدابرداری فیلم انیمال فارس

(۱) اسم من «تری استریت» است. من در هنگام فیلم انیمال فارس دوران خوبی داشتم. بسیار جالب بود که دو صدای مختلف را با دیالوگهای فراوان به عهده داشته باشم که هر دو پایانی کاملاً مختلف داشت. امیدوارم همه به همان اندازه که من از کار کردن در این فیلم لذت بردند نیز لذت ببرند.

(۲) اسم من «لی ان تیلور» است. صداگذاری بر روی این فیلم که من در آن نقش زنی در آسانسور را به عهده داشتم برایم جالب بود، تجربه‌ای که با آن خود را آزاد کردم. این موضوع هر روز اتفاق نمی‌افتد که چنان در آسانسور جیغ بزنی که سرت برود، ولی در همان حال برای این کار از تو قدردانی شود. متشکرم نادر!

۳- اسم من «بروس هنری» است. انجام صدای خر نابغه در انیمال فارس چالشی عالی بود. نادر می‌داند چه می‌خواهد و سخت هم روی آن چیزی که می‌خواهد روی تو کار می‌کند. او مرا وادار به صداهایی کرد که هرگز فکر نمی‌کردم از عهده‌اش برآیم. برایم بسیار سرگرم‌کننده بود که بخشی از این کمدی خلاق باشم. انیمال فارس با بسیاری از آدمها در فضای سیاسی امروزه همخوانی دارد.

(۴) اسم من «الیس هیند» است. خیلی لذت‌آور بود که صدای چند شخصیت را بر روی فیلم مستقل انجام دهم. دیدن اینکه صدایم بر روی این شخصیت‌هایی که روی اسکرین دیده می‌شد و خیلی هم خوب و دقیق صورت می‌گرفت برایم خیلی جالب بود. محیطی دوستانه و غیرمعمول که بلافاصله در آن احساس آرامش می‌کنی. من از نادر به خاطر اینکه به من فرصت داد که از نزدیک با این وسایل آشنا شوم ممنونم. همچنین از وی به خاطر اینکه صداهای مختلف را با راهنمایی او آزمایش می‌کردم ممنونم.

و تشکر از اینکه بعضی از نظراتم در دیالوگها گنجانده می‌شود. تجربه بسیار جالبی بود.

(۵) اسم من «مارتین دنسکی» است. بازی در این فیلم به من کمک کرد که متوجه شوم یک هنرپیشه لزوماً نباید صورتش دیده شود، وی می‌تواند نقش خود را در زیر ماسک با عمل و حرکات بدن به خوبی ایفا کند.

برایم لذت‌آور بود که کتاب «قلعه حیوانات» را که چند سال پیش خواندم و این بار به صورت طنزآمیز و با برداشتی

مختلف ببینم. نادر فیلم را به دقت ادیت کرده که بتواند کمدی موفقیت‌آمیزی داشته باشد. برایم لذت‌بخش بود که در نقش «انسان کله‌پوک» ببینم که صاحب مزرعه حیوانات برای هیچ کس احترامی قائل نیست و از مزرعه بیرون رانده می‌شود.

(۶) اسم من «تریسی پمدور» است. کار کردن با نادر به عنوان کارگردان و گروهش در این فیلم برایم الهام‌بخش بود. به عنوان هنرپیشه فرصت خوبی بود که بخشی از این جنبه فیلمسازی باشم. ما همگی باید خوش‌شانس باشیم.

(۷) اسم من «شرون گری» است. درباره

فیلم کمدی Animal Farce

را از دو طریق تماشا کنید:

(۱) این فیلم در یوتیوب با کیفیت بالا
(۲) در لینک زیر با رزولوسیون پایین
<http://animalfarce.oni.cc>
Info: 5149898077
skysky66@yahoo.ca

عصبانی و بلند و تقریباً روانی به عهده من بود. من اجرای چند صدای دیگر نیز به عهده داشتم. کار کردن در این پروژه برایم تجربه بسیار خوبی بود. کار کردن با نادر آن قدر خوب بود که قبل از اینکه بفهمی چه می‌کنی زمان می‌گذشت. او نه تنها کارگردانی است که هنرپیشگی را می‌آموزد بلکه همکار خوبی است با اراده‌ای بی‌نظیر.

(۹) اسم من «پل کاناساپورو» است و لذت کار کردن در فیلم انیمال فارس ساخت نادر را داشتم که در آن چندین صدای کوچک را عهده‌دار بودم، مثلاً نقش دو سکیوریتی گارد یکی کانادایی، یکی آسیایی، همچنین نقش گوریل را به عنوان وکیل مدافع در دادگاه نیز عهده‌دار بودم که برایم هم بسیار جالب بود و هم کمی دردناک!

من وقتی صدای خودم را روی وی دیدم به شدت خنده‌ام گرفت. با تشکر از نادر به خاطر چنین پروژه لذت‌بخشی

(۱۰) اسم من «مارک اسپایر» است. نادر یک کارگردان حرفه‌ای شایسته است.



من هم نقش خنده‌دار «شیر» را داشتم و هم صدای شیر را عهده‌دار بودم و لذت زیادی از این کار بردم. امیدوارم این تجربه مرا به پروژه‌های بلند بیشتری مرتبط سازد.

(۱۱) اسم من «ناتالی اسکزی» است. من صدای تبلیغ رستوران عنکبوت را در این فیلم به عهده داشتم. این نقش برای کسی که خود سبزی‌خوار است کار آسانی نبود. با اینکه در روزهای آخر این کار بود که با این پروژه همکاری کردم ولی برایم جالب بود که با نادر کار کنم.





MSMILINE DENTAL HEALTH CENTER



دکتر رامین میرموجی

دندانپزشک در کلینیک

مجهز وست آیلند و MSmiline

از دوشنبه تا شنبه برای هموطنان

Tel: 514-675-3332

4935 St-Charles boulevard, Pierrefonds, QC H9H 3E4

www.msmiline.com

خدمات حسابداری و دفترداری

سرور صدر SOROOR SADR

← امور دفترداری و حسابداری

← تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی

← تأسیس و ثبت شرکتها

ACCOUNTING AND BOOKKEEPING SERVICES

With Appointment

Gestion Financière Loyale

5263, boul Cavendish, Montreal, Quebec, H4V 2R6

514-777-3604

loyale.accounting@gmail.com



مهاجرین عزیز

- آیا می دانید که خریداران نیازی به پرداخت پورسانت ندارند؟
- هدیه‌ی ما به خریداران: ۱۲۰۰ دلار هزینه محضر
- اخذ وام برای مهاجرین با کمترین پیش‌پرداخت و بهره
- مشاوره رایگان و سرمایه‌گذاری در املاک

مشاور املاک

نادر خاکسار

514-969-2492

Five Star I.P.M Inc.
صرافی ۵ ستاره
اعتبار ما اعتماد شما است
Foreign Exchange & Transfer
انتقال سریع ارز به ایران و سایر نقاط جهان و بالعکس
مشاوره فریبانیان
تبدیل ارزهای رایج بین المللی با بهترین نرخ بدون کارمزد

2178 Ste-Catherine West Tel: 514 585 2345 , 514 846 0221

SHARIF EXCHANGE
ارز شریف
Tel: (514)561-6408 www.sharifexchange.ca
Tel: (514)223-6408 259 Côte-Vertu Ville Saint-Laurent, QC

همیشه اوقاتم به خنده می‌گذشت و می‌توانم بگویم روی هم‌رفته یک لذت واقعی بود.

اسم من «ساندرا فورگودنس» (۱۲) است. وقتی نادر از من خواست صدای بعضی از شخصیت‌ها را عهده‌دار شوم کمی دست‌پاچه شده بودم زیرا تا به حال چنین کاری نکرده بودم ولی او با انرژی فوق‌العاده‌اش این کار را برایم تفریح‌آمیز کرد.

(۱۶) اسم من «اسکات هادسون فورلوت» است. کارکردن روی این فیلم با نادر عالی بود. در مدتی که دراستودیو بودم هیچ‌وقت زمان به کندی نمی‌گذشت. گاه در حالی‌که سعی می‌کردیم صدای موردنظر را برای شخصیت‌های مختلف پیدا کنیم، پیش می‌آمد که از فرط خنده شدید کار را با صورت‌های قرمز شده به پایان ببریم.

(۱۷) اسم من «جیمز بنجیمول» است. یادم می‌آید زمانی که نادر مشغول ساخت انیمال فارس بود تنها دو پروژه در مونتreal درحال انجام بود که یکی فیلم «اسکور» با شرکت «روبرتو دنیرو» بود و دیگری شخصی به نام نادر. خیلی جالب بود چون من در حال فشار



پیدا کردم.

(۱۴) اسم من «شمسی دیب» است. کار با نادر برایم خیلی تفریح‌آمیز بود. نادر باعث شد که من درباره جملاتی که باید می‌گفتم احساس راحتی و اعتماد به نفس کنم گرچه این کار را قبلاً نکرده بودم ولی برایم لذت‌آور بود. فیلم بسیار خنده‌دار است ولی با پیچیدگی‌های طنزآمیزش و این چیزی است که من درباره این فیلم دوست دارم.



لهجه بلخ و دریافت بهتر سخن مولانا (۱)

توضیح هفته: مطلب زیر متن سخنرانی استاد آصف فکرت است. این سخنرانی مدتی پیش در کتابخانه زاگرس انجام شد. از آقای آصف فکرت خواهش کردیم تا متن سخنرانی خود را برای انتشار در اختیار هفته قرار دهد و ایشان با بزرگواری بسیار درخواست ما را اجابت کرد. این متن که توسط ما قدری کوتاه‌تر شده، در دوشماره پیاپی منتشر خواهد شد. از استاد فکرت سپاسگزاریم.

هفته



▲ استاد آصف فکرت
در جشنواره تیرگان ۲۰۱۱

فارس و طبرستان یاد می‌شده بیشتر در معرض تحول قرار گرفته است و گرنه شاید در عصر مولانا و روزگار نزدیک به او تفاوت چندانی میان گویشهای فارسی نبوده است. این تأثیرات و تحولات در مناطق غربی به ترتیب نخست از سوی عرب‌زبانان و سپس ترک‌زبانان و سرانجام غربیان یعنی انگلیسی‌زبانان و فرانسوی‌زبانان صورت گرفته است و این زبانهای انگلیسی و فرانسه بود که با انتقالات فرهنگ و مدنیت و دانش و صنعت، زبان فارسی را در ایران امروز

مردمان پدرش و خدم و حشم و هواداران او در سرزمینی که امروز به نام ایران یاد می‌شود توقف نکرده‌اند و در واقع زبان و فرهنگ بلخ و بخارا سمرقند را یک‌راست به لارنده و از آنجا به قونیه برده‌اند و آنجا نشیمن گزیده‌اند. دومی که اهمیت بیشتری دارد این است که زبان مردمان خاوری قلمرو زبان فارسی کمتر در معرض تهاجم و تأثیر و تحول بوده است. گویشهای مناطق مرکزی مانند خراسان قدیم کمتر و مناطق باختری که در قدیم به نامهای عراق عجم و

لهجه‌ها تکلم می‌شود، و گستردگی آن در شمال از سمرقند و بخارا و در جنوب تا کابل و غزنی را دربرمی‌گیرد که پروان، تخار، پنجشیر، بدخشان سمنگان، بلخ، جوزجان، فاریاب، ترمذ، حصار که مرکزیت را به دوشنبه سپرده است، خجند، اوش، اوزجند و بسیاری مناطق دیگر فرارود شامل این منطقه می‌شود. در اینکه چرا سخن مولانا چنین با گویشهای فرارودی و خاوری فارسی گره خورده دو نکته قابل یادآوری است: نخست که کاروان عظیم خاندان مولانا و

آصف فکرت

اینکه یک متن فارسی حدود هشت قرن پیش در دورترین نقطه باختری قلمرو زبان فارسی سروده و نوشته شده و امروز پیشنهاد می‌شود که برای دریافت بهتر آن متن، لازم است ما به گویشهای خاوری‌ترین نقاط آشنایی به هم رسانیم، نشانه عظمت زبان فارسی و گستردگی قلمرو آن است.

نظراتی هست که مولوی و پدرش در خود بلخ نبوده‌اند بلکه در وحش و نیز در سمرقند می‌زیسته‌اند و از آنجا به قونیه رفته‌اند. پس چرا ما به گویش بلخ تأکید داریم. در این مورد عرض می‌شود که نخست مقایسه ما چنین پیوندی را نشان می‌دهد و دوم اینکه یادکرد لهجه بلخ در این عرایض بی‌گمان به دلیل علاقه خاص گوینده است که چهل سال پیش در بلخ به این ارتباط پی برد، اما در حقیقت منظور از مجموعه شیوه‌های گفتار و گویشهای خاوری زبان فارسی دری است که با داشتن مشترکات فراوان و اندک تفاوتی در خاور سرزمینهای فارسی‌زبانان به آن

▼ سروده‌ای از مولانا

این دمان سستی دمانی باز شد
تا خوردن تمسهای راز شد

لب فرو بند از طعام و از شراب
سوی خوان آسمانی کن شتاب

کز تو این انبان زبان خالی کنی
پر ز کوه سرهای اجسالی کنی

فضل جان از شیر شیطان باز کن
بعد از آتش با ملک ابناز کن

چند خوردی چرب و شیرین از طعام
امتحان کن چند روزی در میام

چند شب با خواب راکشی ایر
یک شبی بیدار شو دولت بگیر

INSTITUT TECHNIQUE AVIRON TECHNICAL INSTITUTE DE MONTREAL

روایهای خود را واقعیت ببخشید



- جوشکاری و قالب‌سازی
- مکانیک اتومبیل
- طراحی صنعتی (اتوکد)
- برق کاری
- الکترونیک
- محافظ امنیتی
- طراحی سه بعدی
- جوشکاری عمومی
- جوشکاری تحت فشار

D.E.P 1800 hours
vocational Diploma:

- Welding & Fitting
- Auto Mechanics
- Industrial Drafting (AutoCAD)
- Electricity
- Electronics

Certificates
& Attestations:

- Security Officer
- Autodesk Inventor
- General Welding
- High Pressure Welding

Loans & bursaries available.
Lifetime placement service.



514.739.3010 De La Savane
WWW.AVIRONTECH.COM West of
5460 Royalmount, Ville Mont-Royal Décarie Blvd.



متأثر ساخت و شیوه بیان را چه در
تحریر و چه در تقریر کنلاً دگرگون کرد
به گونه‌ای که آن را از دیگر گویشها و
لهجه‌ها متفاوت و متمایز ساخت. همین
تأثیر و تأثر فرهنگی، سیاسی و مدنی
است که اکنون در میان خود جوامع
فارسی‌زبان در جریان است. یعنی ما
که سی سال یا بیشتر از سرزمین خود
دور بوده‌ایم وقتی به زادگاه و محل کار
و زندگی قدیم خود برمی‌گردیم می‌بینیم
که مردم به‌خصوص شهرنشینان زبان و
گویشی بسیار متفاوت با گویش زمان ما
یافته‌اند و در عوض می‌بینیم که مردم
مناطق مختلف قلمرو زبان فارسی
اکنون آسان‌تر زبان هم را می‌فهمند و
مشترکاتشان بیشتر از مفترقاتشان شده
است. واژه‌های بسیار از همدیگر دریافت
می‌کنند، و حتی در صرف و نحو تفاوتها
و اختلافات روزه‌روز کمتر و کمتر
می‌شود.

تکنولوژی اطلاعات نوین این امکان را
به همه داده است که آزادانه با هم در
سراسر گیتی تماس داشته باشند و هر
زبان و گویش والفبا و هرگونه کلمات و
عباراتی که مورد خواست و پسندشان
است به کار برند. دیگر جبر زمان، دوران
جبر زبان را به سر آورده است و تحویل
زبانها و گویشها موضوعی تقریباً خارج
از اختیارات سیاستگذاران شده است.
حتی کسانی که متاعی برای عرضه
دارند، می‌کوشند دریابند چه زبانی و چه
گویشی برای عرضه و فروش متاعشان
مناسب است که آن را به کار گیرند، به
عکس گذشته که متقاضیان چه زبانی
را و گویشی را بایست به کار می‌بستند
تا می‌توانستند متاعی را به دست آرند.

مقصود از بیان این عرایض این است که
مردمان فارسی‌زبان نیز در مقایسه با سی
چهل سال پیش، بار دیگر پس از یک
دو سده دورماندگی و جدایی فرهنگی،
بسیار آشناتر به گویشها و شیوه بیان
یکدیگر شده‌اند، هرچند که این حادثه،
پدیده ناگزیر و ناخوشایند از میان رفتن
برخی از لهجه‌ها را باعث می‌شود.

آیا استفاده مولانا از زبان گفتاری بلخ،
یا سمرقند یا وحش یک مسأله اتفاقی
و عادی بوده است؟ و آیا درمیان دیگر
سخنوران هم دوره یا پیش از وی و پس
از وی نیز این شیوه یعنی کاربرد زبان
گفتار در آثار آنان به عین صورت و با
چنین گستردگی مشاهده می‌شود؟ که

◀◀ ادامه در صفحه بعد

عمو جمال، به «کلبه» ات خوش آمدی

«کلبه» بدون تو صفایی
ندارد. خوشحالیم که دوباره
سالم هستی و در کنار ما.

شادی و حسین

این نکته می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. آیا در یادکردن سمرقند چو قند و کوی غاتفر تنها بیان داستان آن کنیزک بیمار در نظر است، یا یاد شهر و دیار گوینده نیز هست:

نبلض او بر حال خود بد بی گزند
تا بیرسید از سمرقند چو قند
چون ز رنجور آن حکیم این راز یافت
اصل آن درد و بلا را باز یافت
گفت کوی او کدامست و گذر
او سر پل گفت و کوی غاتفر

یا این بیت که به یاد بخاراست، آیا تنها زبان حال آن جوان عاشق است، یا دل سخنور نیز به یاد بخارا می‌تپد:
دل اگر از سنگ خارا می‌کند
باز جان عزم بخارا می‌کند

منظور از این عرایض این است که چنین می‌نماید که مولانا عمدی در کاربرد زبان گفتار زادگاه و سرزمین نیاکان خویش داشته است و اگر فرصت بازگشت به بلخ یا وخش و سمرقند از دست او رفته بوده است، او به نوعی بخشی از قونیه را سمرقند چو قند خویش یا بلخ و بخارا و وخش خویش ساخته است.
در یکی دو مورد مولانا از تنگنای وزن و

قافیه اظهار دلتنگی و ملال نموده است؛ مثلاً:
رستم ازین نفس و بلا، زنده بلا، مرده بلا
زنده و مرده وطنم نیست به جز فضل
خدا

رستم ازین بیت و غزل، ای شه و سلطان
ازل
مفتعلن مفتعلن مفتعلن کشت مرا
قافیه و مغاطه را گو همه سیلاب ببر
پوست بود پوست بود در خور مغز
شعرا...
یا این مورد:

قافیه اندیشم و دلدار من
گویدم مندیش جز دیدار من
خوش نشین ای قافیه‌اندیش من
قافیه دولت تویی در پیش من
حرف چه بود تا تو اندیشی ازان
صوت چه بود خار دیوار رزان
حرف و صوت و گفت را برهم زخم
تا که بی این هر سه باتو دم زخم
آن دمی کز آدمش کردم نهان
با تو گویم ای تو اسرار جهان
آن دمی را که نگفتم با خلیل
وان دمی را که نداند جبرئیل...

ARAZ

Azerbaijani Dance Studio Offers
Exciting Sets of Private & Group
Lessons for all Ages and Abilities



Lirik Reqslar
Tay Reqsi
Gazaghi
Naz Eleme
Gaytaghi
Shalakh
Lezgi
Yalli

گروه سوالان برگزار می‌کند:

آموزش رقص های آذربایجانی



توسط مربی حرفه ای از تورنتو
برای تمام سنین
هزینه: هر جلسه 15 دلار
تخفیف ویژه برای نوجوانان زیر 15 سال و
خانواده ها
"کلاسها روز های شنبه یا یکشنبه برگزار
خواهد شد"
تلفن ثبت نام و اطلاعات
514-768 5969
آدرس: فرهنگسرای سینا
6528, St.Jacques, Montreal



▲ نوشین و نسرین خادم

نوشین، به جرم درس دادن در زندان است! ممنوعیت تحصیل و تدریس در «سرزمین مقدس»

■ خسرو شمیرانی

پیموده، درباره نوشین چنین می‌گوید: «بسیار صمیمی و خوش‌برخورد است. همان بار اول که شما را ببیند، به قدری صمیمی می‌شود که انگار دوست چندساله هستید. خیلی زود با همه دوست می‌شود. مردم هم متقابلاً او را دوست دارند و به او اعتماد می‌کنند. شاید بشود گفت که بیش از حد مهربان است و همیشه خود را فدای دیگران می‌کند. الان هم که در زندان است مرتب نگران من و پدرم است و از ما می‌خواهد که نگران او نباشیم.»

نسرین و نوشین که بهایی هستند به «جرم» باور مذهبی خود از تحصیل در ایران محروم می‌شوند و به همین دلیل هر دو در سال ۱۹۸۷ با دانشگاه ایندیانا در آمریکا تحصیل مکاتبه‌ای را آغاز می‌کنند. به دلیل پیچیدگی‌هایی که این شیوه تحصیل با خود داشت، تحصیل طولانی و دشوار می‌شود. اما نسرین و نوشین تسلیم نمی‌شوند و راه را تا آخر می‌روند.

نسرین خادم که اکنون در ونکوور کانادا زندگی می‌کند و به گفته‌ی خودش عاشق تحصیل بوده است، در طی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۵۹ از دانشگاه «پاکسازی» می‌شود. نسرین خادم دلیل عدم تحصیل خود و خواهر

او را هرگز ندیده‌ام اما تصویری که خواهرش ترسیم می‌کند برایم بسیار آشناست. در تمام تصاویری که از او دیده‌ام، لبخندی معصومانه بر لب دارد. لبخندی که الان به بند کشیده شده است. او در زندان اوین محبوس است. نوشین جرم‌اش آموزش به جوانانی است که مطابق «قانون» ایران، حق تحصیل عالی از آنها ستانده شده است. او خود یکی از این جوانان بود که در ایران اجازه تحصیل نداشت، اما توانست از طریق مکاتبه‌ای در دانشگاه ایندیانا تحصیلات عالی خود را شروع کند و دیرتر در کانادا در مقطع تخصصی ادامه تحصیل بدهد. خواهر بزرگتر نوشین، نسرین خادم، که مسیری شبیه به خواهر کوچکتر را

بعد از دریافت لیسانس هر دو در دانشگاه کارلتون اتاوا پذیرفته می‌شوند و در این شهر دوره فوق لیسانس را پشت سر می‌گذارند. نوشین پس از گرفتن فوق لیسانس از دانشگاه کارلتون کانادا در سال ۲۰۰۳ به ایران برمی‌گردد.

نسرین خادم می‌گوید: «او رفت تا به کشور خود خدمت کند.»

او درباره تحصیل دوران تحصیل در اتاوا می‌گوید: «در دانشگاه اتاوا بیشتر دانشجویان من و نوشین را اشتباه می‌گرفتند. یادم می‌آید که یک دانشجوی کانادایی به نام «شری» با من درس International Business داشت و با نوشین درس Leadership. او اصلاً نمی‌دانست که ما دو نفر هستیم تا اینکه در پایان ترم وقتی که استاد Leadership همه دانشجویانش را به اضافه یک همراه به منزلش دعوت کرده بود، شری با تعجب به من و نوشین نگاه کرد و گفت: شماها دو نفر هستید؟ من تا حالا فکر می‌کردم که یک نفرید و همیشه متعجب بودم که چرا در کلاس International Business با من خیلی صمیمی هستید ولی در کلاس دیگر نه!»

از او می‌پرسم، چرا دولت ایران اجازه نمی‌دهد بهاییان تحصیلات عالی داشته باشند. نسرین می‌گوید: «نمی‌دانم. بهتر است این سؤال را از دولت ایران بپرسید ولی شاید دلیل این است که دولت ایران نمی‌خواهد بهاییان در مناصب مهم کشور که نیاز به تحصیلات عالی دارد، حضور داشته باشند. در صورت نداشتن تحصیلات عالی امکان داشتن منصب خوب در هیچ نقطه دنیا امکان پذیر نیست. از طرفی کسی که دارای علم و دانش است کلامش نفوذ دارد.»

در پاسخ به این سؤال که چرا تحصیلات عالی برای او مهم است، می‌گوید: «من معتقدم که علم لازمه وجود و رشد انسان است. مثل نردبانی می‌ماند که راحت‌تر انسان را به طبقات بالاتر هدایت می‌کند. یک فرد با



داشتن تحصیلات عالی نه تنها خودش نفع می‌برد بلکه برای دیگران نیز مفیدتر است. نوشین بیشتر از من به تحصیلات عالی اهمیت می‌دهد. همیشه مرا برای گرفتن PhD تشویق می‌کند. مادرم نیز که در قید حیات نیستند آرزویشان این بود که من و نوشین تحصیلات عالی داشته باشیم.»

جامعه بهاییان ایران با مشکل بزرگی که نظام حکومتی برایشان به وجود آورده به شکل مثبتی روبه‌رو شده است. این جامعه سال‌ها پیش مؤسسه‌ای به نام BIHE «مؤسسه بهایی تحصیلات عالی» را به وجود آورد.

دکتر بهروز ثابت یکی از استادان و مسئولان این مؤسسه، ساکن ایالات متحده است. او در این رابطه می‌گوید: «سیاستگذاران حکومت ایران تصور می‌کردند که این تبعیض‌ها و محدودیت‌ها به تنش درونی منجر می‌شود و جوانان را به از خود بیگانگی سوق خواهد داد... به زبانی دیگر جوانان بهایی را مقابل دو انتخاب قرار دادند: یا از تحصیل بازمانند و یا پشت به جامعه و آئین خود کنند. جامعه بهایی نمی‌توانست در مقابل این تهدیدات خاموش بماند. سرنوشت یک نسل در مخاطره افتاده بود. از این رو به جهت جبران خلاء آموزشی و فرهنگی، مؤسسه بهایی تحصیلات عالی BIHE تشکیل گشت.»

از نسرین خادم می‌پرسم، چرا او و نوشین تصمیم گرفتند با این «دانشگاه» همکاری کنند؟ می‌گوید: «دانشجویانی در این دانشگاه درس می‌خوانند که فقط به علت بهایی بودن، برای آنها امکان ادامه تحصیل در دانشگاه‌های رسمی کشورمان، ایران وجود ندارد. این دانشجویان با کمترین امکانات، حاضر به ادامه تحصیل هستند و این افتخار من است که به این دانشجویان که معمولاً بسیار با استعداد هستند کمک کنم.»

از آخرین اخبار مربوط به نوشین می‌پرسم؛ زن جوانی که بعد از کسب فوق لیسانس در اتاوا کانادا، آسایش خود را فدای زندگی در ایران و آموزش به جوانان ایرانی محروم از تحصیل کرد. نسرین خادم می‌گوید: «الان در بند ۲۰۹ زندان اوین است. تا آنجا که خبر دارم هم با زندانی‌ها و هم با برخی زندانبان‌ها دوست شده است. در صحبت‌های تلفنی که با اعضای خانه داشته همه را تسلی می‌دهد و به صبر دعوت می‌کند. مرتب تأکید می‌کند که نگران او نباشیم. روز ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۱، قرار است که دادگاه او تشکیل شود.» و گذاری به گذشته می‌زند: «در زمانی که با هم در دانشگاه ایندیانا به صورت مکاتباتی تحصیل می‌کردیم، واحد‌ها را مثل هم می‌گرفتیم و امتحانات را هم‌زمان می‌دادیم. یادم می‌آید که یک بار امتحان داشتیم و نوشین مریض شد و من هم امتحان را کنسل کردم. خیلی به هم نزدیک بودیم و هستیم. روزی نیست که به یادش گریه نکنم. خیلی دلم برایش تنگ شده است.»

دانشگاهی، که موفقیت آن به معجزه می ماند! گزارشی از یک دانشگاه ممنوعه در ایران

گفت‌وگو با دکتر بهروز ثابت، یکی از استادان BIHE

تشبیه شده رشته‌های علمی استوار بوده و عام‌المنفعه و داوطلبانه به حرکت تکاملی خود ادامه داد.

ایجاد این مؤسسه از نقطه نظر یک فعالیت اجتماعی و نوعی واکنش به سرکوب سازمان یافته دولتی نیز قابل توجه است. چرا که معمولاً واکنش یک جامعه سرکوب شده یا به صورت تظاهرات خشونت‌آمیز بر علیه سرکوبگر و یا به صورت خودزنی و در لاک خود فرو رفتن و انهدام و از هم‌پاشیدگی درونی ظاهر می‌گردد. نوعی دیگر از واکنش نیز مبارزه منفی است که به صورت عدم همکاری با اهرم‌های سیاسی و اقتصادی و امنیتی رژیم و هنجارشکنی جلوه می‌کند.

آیا موارد مشابه این حرکت را در کشورها و جوامع دیگر سراغ دارید؟

◆ بنده در تحقیقات شخصی خود که البته بسیار محدود و ناقص است، نمونه‌ای مشابه این شرایط و این نوع واکنش و فعالیت را نیافته‌ام. تنها مورد مشابه را در دوران معاصر شاید بتوان در لهستان، در زمان جنگ دوم جهانی یافت که پس از اشغال و سرکوب یهودیان و محدودیت کسب معارف دانشگاهی برای غیرآلمانیها، اساتید یهودی در منازل و آپارتمانها به آموزش دانشجویان خود پرداختند.

برخورد حکومت با مؤسسه آموزش عالی بهایی چگونه بوده است؟

◆ مؤسسه بهایی تحصیلات عالی در طول تاریخ کوتاهش بارها مورد هجوم نیروهای امنیتی قرار گرفته است. در این حملات، اساتید و دانشجویان مؤسسه دستگیر شده و به زندان افتاده‌اند. به منزلی که کلاسها در آنها دایر می‌شده‌اند یورش برده‌اند و کتب و کامپیوتر و وسایل آزمایشگاهی را ضبط کرده‌اند. لذا یورش اخیر که در ۲۲ مه ۲۰۱۱ صورت گرفت و به دستگیری جمعی از اساتید و مسئولان مؤسسه منجر شد بخشی از عملیات حساب شده و منظم حکومت ایران است که هدف غایی آن امحاء حضور فعال و زنده جامعه بهایی ایران در حیات اجتماعی آن مرز و بوم است.

است. هدفش خدمت به ایران و تربیت نسلی بوده است که علم و دانش خود را در راه بازسازی آن کشور به کار برند. با توجه به همه این موضوعات، بنده نسبت به آینده این مؤسسه بسیار خوش‌بین هستم.»

در اینجا متن کامل گفت‌وگوی هفته با دکتر بهروز ثابت ارائه می‌شود. / خ.ش

جامعه بهاییان ایران یک سیستم آموزشی جایگزین راه‌اندازی کرده که فعال است و دانشجویان بسیاری از آن فارغ‌التحصیل شده‌اند. چرا این نظام آموزشی جایگزین ضروری بود؟

◆ جمهوری اسلامی از بدو تأسیس، سرکوب جامعه بهایی و مبارزه با اندیشه بهایی و ایجاد شرایط رعب و وحشت و ناامنی و ناامیدی را برای پیروان این آئین مدنظر داشته است. در ادامه این سیاستها دانشجویان بهایی از دانشگاهها و مراکز عالی آموزشی اخراج شدند و اساتید و معلمان بهایی نیز از کار برکنار گشتند. هدف این سیاستها آن بود که نسل جوان جامعه بهایی از آموزش و پرورش بی‌بهره شود، از رشد فرهنگی بازماند، امکان کاربایی و پیشرفت حرفه‌ای اش محدود گردد و در نتیجه امیدش به آینده و امکان تشکیل یک زندگی سازنده بر باد رود.

تصور می‌کردند که این تبعیضها و محدودیتها به تنش درونی منجر می‌شود و جوانان را به از خود بیگانگی سوق خواهد داد و روابطشان را با جامعه و والدین دچار سردی و تیرگی خواهد ساخت. به زبانی دیگر، جوانان بهایی را مقابل دو انتخاب قرار دادند: یا از تحصیل و پیشرفت بازمانند و یا پشت به جامعه و آئین خود کنند و از عقیده و آرمان خویش تبری جویند و هویت بهایی خود را از دست بدهند. روشن بود که جامعه بهایی نمی‌توانست در مقابل این تهدیدات خاموش بماند. سرنوشت یک نسل در مخاطره افتاده بود.

از این رو به جهت جبران خلاء آموزشی و فرهنگی که توسط جمهوری اسلامی برای جامعه بهایی به وجود آمده بود، «مؤسسه بهایی تحصیلات عالی» تشکیل شد و سپس به عنوان یک نهاد فرهنگی و کاملاً غیرسیاسی

بعد از انقلاب ۱۳۵۷ و روی کار آمدن یک نظام اسلامی در ایران، پایمال شدن حقوق بسیاری از قومها و اقلیت‌های ملی و مذهبی گسترده‌تر شد. بهاییان گروهی بودند و هستند که تجاوز به حقوق آنها حد و مرز نداشته است. یکی از بزرگترین حمله‌ها به باورمندان این آئین، محرومیت جوانان آنها از ورود به نظام آموزش عالی بوده است. اما واکنش بهاییان به این حق‌کشی به نوعی یک معجزه آفریده است. از میان خرابه‌های سرکوب حق جوانان بهایی، یک دانشگاه سربرآورده که هزاران دانشجو دارد و صدها متخصص در سطح عالی از آن بیرون آمده‌اند. این موفقیت وقتی پررنگ می‌شود که بدانیم، دانشگاه جوانان بهایی که در محلی متمرکز نبوده و به ناچار به طور مخفیانه عمل می‌کرده، به طور مرتب زیر فشار و سرکوب قرار داشته است. دکتر بهروز ثابت، یکی از استادان این دانشگاه، که از راه دور آموزش را به عهده دارد می‌گوید: «تاریخ شهادت می‌دهد که سرکوب آنچه از عقیده و وجدان بر می‌خیزد برخلاف تصور سرکوبگر، به شکوفایی آن می‌انجامد و نیز هر آنچه به جهت احیای فرهنگی یک جامعه به کار رفته، هیچ‌گاه تأثیرات حیات‌بخش اش معدوم نگشته است.»

او در گفت‌وگو با هفته می‌افزاید: «جامعه بهایی ایران معتقد است که کسب علم و دانش و تعلیم و تربیت جزء حقوق اساسی است که در اعلامیه حقوق بشر، که حکومت ایران نیز یکی از امضاکنندگان آن است، به رسمیت شناخته شده است. لذا فعالیتی که در اصل عملی اخلاقی محسوب می‌شود و در راستای ارزشهای تمدنی قرار می‌گیرد و با بسط علم و دانایی هم‌نوایی دارد و انعکاسی از آزادی انسان و تلاش او برای پیشرفت فردی و بهزیستی جمعی است، طبیعتاً نمی‌تواند متوقف گردد.»

و مصاحبه ما با دکتر ثابت با این عبارات او پایان می‌یابد: «این مؤسسه جنبه‌ای کاملاً علمی و آکادمیک داشته و از جهت‌گیری سیاسی به دور بوده است. همچنین هیچ‌گاه حالت حوزه‌های علمیه مذهبی را به خود نگرفته و دروس آن کاملاً بر مبنای شاخص‌های

تاریخچه و تکامل این نظام آموزشی چگونه بوده؟

◆ در سال ۱۹۸۷ جمعی از اساتید و محققان بهایی و فرهنگیان و دانشگاهیان سابق که از مشاغل خود اخراج گشته بودند، دست به دست هم داده، به صورت غیررسمی و داوطلبانه با ایجاد کلاس‌هایی در منازل بهاییان به تدریس شاخه‌های مختلف علوم دانشگاهی پرداختند. به مرور ابعاد این فعالیت گسترده‌تر شد و دروس و رشته‌های بیشتری به برنامه آموزشی افزوده گشت. اساتید بهایی و غیربهایی در ایران و خارج به یاری مؤسسه شتافتند و با پیشرفت تکنولوژی و بسط دامنه اینترنت، کلاس‌های آن‌لاین، مکمل کلاسهای حضوری گشتند.

از ابتدای پیدایش مؤسسه، سعی مسئولان و اساتید بر آن بوده که استانداردهای آکادمیک و شاخص‌های علمی و تحقیقی محفوظ بماند. به جهت همراهی و همگامی با نظام آموزش عالی ایران سعی شده است ضوابطی که توسط دانشگاه تهران و سایر دانشگاه‌های معتبر ایران به کار گرفته شده‌اند، در تنظیم آئین‌نامه‌ها و مقررات و شرایط پذیرش دانشجو میزان واحدهای درسی و نحوه امتحانات تا حد امکان محفوظ گردد.

در سیر تکاملی مؤسسه تنها افزایش کمی دروس و رشته‌ها مورد نظر نبوده، بلکه بهبود کیفیت برنامه‌های آموزشی نیز مورد توجه بوده است. به طور کلی می‌توان گفت چند اصل کلی راهنمای سیاست و برنامه‌ریزی آموزشی مؤسسه بوده است. این اصول عبارتند از:

الف: آموزشی که از طریق آن دانشجو بتواند به صورت حرفه‌ای وارد بازار کار شود و کسب معاش کند.

ب: آموزشی که به نفع جامعه ایران و پاسخگوی نیازهای آن باشد.

پ: آموزشی که پیوند متعادلی میان مطالعات نظری و جنبه‌های عملی برقرار سازد.

ت: آموزشی که روحیه و تعهد خدمت به جامعه را تشویق کند.

ث: آموزشی که مروج روحیه تحقیق و تفکر انتقادی آمیخته با نوآوری و خلاقیت در حل مشکل اجتماعی باشد.

ج: آموزشی که دانشجو را قادر سازد تا به حد اعلاي تخصص در رشته مورد نظرش دست یابد اما در عین حال از مضرات تخصص‌گرایی به دور باشد. از این رو قسمتی از واحدهای درسی به موضوعاتی تخصیص داده شده‌اند که دروس هسته مرکزی (Core Curriculum) نامیده می‌شوند و هدف

آن ایجاد یک دانش و بینش کلی است که در ماورای تخصص قرار می‌گیرد و می‌تواند مبنای تعاملات میان‌رشته‌ای باشد. در این دروس کتب بزرگ و کلاسیک فلسفه و ادبیات و تمدن‌های شرق و غرب مطالعه می‌شوند و دانشجویان همه رشته‌ها دروسی عمومی را در زمینه تاریخ جهان، تاریخ تحول علم، شناخت‌شناسی، زیبایی‌شناسی، فلسفه اخلاق و مقدمات جامعه‌شناسی و روانشناسی مورد مطالعه قرار می‌دهند.

این دانشگاه چه رشته‌هایی را پوشش می‌دهد؟

◆ رشته‌هایی که در این مؤسسه تدریس می‌شوند عبارتند از: حسابداری، شیمی، معماری، بیولوژی، مدیریت بازرگانی، مهندسی راه و ساختمان، مهندسی کامپیوتر، ادبیات انگلیسی، حقوق، ریاضیات، ادبیات فارسی، روانشناسی، علوم دارویی و جامعه‌شناسی.

در سطح کارشناسی ارشد نیز برنامه‌های زیر عرضه می‌شود:

◆ مدیریت بازرگانی، برنامه‌ریزی آموزشی، روانشناسی تعلیم و تربیت، روانشناسی عمومی، بهداشت عمومی، جامعه‌شناسی و مهندسی. به علاوه در سطح کاردانی نیز دانشجویان در زمینه‌های مختلف از قبیل کشاورزی و موسیقی و مطالعات پیش‌دبستانی یا آموزش پیشگیری از اعتیاد تعلیم می‌بینند.

شما چه نقشی در این دانشگاه دارید؟

◆ بنده به عنوان مدرس و مشاور با این مؤسسه همکاری داشته‌ام.

اعتبار بین‌المللی دانشگاه چگونه است؟

◆ هر چند که این مؤسسه اجازه نیافته که اعتبار علمی خود را از طرق رسمی به دست آورد، اما به دلیل کار برجسته دانشجویانش توانسته حسن ظن و اعتماد بسیاری از دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی را در اروپا و آمریکای شمالی و هند و استرالیا کسب کند.

تا حال چند نفر فارغ التحصیل شده‌اند؟

◆ نزدیک به ۲۰۰۰ دانشجو از این مؤسسه فارغ‌التحصیل شده‌اند.

چند درصد از فارغ‌التحصیلان این دانشگاه به دوره‌های تخصصی، فوق لیسانس و دکتری راه می‌یابند؟ و آیا ادامه تحصیل عملی می‌شود؟ چگونه؟

◆ تا به حال نزدیک به ۲۰۰ نفر موفق شده‌اند که در سطوح فوق لیسانس و دکتری در دانشگاه‌های معتبر دنیا ادامه تحصیل دهند. تعداد قابل توجهی نیز پس از اتمام تحصیل به ایران بازگشته‌اند تا تعهد خود را نسبت به آموزش جوانان محروم و در نهایت خدمت به ایران ایفا کنند.

به جهت سن و جنسیت، ترکیب دانشجویان چگونه است؟

◆ بنده آمار دقیق در دسترس نیست اما اکثراً در سنین ۲۲-۱۸ هستند و تعداد دختران بیشتر از پسران است.

آیا تحصیل در BIHE برای دانشجویان هزینه دارد؟

◆ دانشجویان شهریه مختصری می‌پردازند.

برخورد دستگاه‌های امنیتی و به طور کلی حکومت ایران با دانشگاه شما چگونه بوده و این برخورد در طول ۲۰ سال گذشته چگونه و در چه جهتی تغییر کرده؟

◆ همان‌طور که گفته شد برخورد دستگاه‌های امنیتی با این مؤسسه حالت تهاجمی داشته و هدفشان حذف آن و ایجاد روحیه افسردگی و ناامیدی در میان دانشجویان بوده است. باید گفت که در دوران اصلاحات و ریاست جمهوری آقای خاتمی میزان فشار و تهاجم حالت فراز و نشیب پیدا کرد. گاهگاهی تا حدی آرامش نسبی حاصل می‌شد و باز دوباره تهاجم و مصادره اوج می‌گرفت. چنان‌که در سالهای ۱۹۹۸ و ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ تعدادی دستگیر و زندانی شدند و کامپیوترها و وسایل آموزشی مصادره و کلاس‌های درس مهر و موم شدند.

مسیر تکاملی این نظام آموزشی را چگونه می‌بینید؟

◆ به نظر من آینده این مؤسسه بسیار درخشان است؛ نه آنکه چون بهاییان مؤسس آن بوده‌اند، بلکه از آن جهت که در واکنش به ظلم و سرکوب پایه‌ریزی شده و هدف آن تعلیم و تربیت جوانان ایران بوده است.

آقای دکتر بهروز ثابت از شما سپاسگزاریم.

این گفت‌وگو از طریق ای‌میل با دکتر بهروز ثابت، در تاریخ ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۱، توسط خسرو شمیرانی، برای نشر در مجله هفته انجام شده است.

زنان و سینما در دوره قاجار

Women and Cinema in Qajar Iran

سخنران: بهزاد رحیمیان

A Lecture in Persian by:

Behzad Rahimian



Iranian Studies



UNIVERSITÉ
Concordia
UNIVERSITY

**Saturday
October 8th, 2011
18H00**

**de Seve Cinema
J.W. McConnell Building (Library)
Local LB-122
1400 de Maisonneuve Ouest**

معرفی مجموعه داستان «کنده کاری روی باد» در گالری میک



جمعه ۱۶ سپتامبر در گالری میک، مراسم معرفی مجموعه داستان «کنده کاری روی باد» نوشته عزیز معتمدی برگزار شد. بهره منظمی مدیر انتشارات میک و ناشر کتاب در معرفی نویسنده گفت: «من عزیز معتمدی را از سال‌های دور می‌شناسم و در همه‌ی این سال‌ها دیده‌ام که او دغدغه‌ی فرهنگ دارد و داستان می‌نویسد. داستان‌هایی که یکی از آن‌ها همین مجموعه است. من آن‌ها را خواندم و خیلی پسندیدم و تصمیم به انتشارشان گرفتم.»

پس از این معرفی عزیز معتمدی به مرور بعضی از داستان‌هایش پرداخت و شهره شعشعانی، قطعاتی از آن‌ها را برای حضار خواند. از بزرگواری و همراهی آقای عزیز معتمدی برای تنظیم این گزارش، صمیمانه سپاسگزاریم. هفته

«کنده کاری روی باد»،
مجموعه‌ای برای چالش
فرهنگی با کاستی‌ها

■ عزیز معتمدی

مهاجرت را من البته تنها در جابه‌جایی انسانی و جغرافیایی نمی‌بینم و فکر می‌کنم افراد زیادی هستند که در زادگاه خودشان هم با احساس یک مهاجر زندگی می‌کنند، یا دست‌کم با چنین احساسی مانوس‌اند. انسان‌هایی که نمی‌خواهند یا شاید نمی‌توانند راه مهاجرت در پیش گیرند، اما با نوعی کناره‌گیری از رفتارهای جمعی که به نظرشان مخرب یا فاجعه‌بار می‌آید، پدیده‌ی مهاجرت را به صورت ذهنی تجربه می‌کنند، و من این احساس را شخصاً هنگام نوشتن نخستین کتاب داستانی که بعد از انقلاب منتشر کردم از سر گذراندم، در حالی که در آن زمان، در ایران زندگی می‌کردم و تا سال‌ها بعد هم در کشورم باقی ماندم.

اما برمی‌گردم به داستان‌های این مجموعه و مضمون مشترکی را که گفتم با داستانی به نام «جمجمه مانی» دنبال می‌کنم.

در این داستان ما با زن جوانی از طبقات متوسط اجتماعی مواجه‌ایم به نام مهتاب که از موقعیت اجتماعی خوبی برخوردار است. اما او به رغم این موقعیت (شغل خوب، رئیس

با سلام به دوستان عزیز و خوشامد، من امروز می‌خواهم مرور کوتاهی داشته باشم بر بعضی از داستان‌های مجموعه تازه‌ام که به همت خانه کتاب ایران - میک منتشر شده.

داستان‌های این مجموعه همان‌طور که در پشت جلد کتاب هم اشاره شده، طی بیست سال گذشته نوشته شده‌اند. در این سال‌ها من به جز مقاله و چند فیلم‌نامه، داستان‌های دیگری هم نوشته‌ام که بعضی از آن‌ها منتشر شده و امیدوارم باقی آن‌ها هم در آینده منتشر شود.

اما در مورد داستان‌های این مجموعه مضمون مشترکی که می‌توانم بگویم در اغلب آن‌ها وجود دارد، چالش فرهنگی با کاستی‌ها و مشکلات اجتماعی ایران معاصر است که یکی از تبعات آن دلیلی است که اگر نه همه ما، اکثرمان را آن دلیل در اینجا دور هم جمع کرده و آن پدیده‌ی مهاجرت است.

تمهیدی است که مهتاب، خود برای شکستن حصارهای اطرافش به کار بسته است.

داستان البته آب و رنگ طنزآمیز دارد و تمهیدهای زن چه بسا اغراق‌آمیز به نظر برسند، اما این از واقعیتی که در داستان می‌گذرد کم نمی‌کند، بلکه حتی می‌توانم بگویم به آن بُعد تاریخی و کلاسیک می‌دهد، از قصه‌های هزار و یک شب، تا نمایشنامه‌های مولیر و داستان‌های کوتاه چخوف و تا به امروز ما شاهد چنین وقایع و شخصیت‌هایی هستیم. گاهی فکر می‌کنم دنباله‌ی این داستان را با سرگذشت کودکی که مهتاب در شکم داشت بنویسم...

نام داستان دیگری از این مجموعه «پرستو» است.

پرستو می‌دانید که نام پرنده‌ای مهاجر است. شخصیت زن این داستان هم از قضا نامش پرستو است. در کنار او دو شخصیت جوان و میانه‌سال به نام شهاب و محبوب وجود دارند که کارمند اداری حفاظت از محیط زیست پرنده‌های مهاجرند. زمان، سال اول انقلاب است و در بحبوحه‌ی تظاهرات عظیم

خوب و همراه، و شوهری که گرچه به نظرش اشکال‌هایی دارد، ولی زن را دوست دارد و از هر نظر حمایتش می‌کند، به همه‌ی امکانات پشت می‌کند و با بچه‌ای در شکم راهی خاور دور می‌شود. پس طبیعتاً این سؤال پیش می‌آید که چرا... چرایی که پاسخ‌اش را باید در همان کاستی‌ها و مشکلات اجتماعی جست که قبلاً اشاره کردم. جایی که زن - تا آنجا که دست‌کم به خودش مربوط است - به قوانین اجتماعی جامعه‌اش اعتماد ندارد، و از طرف دیگر فکر نمی‌کند با صداقت بتواند در این جامعه کاری از پیش ببرد و سعادت خود و فرزندی را که در شکم دارد تأمین کند.

این است که تا قبل از آن که به نظرش کار از کار بگذرد و در چنبر زندگی و قوانین دست و پاگیر عرفی و اخلاقی جامعه کاملاً اسیر شود، راه گریز در پیش می‌گیرد، گریزی که در واقع یک تصمیم از قبل گرفته شده است، هر چند شوهر و کارفرمای زن در ابتدای امر متوجه آن نمی‌شوند و فکر می‌کنند راهی را که زن در پیش گرفته، خودشان جلو پای او گذاشته‌اند، و این اما

هم زدم و به دیدنش می‌رفتم و در این فرصت از محله دوران کودکی‌ام دوباره دیدن می‌کردم.

در داستان اول تابستان، عشق معصومانه دو نوجوان را توصیف کرده‌ام. دو نوجوانی که وقایع زندگی از هم دورشان می‌کند و دست قضا بعد از نزدیک سی سال آن دو را در آلاسکا به دیدار هم می‌رساند.

این هم چشمه‌ی دیگری از شیرین‌کاری‌های دوره‌های مهاجرت است...

مهتاب در جمجمه مانی سر از سنگاپور در می‌آورد، پرستو احتمالاً به اروپا می‌رود و کتابیون و عماد، بچه‌های داستان اول تابستان همدیگر را در آلاسکا پیدا می‌کنند...

«سمینار روی عرشه کشتی»

می‌گویند کسی که با دو اقلیم آشناست یک گام از کسی که تنها اقلیم خود را می‌شناسد جلو است. اما این گام یک گام معمولی نیست. از هومر آفریننده‌ی حماسه‌ی سفر در منظومه ادیسه تا سیمور لیپست، جامعه‌شناس معاصر آمریکایی، انسان جستجوگر همواره در اندیشه‌ی برداشتن این گام بلند است. لیپست در تبیین نظر خود تا آنجا پیش رفت که گفت «کسی که تنها یک کشور را می‌شناسد، هیچ کشوری را نمی‌شناسد.»

سفر و آشنایی با فرهنگ و غریب سرزمین‌های دور و نزدیک، چه به میل شخصی و با شوق و رغبت باشد، چه به حکم تقدیر و با رنج و سختی، ضرورت به دست دادن تعریف تازه از فردیت و هویت شخصی

ادامه در صفحه ۴۵ ◀◀

عزیز معتمدی کنده کاری روی باد



جموعه داستان

نخستین بار در پانزده سالگی اتاقی از آن خود پیدا کردم و شروع کردم به خواندن و گاهی نوشتن داستان. بیرون صدای پای اسب‌ها می‌آمد. اتباع خارجی آن موقع زیاد بین همسایه‌ها بودند و غالباً آلمانی و آمریکایی. داستان‌های نویسنده‌های آمریکایی را من زمانی خواندم که عصرهای تابستان سوارکارهای آمریکایی با اسب‌هاشان به کلوب ورزشی محله می‌رفتند و یا از آنجا برمی‌گشتند. قهرمان‌های داستان‌های جان اشتاین بک و همینگوی را در کتاب‌ها من با قیافه‌ی آن آدم‌ها می‌سنجیدم. پیش‌تر، قبل از این که صادق هدایت را بشناسم، با نامش به خاطر این که کوچه‌مان به خیابان هدایت می‌خورد آشنا بودم. چند تن از بستگانش هم از قضا در همان خیابان زندگی می‌کردند، از جمله بیژن جلالی شاعر که پسر خواهر هدایت بود و من بعدها در سنین بزرگسالی با او دوستی نزدیکی به

خیابانی در حالی که بسیاری از اداره‌های دولتی به حال نیمه‌تعطیل درآمده‌اند، این دو کاری ندارند جز این که روزها سری به اداره بزنند و درباره‌ی وقایع روز با هم جر و بحث کنند. شهاب با پرستو که نقاش هنرمندی است آشناست و گاهی به خانه‌ی او می‌رود و با هنرمندهای دیگر آشنا می‌شود.

زندگی پرستو اما مثل بسیاری از آدم‌های دیگر در آن زمان دستخوش تلاطم شده، شوهرش که قبل از انقلاب تاجر موفقی بوده، سر و کارش با دادگاه انقلاب و مصادره‌ی اموال افتاده و پرستو می‌ترسد اوضاع از این هم بدتر شود، از این رو شوهرش را که در سفر خارج کشور است از بازگشت منع می‌کند و خودش شتاب‌زده در حال جمع کردن ماترک زندگی است که ببیند و برود.

پرنده‌هایی که به خاطر وضعیت نامساعد محیط زیست به کشور برنمی‌گردند، و آدم‌هایی که به خاطر نامساعد شدن اوضاع کشورشان را ترک می‌کنند، استعاره‌ی طنزآمیز از غریب مهاجرت و ماجراهایی بوده که بعضی‌هاشان را من خود در آن سال‌ها از نزدیک شاهد بودم.

«اول تابستان»

این داستان شاید بتوانم بگویم شخصی‌ترین داستان من در این مجموعه است. چون بخشی از آن برمی‌گردد به خاطره‌های دوران کودکی و نوجوانی من در محله‌ی دروس در شمیران که در آن زمان زندگی می‌کردم. اینجا محله‌ای بود که من در آن برای


شرکت تعمیرات ساختمان ناصر برای همه‌گونه
تعمیرات منزل و ممل کارتن
در خدمت شماست
ارزیابی رایگان
514-975-1515
www.nasser-renovation.com

مجله هفته
جایی مناسب برای معرفی کسب و کار شما
Tel: (514) 787-8848

نیمتاج خانم سلماسی اولین شاعر زن که سیاسی سرود



«پیام به تهران» بر وزن قصیده‌ای از جمال‌الدین اصفهانی، که در پایان از نظر خوانندگان خواهد گذاشت.

تردید در هویت سراینده «کاوه»

آیا به راستی شعر کاوه، سروده نیمتاج خاکپور، معروف به نیمتاج خانم سلماسی است؟

برخی از ادبای آذربایجان قصیده کاوه را منتسب به امیراقبال لکستانی دانسته‌اند و عده‌ای مدعی شده‌اند که این قصیده از ناصر روایی خلخالی است که به اسم نیمتاج منتشر نموده است (بنابه گفته طرفداران نیمتاج خانم، لزومی نداشت که خلخالی اثرش را به نام دوشیزه‌ای منتشر سازد) و در کتاب تاریخ خوی، نوشته محمد امین ریاحی به چنین مطلبی برمی‌خوریم: «... همشهریان مطلعی از نسل گذشته که با خانواده گوینده نیمتاج خانم] دوستی و آشنایی نزدیک داشته‌اند گفته‌اند که این شعر از اقبال عمومی نیمتاج است که در آن روزها به منظور ایجاد تأثیر بیشتر آن را به نام دختر برادر خود منتشر کرده است...»

صحت این مطالب هنوز در پرده‌ای از ابهام است ولی قدر مسلم، جامعه زنان ایران در طی اعصار گذشته، نه تنها از آزادی عمل بلکه از آزادی بیان نیز برخوردار نبوده‌اند و حتی در قدیمی‌ترین تذکره‌های موجود

ادیبان، شاهکار ادبیات ایران خوانده شده است:

ایرانیان که فرّ کیان آرزو کنند
باید نخست کاوه خود جستجو کنند
مردی بزرگ باید و عزمی بزرگتر
تا حل مشکلات به نیروی او کنند
آزادگی به دسته (قبضه) شمشیر بسته
است

مردان همواره تکیه خود را بدو کنند
ایوان پی شکسته مرمت نمی‌شود
صد بار اگر به ظاهر او رنگ و رو کنند
شد پاره پرده عجم از غیرت شما
اینک بیاورید که زنها رفو کنند
در اندلس نماز جماعت شود به پا
در قادیسیه چون که ز خونها وضو کنند
نسون رشت، موی پریشان، کشیده
صف
تشریح عیب‌های شما، مو به مو کنند
دوشیزگان شهر ارومی، گشاده‌رو
دیوژه‌ها (دریوزگی‌ها) به برزن و بازار
و کو کنند
بس خواهران به خطه سلماس،
تاکنون

خون برادران همه سرخاب رو کنند
نوحی اگر ببايد و طوفان دیگری
تا لکه‌های ننگ بدان شستشو کنند
قانون خلقت است که باید شود ضعیف
هر ملتی که راحتی و عیش خو کنند

اما حرف و حدیث‌هایی نیز در پی بانوی سلماسی و شعرش هست؛ بانوی شاعره‌ای که دو شعر از او در دست است: شعر کاوه و غزلی خطاب به شاه وقت ایران، احمد شاه قاجار، به نام

ایران گشته است. او شاعری گمنام و در عین حال نام‌آشنا است که جفای روزگار او را به روزه سکوت واداشت؛ بانوی شاعره‌ای که صاحب‌نظران عرصه ادب او را نخستین زنی می‌دانند که «سیاست را به شعر سرود» و «مسایل اجتماعی، انتقادی و مضامین سیاسی را به قلمرو شعر راه داد».

ایرانیان که فرّ کیان آرزو کنند

نیمتاج سلماسی، فرزند نرگس، مشهور به آغاخانیم و مسعود لکستانی معروف به مسعود دیوان، در روستای سلطان‌آباد لکستان سلماس (از توابع آذربایجان غربی) چشم به هستی گشود. چون مجالی نیست به تفصیل به وقایع آن دوران بپردازیم، به زمانی برمی‌گردیم که مسعود لکستان، پدر نیمتاج خانم، در حمله قشون اسماعیل سیمیتقو به لکستان، فرمانده روستای قره‌قشلاق بود. مردم نه آبادی به جهت حفظ جانشان به دو روستای قره‌قشلاق و احمدآباد پناه برده بودند. در حمله سیمیتقو به احمدآباد هیچ‌کدام از مردمان بی‌پناه جان سالم به در نبردند و در قره قشلاق نیز وقتی مسعود دیوان در پی مقاومت و دفاع از این جماعت بی‌دفاع، اسماعیل سیمیتقو را پیروز میدان یافت، به جهت اینکه به دست قشون یغماگران نیافتد دست به خودکشی زد.

پس از این فاجعه، دختر مسعود دیوان دست به قلم برده، قصیده یا بنا به اقوالی غزل کاوه (پیام زنان به مردان) را سرود که توسط برخی

■ سحر وحدتی
saharvahdati23@yahoo.com

در آذرماه ۱۲۹۸ش، منطقه لکستان به خاک و خون کشیده شد. با حمله اسماعیل شکاک، معروف به اسماعیل سیمیتقو (سیمیتکو) بیش از دو هزار مرد و زن کشته شدند. فاجعه لکستان، ایران‌زمین را لرزاند و با انعکاس این خبر در روزنامه‌های تهران و دیگر شهرستانها، دلها غمبار و دیده‌ها اشکبار شد. چندی بعد دوشیزه‌ای برخاسته از دیار لکستان که بستگانش را در این یورش وحشیانه از دست داده بود، قصیده‌ای بسیار مهیج و مؤثر سرود که در ظرف چند ماه سراسر ایران را درنوردید و عواطف میهن‌پرستان را تحریک نموده، دلیرمردان را ثابت قدم ساخت تا ریشه ظلم را برکنند. قصیده‌ای که ملک‌الشعراى بهار با شنیدن این بیت از آن شعر فخیم، «در اندلس نماز جماعت به پا شود / در قادیسیه چون که ز خونها وضو کنند» از فرط تعجب و حیرت، برخاست، و وقایع نگار معروف، مشکوه، بر این باور که «شیطان شعر هوس کرده در قالب این دوشیزه حلول نموده و این قصیده را بر زبان او جاری ساخته است».

نام نیمتاج خانم سلماسی که پیر حیدربابا از او چنین یاد می‌کند: «غزلسرای لطیفی است در خوی (آغاسی) / چنانکه گنج نهنان (نیمتاج سلماسی)»، زینت‌بخش کتب تذکره‌نویسان داخل و خارج از مرزهای

سازمان آموزشی مولتی ساژ
با همکاری بهترین دانش آموختگان دانشگاهی
کلاسهای زیر را برگزار می کند:

۷ روز هفته
با بازگینگ
رایگان



■ کمک درسی

فراشه، ریاضی، فیزیک، انگلیسی و علوم طبیعی
برای مقاطع تحصیلی دبستان، دبیرستان و کالج

■ آماده سازی آزمونهای

TOEFL, IELTS
TFI, TEF, TEFaQ

■ OQLF (فراشه) برای داوطلبان ورود به نظامهای صنفی



■ تمرین آزمونهای عملی و نظری (به انگلیسی، فرانسه و فارسی)

OIIQ ویژه پرستاران

MCCQE (Part II) ویژه پزشکان

■ تمرین مصاحبه های اداره مهاجرت کبک

■ آموزش زبانهای فرانسه، انگلیسی و اسپانیایی

در سه سطح مقدماتی، میانه و پیشرفته

■ آموزش نامه نگاری اداری

■ مشاوره آموزشی برای مقاطع دبستان، دبیرستان و کالج

★ با درخواست شما برخی کلاسها را
در خانه شما برگزار می کنیم

www.multissage.ca

Suite 250
3333, Cavendish Bd.
Montréal (Qc), H4B 2M5

Tél. : (514) 770 1771
Email : direct@multissage.ca
www.multissage.ca

چون لبابالالباب محمدهوفی، تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی و مجالس النفايس اميرعليشير نوایی با کم لطفی از زنان شاعره ایران یاد شده است. دکتر روح انگیز کراچی که نقدی بر شعر نیمتاج خانم سلماسی نوشته اند در بیان علت قلت آثار این بانو و پاسخ به شبهات چنین عنوان می کند: «اول، فرهنگ ایران و نابرابری جنسی. دوم این که باز هم بنا به علل فرهنگی در جامعه ما، بیش از نیمی از انرژی ذهنی و جسمی زنان هنرمند در راههایی غیر از هنر صرف می شود و زنان هرگز اجازه ندارند آزادانه همه وقت خود را وقف هنر کنند و آن را جدی بگیرند. بنابراین در چنین شرایطی استعداد و هنر زن به هرز می رود. سوم اینکه نیمتاج سلماسی غیرت مردانه را زیر سؤال برد و به مردانگی مردان انتقاد کرد. طبیعی است شاعری چون او در چنین فرهنگی به عمد فراموش می شود و فکر می کنم آنهایی که مانده اند شاید به این سبب است که مردپسندانه، تقلیدی و با رعایت کامل سنتهای جامعه شعر سروده اند و در انتها باید گفت که او برای دلخوشی مخاطب و محبوبیت در بین مردم شعر نگفت. او تعهد اجتماعی و رسالت هنرمندانه خویش را انجام داد.»

پیام ما به تهران

کجاست که پیغام ما به شهر تهران برد ز گله در بهدر خبر به چوپان برد وقعه سلماس را سرود نغزی کند به مجلس چنگ و نی پیش امیران برد کلاه داران ما پرده نشین گشته اند معجز ما را صبا به فرق ایشان برد زمامداران ما غنوده در پارکها ناله طفلان ما گوش دلیران برد اشک یتیمان ما سیل مهیبی شود تمام این پارکها ز بیخ و بنیان برد کجاست گردنکشان که بوده اندر عجم هنوز تاریخ ما شرف ز ایشان برد کجاست یک شیر نر به عزم بندد کمر تمام این روبهان به سوی زندان برد هنوز در خاک و خون خفته جوانان ما تمام درندگان طعمه از آنان برد پرده نشینان ما که رشک حورا برند اسیر دیوان شده سجده به غولان برد وطن پرستان ما فتاده دور از وطن گشوده دست سؤال به پیش دونان برد کجاست مرگ عزیز، که دستگیری کند گرفته از دست ما به سوی یاران برد

از زندگانی شخصی و هنری این بانوی بزرگ اطلاع دقیقی در دست نیست ولی از شواهد و قراین چنین برمی آید که تحصیلاتش را تا یازدهم دبیرستان ادامه داده، علاوه بر زبان مادری (ترکی آذری) به ادبیات زبانهای فارسی، انگلیسی و عربی نیز آشنایی داشته است. وی با پسر تاجرباشی ازدواج نموده، به تهران می رود و ثمره این وصلت دو دختر و یک پسر به نامهای بدرالزمان، غلامحسین و مهستی بوده است.

در مورد تاریخ ولادت و فوتش نیز با اقوال مختلفی مواجهیم. عقیقی بخشایشی او را متوفی به سال ۱۳۸۰ق (۱۳۳۹ش) می داند و محمدرضا مهرزاد صدقیانی تاریخ ولادت و وفاتش را ۱۲۸۵ش و ۲۱ آذر ماه ۱۳۶۸ می داند و می نویسد که در ردیف ۸۳ قطعه ۱۱۱ بهشت زهرا به خاک سپرده شده است. به راستی اگر از فوت نیمتاج خانم بنا به

لوبیات: شعر، داستان و نوشته‌های لوبی

سیراب در خواب

■ از حمید شایگان‌نیا

در سحرگاهی تاریک
که نه تابستان بود و نه پاییز
که شب رفته بی‌سپیده‌ای دربی
خواب خوبی رانده از دیده‌ی خود

شتافتم به سوی میدان،
به تماشای نمایش قتل انسان

قلبم را می‌خواستم ، انسانیتم را
که به دار می‌شد به دست کسان، بی‌کسان

سیراب از ضجه‌های آن نمایش سیاه
در خواب چشمانم، بر خاک آرمیده بود
جسد بی‌جان تنی جوان
و از تن جدا،
قلب سنگین من
در کنار آن

بشر، دوباره به جنگل پناه خواهد برد

■ فریدون مشیری

بشر، دوباره به جنگل پناه خواهد برد،
به کوه خواهد زد!
به غار خواهد رفت!

تو، کودکانت را بر سینه می‌فشاری گرم،
و همسرت را چون کولیان خانه‌به‌دوش،
میان آتش و خون می‌کشانی از دنبال،
و پیش پای تو از انفجارهای مهیب
دهان دوزخ وحشت گشوده خواهد شد
و شهرها همه در دود و شعله خواهد سوخت
و آشیان‌ها بر روی خاک خواهد ریخت
و آرزوها در زیر خاک خواهد مرد

خیال نیست، عزیزم!
صدای تیر بلند است و ناله‌ها پی‌گیر
و برق اسلحه خورشید را خجل کرده است
چگونه این همه بیداد را نمی‌بینی؟
چگونه این همه فریاد را نمی‌شنوی؟
صدای ضجه‌ی خونین کودک (عدنی) است،
و بانگ مرتعش مادر ویتنامی
که در عزای عزیزان خویش می‌گریند
و چند روز دگر نیز نوبت من و توست
که یا به ماتم فرزند خویش بنشینیم
و یا به کشتن فرزند خلق برخیزیم
و یا به کوه
به جنگل

به غار، بگریزیم

پدر، چگونه به نزد طبیب خواهی رفت
که دیدگان تو تاریک و راه باریک است
تو یک قدم نتوانی به اختیار گذاشت
تو یک وجب نتوانی به اختیار گذاشت
که سیل آهن در راه‌ها خروشان است

تو، ای نخفته شب و روز روی شانه‌ی اسب،
به روزگار جوانی، به کوه و دره و دشت
تو ای بریده ره از لای خار و خاراسنگ!
کنون کنار خیابان در انتظار بسوز
درون آتش بغضی که در گلو داری
کزین طرف نتوانی به آن طرف رفتن
حریم موی سپید تو را که دارد پاس؟
کسی که دست تو را یک قدم بگیرد نیست
و من - که می‌دوم اندر پی تو - خوشحالم
که دیدگان تو، در شهر بی‌ترحم ما
به روی مردم نامهربان نمی‌افتد

پدر! به خانه بیا با ملال خویش بساز
اگر که چشم تو بر روی زندگی بسته است
چه غم که گوش تو و پیچ رادیو باز است:
(هزار و ششصد و هفتاد و یک نفر) امروز
به زیر آتش خمپاره‌ها هلاک شدند
و چند دهکده دوست را، هواپیما
به جای خانه دشمن گلوله‌باران کرد...!

چه جای گریه، که کشتار بی‌دریغ حریف
برای خاطر صلح است و حفظ آزادی
و هر گلوله که بر سینه‌ای شرار افشاند
غنیمتی است! که دنیا بهشت خواهد شد

پدر، غم تو مرا رنج می‌دهد، اما
غم بزرگ‌تری می‌کند هلاک مرا:
بیا به خاک بلادیده‌ای بیاندیشیم
که ناله می‌چکد از برق تازیانه در او
به خانه‌های خراب،
به کومه‌های خموش،
به دشت‌های به آتش کشیده‌ی متروک
که سوخت یک‌جا برگ و گل و جوانه در او
به خاک مزرعه‌هایی که جای گندم زرد
لهیب شعله‌ی سرخ
به چارسوی افق می‌کشد زبانه در او
به چشم‌های گرسنه
به دست‌های دراز
به نعش کودک دهقان، میان شالی‌زار
به زندگی، که فرومرده جاودانه در او

بیا به حال بشر‌های گریه کنیم
که با برادر خود هم نمی‌تواند زیست
چنین خجسته وجودی، کجا تواند ماند؟
چنین گسسته‌عنانی کجا تواند رفت؟
صدای غرش تیری دهد جواب مرا:
- به کوه خواهد زد!
به غار خواهد رفت
بشر دوباره به جنگل پناه خواهد برد.



کافه لیت در نشست ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۱ خود، میزبان دکتر محسن حافظیان، مدیر سازمان آموزشی مولتی‌ساز بود. این بار موضوع بحث زبان بود و باتوجه به تخصص سخنران که در همین حوزه است، انتظار نیز همین بود. محسن حافظیان، دانش‌آموخته دانشگاه پاریس، با عنوان «زبان طنز» به سخنرانی پرداخت. گفتار او در چهار بخش ارائه شد. او در بخش‌های اول تا سوم به «تبیین طنز»، «طنز و متون» و «سازهای طنز» پرداخت و در بخش پایانی «گسست در پیوندهای سازه‌ها» موضوع گفتارش شد. از آقای دکتر محسن حافظیان خواهش کردیم خلاصه‌ای از سخنرانی خود را برای انتشار در اختیار هفته‌بگذار. برای این لطف و زحمت، از دکتر حافظیان سپاسگزاریم.

زبان طنز

■ دکتر محسن حافظیان،
مدیر سازمان آموزشی مولتی‌ساز

بخش نخست: تبیین طنز

طنز چیست؟ این نخستین و ساده‌ترین پرسشی است که برای هر موضوعی و از جمله در باره طنز می‌توان از خود پرسید و نزد کسانی که منطق و فلسفه حاکم و رایج را خوانده‌اند به «مای شارحه» مشهور است و با آن از مفهوم واژه پرسش می‌شود. شاید کلی‌ترین و الزاماً ساده‌ترین تبیین برای این واژه این باشد که طنز «گفته یا نوشته‌ای است داستانی، که جلب توجه می‌کند و گوینده‌اش با بازگو کردن رویدادی خنده‌آور در پی بیان پیامی نهان و یا آشکار برای شنونده است.» در اینجا واژه طنز در گستره گوناگونی اشکال بیانش در لطیفه، مطایبه، کنایه، شوخی و... به کار گرفته شده است.

بخش دوم: طنز و متون

طنز چنان یک فرآورده گفت زبانی، بر چهارراه برخورد دو متن قرار دارد؛ «داده‌های متن زبانی» و «داده‌های متن پیرامونی». در متن زبانی از سویی ما شخصیت‌های بیرون از داستان را داریم که گوینده و شنونده‌اند که در درون و به میانجی یک ساختار زبانی با هم گفتگو می‌کنند و هم دیگر را می‌فهمند و از دیگر سو، شخصیت‌های داستانی را که درباره اندیشه، قضاوت یا رفتار آنها گفتگو می‌شود. این همه را داده‌های «متن زبانی» می‌گوییم. این گوینده و شنونده باید همدلی‌ها، پیش‌فرضها، باورها و تجربه‌ها و انتظارات و داده‌های فرهنگی مشترکی داشته باشند که پیام مورد نظر گوینده برای شنونده مفهوم شود. به این اشتراکات یاد شده و زمان و جای پدید آمدن گفت طنز «داده‌های متن پیرامونی» می‌گوییم. در نبود شناخت از «متن پیرامونی»، پیام و ظرایف طنز به خوبی منتقل نمی‌شوند. شاید همه ما تجربه ناموفق گفتن لطیفه ترجمه شده از زبان فارسی را به کسی که فارسی نمی‌داند، داشته‌ایم و می‌دانیم که چه نکاتی در ذهن این شنونده ناگشوده می‌ماند. همچنین خواندن لطیفه‌های غیرفارسی‌زبانان را هم آزموده‌ایم و حتماً هم به نظرمان آمده است که بسیاری از این لطیفه‌ها بی‌مزه‌اند. مثلاً در نمونه پایین، ما اگر از جنون گاوی چیزی ندانیم، روند حکایت را نخواهیم فهمید:

• در مزرعه‌ای در فرانسه
گاو اولی: خبر داری که جنون گاوی در انگلستان به جان گاوها افتاده است.
گاو دومی: این به من چه ربطی دارد؟
گاو اولی: چرا به تو مربوط نمی‌شود، این به همه ما مربوط است!
گاو دومی: اولاً من مرغابیم و دوماً فرانسوی.

پیش از گفتگو از بخش بعدی بر دو نکته مهم باید تأکید کنیم. نخست همدلی میان گوینده و شنونده (یا خواننده) طنز است. این همدلی در تأثیرگذاری طنز از اهمیت ویژه‌ای

برخوردار است. در طنز همواره به مسأله‌ای پرداخته می‌شود که نادرستی یا غیرعادی بودن آن مورد توافق شنونده (یا خواننده) احتمالی است. اگر این همدلی نباشد، خواننده از متن طنز هیچ لذتی نمی‌برد. نکته دوم درباره شخصیت‌های روایی طنز است. حداقل یکی از این شخصیتها باید خصوصیات دیگر و متمایز از گوینده و شنونده داشته باشد و این تمایز مورد توافق ضمنی گوینده و شنونده باشد. مثلاً در لطیفه‌هایی که برای شاغلان شغلی ویژه، مردم یک منطقه، مردمان شهر دیگر و... گفته می‌شود، بر این خصوصیت (یا خصوصیتها) پافشاری می‌شود، مستقل از درست و نادرست بودن این خصوصیتها. این همدلی در انتقال پیام گوینده در دیگر شرایط گفتگو هم صادق است. مثلاً اگر کسی به دروغ (یا از سر ناآگاهی) بگوید که «اندیشه فلسفی از یونان آغاز شده است» و شنونده او همدلانه این پیش‌فرض را بپذیرد، ادامه و دامنه بحث به هیچ مشکلی از جنس عدم انتقال پیام گوینده بر نمی‌خورد.

بخش سوم: سازه‌های طنز

سازه‌های متنی طنز کدام‌اند؟ در پاسخ به این پرسش، می‌توان از سه سازه متن نام برد. نخستین سازه‌ها، سازه‌های منفرداند، یک مرد، یک راننده، یک زن، یک جاده. این سازه‌های منفرد در درون متن با سازه‌های دیگری که از یک جنس‌اند و یا در روند عملی مکمل یکدیگر قرار می‌گیرند، شناسانده می‌شوند. نگاهی به مثال پایین ببینیم:

• قزوینی‌ای با سپر به جنگ ملاحظه رفته بود. از قلعه سنگی بر سرش زدند و بشکستند. برنجید و گفت: ای مردک کوری؟ سپر بدین بزرگی نمی‌بینی، سنگ بر سر من می‌زنی. (نقل از کلیات عبید زاکانی)

در این داستان سازه‌های قزوینی / ملاحظه، سنگ / سر، سنگ / سپر در روند روایت «جنگ» در هم تنیده

شده‌اند.

روند روایی طنز هم به مانند هر اثر روایی (چه به صورت گفتگو ارائه شود، چه به صورت توصیفی) از ۵ مرحله می‌گذرد؛ شرایط نخستین (مثلاً گرانجانی به دیدن بیماری شد...)، آغاز بحران (... و درنگ بسیار کرد...، گستره بحران (... بیمار گفت: چندان که مردم به دیدن من آیند آزرده شوم). برون‌رفت از بحران (... گرانجان گفت: خواهی که برخیزم و در بندم؟) و شرایط پایانی (... بیمار گفت: آری، ولی از بیرون.) (حکایت از عبید زاکانی).

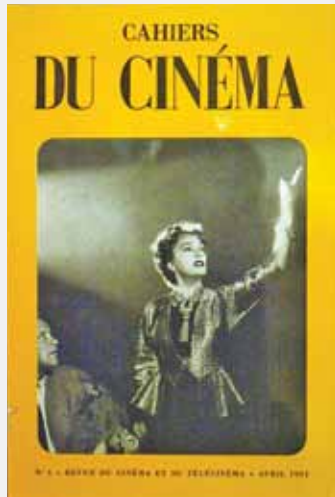
بخش چهارم: گسست در پیوندهای سازه‌ها

طنز آنجا به وقوع می‌پیوندد که میان نتیجه مورد انتظار خواننده (یا شنونده) و نتیجه بیان شده گسستی پیش آید. هراندازه این گسست ژرف‌تر باشد، به شرطی که چهارچوب طبیعی روند داستانی به هم نخورد، طنز قوی‌تر به نظر می‌رسد. به دو نمونه روایی و محاوره‌ای زیر توجه کنید؛ در مورد نخست گسست بر سر معنی واژه «عمر» است و در دومی گسست بر سر فهم ارتباط انسان و حیوان با مقوله «اقتصاد».

• مردی مرغی بریان بر سفره لثیمی دید نهاده که دست نخورده از سفره برگرفتند و چون چند روز بر این منوال مرغ را آوردند و همچنان بردند گفت: عمر این مرغک پس از کشتن از عمرش در زمان زیستن بیشتر است. (نقل از عبید زاکانی)

• قزوینی تبری داشت و هر شب در مخزن نهادی و در محکم بستنی. زنش پرسید: تبر چرا در مخزن می‌نهی؟ گفت: تا گربه نبرد. گفت گربه تبر چه می‌خواهد؟ گفت: بسیار ابله‌ای! شش پاره‌ای که به یک جو نمی‌آرزد می‌برد، تبری که ده دینار خریده‌ام رها خواهد کرد؟ (نقل از عبید زاکانی).

پرسش و پاسخ بخش پایانی این سخنرانی بود.



ماهانامه سینمایی فیلم، همانند مرجعی برای پاسخگویی به سؤال‌های گوناگون درآمده و ارتباط صمیمانه‌ای بین این مجله و خوانندگانش ایجاد شده است. اما برگردیم به بحث اصلی‌مان یعنی مجله کایه دو سینما. این مجله سینمایی مهم و بسیار با ارزش که به صورت ماهیانه از سال ۱۹۵۱ در فرانسه به چاپ می‌رسد، برای رسیدن به ایده‌آل سینمایی، از همکاران خبره و آگاه استفاده کرد، از جمله: آندره بازن، ژاک دونیول و الکرروز ولودوکا و توانست مباحث بسیار مهمی را در باب سینما مطرح و مورد بررسی قرار دهد. مهم‌ترین این مباحث، تئوری مؤلف و ساختارگرایی در نقد فیلم بود. از خلال مقالاتی که منتقدان جوان آن زمان همچون: تروفو، شایرول، گدار، رومر و... می‌نوشتند، این تئوری را معرفی و ترویج داد. نقدهای آنها موجب شد که سینمادوستان به فیلمسازی که در گذشته آنها را به عنوان فیلمسازی که فقط آثار سرگرم‌کننده می‌سازند، توجه کنند و به فیلمهایشان به عنوان اینک کارگردان نقشی اساسی در آن داشته است، بنگرند مثل: آلفرد هیچکاک، نیکلاس ری و... به لطف این مجله در دهه ۱۹۶۰ مبحث ساختارگرایی در نقد فیلم مطرح شد. طرح این مبحث در پی چاپ مقالات کریستین متز بود که ترویج دیدگاههای

شاید باورش سخت باشد که یک مجله سینمایی بتواند باعث پدیدآمدن «Nouvelle Vague» یا همان موج نوی سینمایی شود! ولی مجله معتبر «کایه دو سینما» Cahiers du Cinéma به این مهم دست یافت. موج نو، خط بلطانی بر سنت‌های رایج در سینمای کلاسیک جهان کشید و قوانین و ساختار آن را دگرگون کرد و با گذشت بیش از ۵۰ سال، همچنان شاهد تأثیر آن بر آثار سینماگران شاخص دنیا هستیم. این مجله در پی توقف چاپ نشریه ربویو دو سینما، به سردبیری اریک رومر و منتقدانی همچون: ژان لوک گدار، فرانسوا تروفو، کلود شابرول و ژاک ریوت آغاز به کار کرد. کایه ضمن طرح و دفاع از نظریه مؤلف که اصرار ویژه‌ای بر دستخط مؤلف دارد، به کشف سینماگران مؤلفی مثل اورسون ولز، جان فورد، آلفرد هیچکاک و هاوارد هاکس پرداخت. نشریه سینمایی پوزیتیف را می‌توان به عنوان مهم‌ترین رقیب این مجله در فرانسه قلمداد کرد. در ایران هم نشریات سینمایی متعددی چه قبل و چه بعد از انقلاب منتشر شدند که از میان آنها می‌توان به ماهنامه سینمایی فیلم، یکی از قدیمی‌ترین مجلات سینمایی ایران، اشاره کرد که چاپ و نشرش به سالهای اولیه بعد از انقلاب بازمی‌گردد. ماهنامه سینمایی فیلم، یکی از معتبرترین و تخصصی‌ترین مجلات در زمینه سینما است که با کادر مجربی که دارد، توانسته سالها مورد توجه و استقبال سینمادوستان و دانشجویان قرار بگیرد، با اخبار سینمای ایران و جهان، مصاحبه‌ها، نقد منتقدان مطرح سینمای جهان، ترجمه مقالات سینمایی معتبر و همچنین مقالاتی پیرامون مباحث تئوریک و تاریخی در سینما. مجلات دیگری نیز همچون فیلم‌نگار، دنیای تصویر و... هم در این زمینه فعالیت دارند. علاقه‌مندان پی‌گیر سینما، بهتر از هر کسی به نقش این مجلات در ارتقای دانش سینمایی و شناخت مفاهیم سینمایی و کارگردانان جهان و ژانرهای مختلف واقف هستند، به‌خصوص در ایران پس از انقلاب، با توجه به آکران نشدن فیلمهای روز جهان در سینماها، این اهمیت و تلاش آنها بیشتر نمود پیدا می‌کند، به طوری که بسیاری از شماره‌های مجلات، به‌ویژه

یک مجله پدیدآورنده «موج نو» فرانسه؟

دهد. نتیجه این بررسی‌های تکنیکی و فلسفی، به مجموعه‌ای ارزشمند از نقدهای صریح و روراست برای عاشقان سینما تبدیل شد و در نهایت منجر به ساخته شدن فیلمهایی کم‌هزینه، مستقل از تکنیک کلاسیک تدوین، نورپردازی، قاب‌بندی و تراولینگ سینما گردید. آثار درخشانی که مؤلف آنها بیش از هرچیز، به بیان مشاهدات شخصی‌اش از محیط پیرامون پرداخته است. فیلمسازان موج نو علاوه بر خلق یک نوع خاص و منحصر به فرد از سینما، موجب دگرگونی و تحول سینمای فرانسه نیز شده و در سالهای بعد تأثیر فراوانی بر سینمای دیگر کشورها گذاشتند. در آلمان کسانی همچون: راینر فاسبندر، ویم وندرس و ورنر هرتسوک، در آمریکا

آنها به بررسی نما به نمای فیلمهای مهم سینمای جهان در سینما تک فرانسه می‌نشستند و ساعتها با هم بحث و گفتگو می‌کردند و خواستار اظهار کردن اندیشه‌ای نو در سینما بودند؛ سینمایی متکی به کارگردان که کوچکترین وابستگی به عناصر صحنه نداشته و بیانی ساده از مضامین اجتماعی ارائه دهد، یعنی در اصل مضمون فیلمنامه از شیوه‌ای که فیلمساز برای بیان آن اتخاذ می‌کند کم‌اهمیت‌تر می‌شد. تروفو اولین کسی بود که در سال ۱۹۵۴ مقاله معروف «نگره مؤلف» را نوشت که در آن تأکید داشت کارگردان مسئول نهایی فیلم است و او تنها کسی است که باید با تحلیل یک اثر سینمایی، خط ذهنی و اندیشه خالق آن را تشخیص

ساختارگرایانه را در برداشت. انتشار این مقالات در تلفیق با عقاید مارکسیستی سردمداران جدید مجله و برخورد سیاسی آنها با سینما صورت گرفت. هدف اصلی مجله کایه، نقدنویسی و تحلیل و بررسی آثار فیلمسازان است، آن هم نقدهای کارساز و تخصصی، نه از آن دست نقدهایی که بیشتر از روی غرض‌ورزی شخصی و مطرح کردن منتقد نوشته می‌شود که بیشتر شبیه فحاشی و گرفتن ایرادهای فراوان است تا چیز دیگر. منتقدان کایه گروهی جوان فعال بودند که به دنبال طرح مسائل جدید و رهایی از قید و بند در دهه ۱۹۵۰، در بحبوحه جنگ فرانسه و الجزایر فعالیت خود را آغاز کردند و آندره بازن کسی بود که سنگ بنای آنرا پایه‌گذاری کرد.

H.PADAR

FINEST TAILORING
IN MONTREAL

Custom made suits
for men and women
Ready to wear



ما با چند دهه تجربه
در فرهنگ لباس، طراحی،
تک دوزی و تخصص در تغییرات لباس
آخرین مدها را برآورده می کنیم

ما افتخار می کنیم که تا کنون
خانمها و آقایان بازرگان،
مشاهیر صحنه های بین المللی و
بزرگترین طراحان جهان از خدمات
تخصصی و هنری **H Padar**
بهره برده اند



www.hpadar.com

1121 Ste. Catherine West, 2nd Floor

514.842.5608

اخبار کوتاه سینمایی

به کارگردانی روبرتو بنینی واگذار کرد.
گزینش فیلم «جدایی نادر از سیمین»
در بین چندین فیلم دیگر از جمله:
«اینجا بدون من» (از تولکی)، «آزایمر»
(از معتمدی)، «مرهم» (از داوودنژاد) و
«ورود آقایان ممنوع» (از جوان) بود که
البته احمدرضا معتمدی اعلام انصراف
کرد. گفته می شود هیأت انتخاب فیلم
شامل: امیر اسفندیاری، محمد داوودی،
علیرضا شجاعنوری، مهدی صباغزاده،
شهرام جعفری نژاد، پوران درخشنده،
رسول صدرعاملی و رویا تیموریان بوده
است.
نماینده های ایران در اسکار در سال های
گذشته:

دو فیلم «دایره مینا» در سال ۵۶ (۱۹۷۷)
و «باد صبا» در سال ۵۷ (۱۹۷۸) قبل
از انقلاب و از سال ۱۹۹۴ «زیر درختان
زیتون»، «بادکنک سفید» در سال ۱۹۹۵،
«گبه» در سال ۱۹۹۷، «بچه های آسمان»
در سال ۱۹۹۸، «رنگ خدا» در سال
۱۹۹۹، «زمانی برای مستی اسبها» در
سال ۲۰۰۰، «باران» در سال ۲۰۰۲، «نفس
عمیق» در سال ۲۰۰۳، «لاک پشتها هم
پرواز می کنند» در سال ۲۰۰۴، «خیلی
دور، خیلی نزدیک» در سال ۲۰۰۵، «کافه
ترانزیت» در سال ۲۰۰۶، «میم مثل مادر»
در سال ۲۰۰۷، «آواز گنجشکها» در
سال ۲۰۰۸، «درباره الی» در سال ۲۰۰۹ و
«بدرد بغداد» در سال ۲۰۱۰.
برای این نماینده شایسته کشورمان در
اسکار امسال آرزوی موفقیت داریم و
امیدواریم این مجسمه بارزش را بالاخره
در دستان اصغر فرهادی عزیز ببینیم.

◆ بالاخره بعد از گفتگوها و بحث های
زیاد، فیلم «جدایی نادر از سیمین» اصغر
فرهادی به عنوان نماینده ایران در اسکار
۲۰۱۲ معرفی شد. این فیلم از شانس بسیار
بالایی در این رقابت، با وجود داشتن پنج
رقیب قدرتمند، از جمله ساخته های پدرو
آلمادوار و نانی مورتی برخوردار است.
امیر اسفندیاری که مدیر بخش بین الملل
بنیاد سینمایی فارابی است، احتمال این
را که فیلم «جدایی نادر از سیمین» در
بخش های دیگر اسکار هم کاندید شود،
بعید ندانست.

فیلم «جدایی نادر از سیمین» برنده خرس
طلای بهترین فیلم و دو خرس نقره ای
برای گروه بازیگران زن و مرد از شصت و
یکمین جشنواره برلین و چندین فستیوال
بین المللی دیگر است.

این فیلم یکی از موفق ترین فیلم های
ایرانی است که در خارج از کشور اکران
شده، به طوری که فقط در فرانسه بیش
از یک میلیون نفر از آن دیدن کردند. قرار
است این فیلم در دی ماه امسال، که
فصل موسوم به فیلم های اسکاری است،
در آمریکا اکران شود و پخش جهانی آن
را کمپانی سونی پیکچرز بر عهده دارد.
شایان ذکر است این فیلم برای درجه سنی
زیر ۱۳ سال در آمریکا ممنوع اعلام شده
است. موفق ترین فیلم ایرانی نامزد اسکار
تا به امروز هم فیلم «بچه های آسمان» به
کارگردانی مجید مجیدی است که سیزده
سال پیش توانست به فهرست نهایی
نامزدهای بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان
راه یابد ولی در نهایت جایزه را به رقیب
قدرتمندش یعنی فیلم «زندگی زیباست»

اسپیلبرگ، کوپولا و اسکورسیزی، در
ایتالیا بعد از پشت سر گذاشتن تجربه
نئورئالیسم، کسانی مثل: جوزف لوزی،
برادران تاویانی، پونته کورو و... آثار
درخشانی را با الهام از موج نو پدید
آوردند.

در سالهای بعد دامنه موج نو به آمریکای
لاتین، آسیای جنوب شرقی و حتی ایران
نیز سرایت کرد. کارگردانان فرهیخته ای
مانند: سهراب شهیدتالوث، پرویز
کیمیایی، عباس کیارستمی و بهرام
بیضایی مانیفیست موج نو را سرلوحه کار
خود قرار دادند و چنان شد که نشریه
کایه دو سینما، در فهرست ۱۰ فیلم برتر
دهه گذشته سینمای جهان، فیلم «ده»
کیارستمی را در فهرست خود جای داد،
فیلمی که در بخش رقابتی کن ۲۰۰۲

منابع: سایتهای کایه دو سینما / مجلات
سینمایی / مقاله آرش سیاوش



ورزش

■ گروه ورزش هفته

■ تورج عاطف

و باز مهر آمد و صدای زنگ مدارس، طنین خرد و آگاهی را بر تن جامعه نواخت. نجوای دور مهرماه برای همه ما ایرانیان حکایت دانش و میل به دانستن بوده و امید، که همواره اینچنین باشد. سیل عظیمی از دختران و پسران ما برای زمزمه محبت راهی مدارس ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان و دانشگاهها می‌شوند و گروهی نیز هستند که در آستانه شروع سال تحصیلی به دنبال ادامه راه تحصیل خود هستند، کسانی که سال گذشته آخرین سال دبیرستان را به اتمام رسانده و شاید خود را برای حضوری تازه در عرصه جامعه آماده می‌کنند و یکی از این جوانان می‌توانست میلاد خبازی باشد. شاید برای خیلی از ما که غرقه در دردهای فوتبال فارسی شده‌ایم و در این روزها به دنبال تغییرات تکراری بوده‌ایم این نام چندان آشنا نباشد اما برای بسیاری از مردمی که دغدغه فوتبال پاك و انسان‌ساز دارند، نام این جوان ۱۸ ساله، نوای غم را برایشان می‌نوازد. میلاد خبازی جوان ۱۸ ساله‌ای بود که پس از دربی ۷۱ با در دست داشتن پرچم تیم محبوبش و سوار بر ترك موتور عازم منزل بود تا وقایع بازی را در کنار خانواده مرور کند که در داخل تونل، طرفدار تیم روبه‌روی او با اقدامی ابلهانه پرچم او را می‌گیرد و باعث سقوط این جوان ۱۸ ساله و مرگ او می‌شود. ساکنان اتومبیل پژو ۲۰۶ هم جوانانی بودند که از استادیوم برمی‌گشتند و پیش خود می‌اندیشیدند که طرفداری از يك تیم، مصداق دفاع از وطن است و چنین است که چندین خانواده در روز دربی داغدار می‌شوند. خانواده‌ای چون خبازی که قربانی خشونت فوتبال شدند و خانواده‌های سرنشینان پژو که قربانی حماقت کورکورانه فوتبال شده‌اند و در این میان نه مدیر عاملی و نه مدیری و نه سرپرستی و مربی و بازیکنی، هیچ‌کدام خود را مقصر نمی‌داند. به‌راستی برای يك بار هم که شده نباید نگاه دقیقی به مقوله فرهنگ فوتبال بیافکنیم و از خود بپرسیم این فوتبال که باید عاملی

برای یکپارچگی ملی باشد چرا این‌گونه شده است؟ در بازیهای ملی تنش در جایگاهها دیده‌ایم و در بازی تیمهای باشگاهی کشورمان با تیمهای دیگر باز هم این تنش وجود دارد، و حالا در هفته هفتم که هیچ چیز معلوم نیست، جوانی با هزاران امید کشته می‌شود و به احتمال زیاد جوان دیگری که باعث این حادثه شده است سرنوشت و زندگیش بهر جهالت قرمز و آبی عوض می‌شود. از آقایانی که می‌گویند فوتبال پر از برد

برای یکپارچگی ملی باشد چرا این‌گونه شده است؟ در بازیهای ملی تنش در جایگاهها دیده‌ایم و در بازی تیمهای باشگاهی کشورمان با تیمهای دیگر باز هم این تنش وجود دارد، و حالا در هفته هفتم که هیچ چیز معلوم نیست، جوانی با هزاران امید کشته می‌شود و به احتمال زیاد جوان دیگری که باعث این حادثه شده است سرنوشت و زندگیش بهر جهالت قرمز و آبی عوض می‌شود. از آقایانی که می‌گویند فوتبال پر از برد

برای یکپارچگی ملی باشد چرا این‌گونه شده است؟ در بازیهای ملی تنش در جایگاهها دیده‌ایم و در بازی تیمهای باشگاهی کشورمان با تیمهای دیگر باز هم این تنش وجود دارد، و حالا در هفته هفتم که هیچ چیز معلوم نیست، جوانی با هزاران امید کشته می‌شود و به احتمال زیاد جوان دیگری که باعث این حادثه شده است سرنوشت و زندگیش بهر جهالت قرمز و آبی عوض می‌شود. از آقایانی که می‌گویند فوتبال پر از برد

مهر آمد،

به یاد خبازی نوجوان و به یاد...



است. این همه درد در فوتبال ما باید باشد وقتی کاپیتان‌های سابق استقلال و پرسپولیس، یعنی شاهین بیانی و مجتبی محرمی را با آن صورتهای تکیده از درد بی‌درمان ندانم‌کاری دیده است یا شاهد است که ستارگان دیگر این دو تیم، نظیر مهدی فنونی‌زاده و کریم باوی و علی اکبریان دچار آن معطل می‌شوند. فوتبال ما باید درد خشونت بکشد که لیدرهایش کم از غداره‌کش ندارند. فوتبالی که به اصطلاح اسطوره‌اش با لیدر کتک‌کاری می‌کند، باید هم طرفدار نادانی داشته باشد که این چنین خانواده‌هایی را به گرداب حرمان ابدی بیاندارد.

فوتبال ما درد دارد و این رنج با مضحکه‌هایی چون منشور اخلاقی و سقف قرارداد و محرومیت حل نمی‌شود.

صدهزار نفری تبریز یا ورزشگاههای آبادان و کرمان و تهران آن الفاظ را می‌شنویم و آن حرکات را می‌بینیم؟ آیا نباید انتظار فجایع این چنین را در بعد از مسابقه ورزشی داشته باشیم؟ این جوانان نمی‌دانند روزگاری غلامرضا تختی داشتیم که با علم این که دانست حریفش از ناحیه دست مشکل دارد، هیچ‌گاه از این حربه استفاده نکرد تا مسابقه را برد و همان کشتی‌گیر که رقیب تختی بود و بعدها قهرمان المپیک

صدهزار نفری تبریز یا ورزشگاههای آبادان و کرمان و تهران آن الفاظ را می‌شنویم و آن حرکات را می‌بینیم؟ آیا نباید انتظار فجایع این چنین را در بعد از مسابقه ورزشی داشته باشیم؟ این جوانان نمی‌دانند روزگاری غلامرضا تختی داشتیم که با علم این که دانست حریفش از ناحیه دست مشکل دارد، هیچ‌گاه از این حربه استفاده نکرد تا مسابقه را برد و همان کشتی‌گیر که رقیب تختی بود و بعدها قهرمان المپیک

صدهزار نفری تبریز یا ورزشگاههای آبادان و کرمان و تهران آن الفاظ را می‌شنویم و آن حرکات را می‌بینیم؟ آیا نباید انتظار فجایع این چنین را در بعد از مسابقه ورزشی داشته باشیم؟ این جوانان نمی‌دانند روزگاری غلامرضا تختی داشتیم که با علم این که دانست حریفش از ناحیه دست مشکل دارد، هیچ‌گاه از این حربه استفاده نکرد تا مسابقه را برد و همان کشتی‌گیر که رقیب تختی بود و بعدها قهرمان المپیک

و باخت است می‌پرسیم، اگر آن همه تنش در هنگام فصل نقل و انتقال برای پرسپولیس پیش نمی‌آمد باز هم چنین لجام‌گسیختگی را در نزد طرفدار سرخ می‌دیدیم؟ روزی که زنده‌یاد ناصرخان حجازی از میان رفت و اجتماع قرمز و آبی را برای بزرگداشت این مرد ملی فوتبالمان دیدیم به خود دل‌خوشی دادیم که شاید بار دیگر فضای دوستی و رأفت و برادری بر این فوتبال حکمفرما شود اما این‌گونه نشد، زیرا نمی‌توانست این‌گونه شود وقتی در برنامه زنده تلویزیونی چون ورزش و مردم، مدیر فنی سابق پرسپولیس و سرپرست قبلی و مدیر عامل فعلی آبی‌ها آن‌گونه به هم حمله می‌کنند. آیا می‌توانستیم شاهد رفتارهای غیرخشونت‌آمیز در نزد جوانان خود باشیم وقتی در ورزشگاههای

جوان ما نمی‌داند که همین پیروزی که یادگار پرسپولیس، فرزند شاهین تهران است، از مکتبی آمده است که اخلاق و انسانیت، مهمتر از هر فاکتور دیگری

**کلاس‌های
خصوصی و عمومی
موسیقی در**

آموزشگاه سارنگ

گیتار، ویلون، سنتور، پیانو، تار و سه تار

برای اطلاع از کلاس‌های دیگر
با ما تماس بگیرید

(514) 489 8686

هر روز هر روز

مونترال < > تورنتو < > مونترال

مسافر، بار و بسته با نرخ‌های باور نکردنی

Montreal : 514-887-0432

Toronto : 647-822-2529

پویا برگزار می‌کند:

کلاس‌های تقویتی

فیزیک، شیمی، ریاضی، زیست‌شناسی،
فرانسه، انگلیسی

برای دوره‌های
دبستان، دبیرستان و دانشگاهی

5155 Décarie Montréal, Québec
H3W 3C2 CANADA

514-588-9038 514-690-6343 Métro Snowdon

Maryam & Rose

استتیکه الکترونیکی لیور

4491-A St. Charles Blvd – Pfds, QC, H9H 3C7
(SPQ Concept)

514-833-1519 & 514-694-3735

رستوران شیراز

برای کترینگ جشنها و مراسم گوناگون در خدمت شما

با مدیریت خدیجه سیاح

(514) 485-2929

5625 Sherbrooke W.

اخبار کوتاه ورزشی

شروین برزگر
s.barzegar@hafteh.ca

به دنبال بالا گرفتن انتقادهای از «دست دادن» والیبالیست‌های ایرانی با یکی از داوران زن مسابقات جام ملت‌های آسیا، فدراسیون والیبال ایران رسماً اعلام کرد که با «خاطیان» برخورد می‌کند. خبرگزاری فارس با انتشار گزارشی، حرکت ملی‌پوشان ایران را «اقدامی غیراخلاقی» دانسته و خبرگزاری ایسنا هم نوشته است: «عمل برخلاف موازین برخی از ملی‌پوشان ایران موجب رنجش خاطر ملت معتقد ایران شد.»

دیده‌گو مارادونا، سرمربی الوصل امارات، بار دیگر خبرساز شد. او یک هوادار را به خاطر دست زدن به بنری که از طرف نوه‌اش به او اهدا شده بود، با لگد زد.

تیم ملی بسکتبال ایران با شکست مقابل اردن از راهیابی به مرحله نیمه‌نهایی جام ملت‌های آسیا باز ماند. بیست‌وششمین دوره بسکتبال جام ملت‌های آسیا از ۲۴ شهریور در شهر ووهان چین آغاز شده و سوم مهر به پایان می‌رسد. تیم قهرمان به‌طور مستقیم راهی المپیک ۲۰۱۲ لندن می‌شود.

برنامه نیوزنایت بی‌بی‌سی مدارکی دال بر پرداخت میلیون‌ها دلار از جمهوری آذربایجان به سازمان «مسابقات بوکس قهرمانی جهان» به دست آورده است. ایوان خدابخش، رئیس اجرایی این رقابت‌ها، مدعی شده بود که این وجوه در قبال این تضمین که بوکسورهای جمهوری آذربایجان در بازی‌های المپیک سال ۲۰۱۲ لندن دو مدال طلا کسب کنند، پرداخت شده است.

رفیعی به مدال طلای پرتاب وزنه مسابقات نوجوانان غرب آسیا در لبنان دست یافت. علیرضا رفیعی در پرتاب وزنه با ۱۷ متر و ۳ سانتی‌متر به مدال طلای این ماده دست یافت. پیش از این مهدی محمدی در پرتاب چکش و کیومرث پناهنده در دوی ۱۰۰ متر با مانع صاحب مدال نقره شده بودند. محمدرضا افشارنژاد هم در پرتاب دیسک به مدال برنز رسیده بود.

تیم ملی کشتی آزاد ایران با مدال‌های طلای رضا یزدانی و مهدی تقوی، نقره صادق گودرزی و برنز حسن رحیمی در رقابت‌های استانبول، بعد از روسیه نایب‌قهرمان جهان شد.

پس از استعفای کاشانی مدیرعامل باشگاه پرسپولیس، محمد پنجعلی، علی پروین، محمدحسین نژادفلاح، محمد رویانیان و سیف‌الله فروزنده به عنوان اعضای هیأت مدیره جدید این باشگاه انتخاب شدند و سردار سرتیپ پاسدار محمد رویانیان در پایان نشست وزیر ورزش و جوانان با اعضای هیأت مدیره باشگاه به عنوان مدیرعامل این باشگاه معرفی شد.

«محمد هلال الجابری» دروازه‌بان تیم فوتبال جوانان عمان، روز سه شنبه در تمرینات این تیم به صورت ناگهانی نقش بر زمین شد و بلافاصله به بیمارستان انتقال یافت اما پیش از رسیدن به بیمارستان، جان خود را از دست داد.

در تازه‌ترین فهرست رده‌بندی بهترین تیم‌های فوتبال جهان، ایران با کسب ۵۷۶ امتیاز در ماه گذشته میلادی به رده پنجم صعود کرد. برای این اساس تیم‌های ژاپن (۹۲۴ امتیاز) پانزدهم، استرالیا (۸۸۲ امتیاز) نوزدهم و کره جنوبی (۷۴۹ امتیاز) بیست و نهم شده و از قاره پهناور آسیا در فهرست یادشده، بالاتر از ایران قرار گرفتند. در این فهرست همچنین اسپانیا با یک پله صعود و کسب ۱۶۰۵ امتیاز بهترین تیم جهان شناخته شد.

فوتبال ما مشغول دادن تلفات است، اما همین امروز هم شاهدیم آقایان مدیر سرخ به روی مبارک خود نمی‌آورند که سهل‌انگاری و دادن مسئولیت به آدم‌های کوچک مقدر می‌تواند درآورد باشد. میلاد خبازی رفت ولی ای کاش با روح او هم‌قسم شویم که سایه خشونت و بی‌فرهنگی و تعصب‌های بی‌جا را برای همیشه از این فوتبال دور کنیم.

۵۰٪ تخفیف تمام کتابهای خانه کتاب زاگرس

حراج بزرگ کتاب

هر روز از ۸ صبح تا ۸ شب

بمدت یک ماه

50% OFF

ZAGROS Persian Bookstore

تجدد و تجدد ستیزی عباس میاکی
قیمت پشت جلد ۹۶۰۰ تومان
قیمت زاگرس \$۲۸ \$۱۴

تاریخ مشروطیت
قیمت پشت جلد ۲۰۰۰ تومان
قیمت زاگرس \$۵۶ \$۲۹

عریان مرطوب
قیمت پشت جلد ۲۰۰۰ تومان
قیمت زاگرس \$۶ \$۲/۵

قصه های بهرنگه
قیمت پشت جلد ۵۵۰۰ تومان
قیمت زاگرس \$۱۳ \$۱۱



فرهنگه نوجوان سخن ۲ جلد
قیمت پشت جلد ۳۹۰۰۰ تومان
قیمت زاگرس \$۱۲۰ \$۵۹

فرهنگه سخن ۸ جلد
قیمت پشت جلد ۱۱۹۰۰۰ تومان
قیمت زاگرس \$۴۲۰ \$۱۹۰

مجموعه اشعار حمید مصدق
قیمت پشت جلد ۱۴۰۰۰ تومان
قیمت زاگرس \$۳۶ \$۱۹

کوروش و بابل
قیمت پشت جلد ۴۰۰۰ تومان
قیمت زاگرس \$۱۶ \$۶

5155 Décarie Montréal, Québec

H3W 3C2 CANADA

(Queen Mary X Decarie blv)

1 (514) 489-8686 & 1 (514) 690-6343

info@zagros.ca

www.zagros.ca



zagros



Métro Snowdon

سرگرمی و خانواده



ستون آشپزی

تیمچه



مواد لازم:

۲ عدد	کدو سبز
۳ عدد	بادمجان
۳ قاشق غذاخوری	روغن مایع
۲ قاشق غذاخوری	پیاز داغ
	نمک، فلفل و زردچوبه به میزان لازم
۲ لیوان	آب
۴ عدد	گوجه‌فرنگی
۱ لیوان	نخود پخته
۱ قاشق غذاخوری	پودر لیمو عمانی

طرز تهیه:

ابتدا کدو و بادمجان را پوست بکنید و به شکل نگینی درشت خرد کنید. سپس همراه پیازداغ، نمک، فلفل و زردچوبه تفت دهید و آب را به آن اضافه کنید تا بپزد. پوست گوجه‌فرنگی را بکنید و آن‌ها را هم نگینی خرد کنید. در اواخر پخت به مخلوط کدو و بادمجان بیافزایید تا کاملاً بپزد و به روغن بیافند. در آخر نخود پخته و پودر لیمو عمانی را اضافه کنید و در ظرف مناسب بکشید.

سرگرمی

نکته هفته:

وقتی انسان دوست واقعی دارد که خودش هم یک دوست واقعی باشد.

نقل قول هفته

کشف کرده‌ام که هر چه سخت‌تر کار کنم شانس بیشتری نصیبم می‌شود. / توماس جفرسون

خبر هفته:

رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: «صدا و سیما باعث می‌شود جوانان فکر کنند نمی‌توانند شهید شوند»

اسحاق صلاحی، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران که بامداد امروز از سفر گرجستان بازگشته است، در سخنانی گفت: من از سرزمینی برمی‌گردم که در جنگ‌های اول و دوم جهانی هم محل تاخت و تاز نیروهای متفقین بود و هم متحدین، اما یادگارهایش از این دو جنگ، تنها چند یادمان سرباز در یکی دو میدان چند شهرش است؛ در حالی که وجب به وجب خاک ما به برکت خون مقدس شهیدا، بو و رنگ خاصی دارد.

رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران از نشان ندادن اسناد و تصاویر واقعی جنگ در رسانه ملی انتقاد و تأکید کرد: وقتی می‌خواهیم مسیر زندگی شهیدی را به تصویر بکشیم، آن قدر او را قدسی می‌کنیم که خیلی از جوانان ما فکر می‌کنند اصلاً نمی‌توانند شهید شوند. / سایت عصر ایران؛ سوم مهر ۱۳۹۰

پیامک هفته

تو مثل خورشیدی. می‌دونی چرا؟ چون با نگاه اول می‌شه فهمید که از پشت کوه اومدی!

لطیفه هفته

با آغاز طرح جداسازی خانمها از آقایون در دانشگاهها، بانكها و... کارشناسان تنها راه تولید مثل در ایران را تا ۱۰ سال آینده روش گرده‌افشانی اعلام کردند!

جدول سودوکو

توضیح: خانه‌های جدول روبرو را با عددهای ۱ تا ۹ چنان پر کنید که در هر رج (سطر) و ستون و نیز در هر یک از جدول‌های درونی هر عدد تنها یک بار استفاده شده باشد.

	5			6				
3				7		6		
	2	9	1	8	4			5
1	7			9				5
8		6	5		7	4		1
	3			6			7	9
4			6	5	3	1	9	
		3		1				4
			2					6

آسان ▲

	7		8		1			3
3	8					7	9	
		6				8		
		3	4			5		
7				1				2
		5			6	3		
		7				1		
	5	4					3	7
8			5		2			6

متوسط ▲

2	9							1
		5	1					
4	1		3	9		8		
					6			8
	7	4				6	3	
6			9					
		1		5	2		9	3
					3	5		
3							7	6

سخت ▲

ادامه در صفحه بعد

انشا: دوست داشتید در چه دورانی زندگی می‌کردید؟

در حقیقت این یکی از سخت‌ترین موضوع‌هایی بود که تا به حال برای درس انشا داشته‌ام. دلیلش هم این است که در این چند سال عمری که از خداوند گرفته‌ام، هرگز کسی صادقانه نظر من را نسبت به موضوعی جویا نشده بود. اگر هم به ظاهر پرسیده بود، یا غیرمستقیم منظورش این بود که حرفش را تأیید کنم، یا آن که در

عمل بیشتر از یک گزینه پیش روی من نگذاشته بود. از این رو مجبور شدم تا آن را در ضیافت سفره شام، که با نان و اندکی پنیر آراسته شده بود، با خانواده مطرح کنم.

پدرم پس از کمی فکر گفت که کاش می‌شد به حدود صد سال پیش بازگشت، چون در آن زمان مرد خانه برای خودش اعتباری داشت و همه از او حساب می‌بردند. همچنین معتقد بود که آن زمان پول برکت بیشتری داشت و با درآمد یک نفر امورات یک خانواده انجام می‌شد و لازم نبود تا همه کار کنند و باز هم آخر ماه کفگیر به ته دیگ بخورد.

سپس مادرم خنده‌ای کرد و گفت که آقا انگار فیلشان یاد هندوستان کرده است، و یادآوری کرد که دوران خوش مردسالاری به پایان رسیده است. مادرم

آرزو کرد که در آینده‌ای زندگی کند که شایسته‌سالاری در دنیا حاکم باشد، و حالا اگر کمی حقوق خانم‌ها از آقایان برابرتر بود اشکالی ندارد. این همه سال دنیا به کام آقایان بوده، بگذار چند سالی هم به کام خانم‌ها بچرخد.

برادرم که به دلیل داشتن شور جوانی دارای شخصیتی آرمان‌گرایانه و خیال‌پردازانه است، گفت که من دوست دارم به گذشته بروم تا با تلاش خود مانع سقوط و آسیب رسیدن به تمدن و تاریخ کشور شوم. مادرم با مهربانی به او گفت که پسرم هیچ فرقی نمی‌کند، می‌توانی همین تلاش را امروز انجام دهی و نتیجه آن را ببینی، مهم این است که انسان امیدوارانه برای آرمانی که در سر دارد نهایت تلاش خود را بکند.

خواهرم گفت که من ترجیح می‌دهم که

در همین دوران زندگی کنم چون تا به حال کلی زحمت کشیده‌ام و خود را با ارزش‌های آن تطبیق داده‌ام. به دانشگاه رفتم و کلی امتحان سخت را پشت سر گذاشتم، رژیم غذایی گرفتم تا سر وزن بمانم، کلی هزینه کردم تا دماغم را عمل کنم و پوستم برنزه بشود. دیگر حوصله ندارم تا خود را با دورانی دیگر با معیارهایی متفاوت، تطبیق دهم.

هر چند حرفهای خانواده باز هم کمک چندانی به من نکرد، اما به نظر من بهترین دوران، زمانی است که درس انشا از مدرسه حذف شود و اگر هم بود موضوعاتش طوری نباشد که حس فراموش‌شده‌ی انتخاب را از خواب بیدار کند.

کاریکاتور هفته

کاریکاتوربست: سیروس یحیی‌آبادی



حکایت هفته

مردی در جهنم بود. فرشته‌ای برای کمک به او آمد و گفت من تو را نجات می‌دهم برای اینکه تو روزی کاری نیک انجام داده‌ای. فکر کن ببین آن را به خاطر می‌آوری یا نه؟

او فکر کرد و به یادش آمد که روزی در راهی که می‌رفت عنکبوتی را دید، اما برای آنکه او را له نکند راهش را کج کرد و از سمت دیگری عبور کرد.

فرشته لبخند زد و بعد ناگهان تار عنکبوتی پایین آمد و فرشته گفت تار عنکبوت را بگیر و بالا برو تا به بهشت بروی. مرد تار عنکبوت را گرفت در همین هنگام جهنمیان دیگر هم که فرصتی برای نجات خود یافتند به سمت تار عنکبوت دست دراز کردند تا بالا بروند اما مرد دست آنها را پس زد تا مبادا تار عنکبوت پاره شود و خود بیافتد. هم‌زمان تار عنکبوت پاره شد و مرد دوباره به سمت جهنم پرت شد. فرشته با ناراحتی گفت: تو تنها راه نجاتی را که داشتی با فکر کردن به خود و فراموش کردن دیگران از دست دادی. دیگر راه نجاتی برای تو نیست، و ناپدید شد.

خبرهایی از دانش و فناوری

حمید شایگان نیا h.shayegannia@hafteh.ca



قند پارسی به جی میل هم رسید



شرکت گوگل بالاخره پس از مدتها از آغاز به کار سرویس پست الکترونیکی جی میل، که اکنون دیگر تبدیل به محبوبترین سرویس پست الکترونیکی در ایران و جهان شده است، زبان فارسی را به آن اضافه کرد.

نیاز به توضیح نیست اما خودتان خوب می دانید که منظور از اضافه شدن زبان فارسی این نیست که پیش از این امکان ارسال ایمیل به زبان فارسی در جی میل مهیا نبود بلکه منظور این است که جی میل زبان فارسی را به مجموع ۵۳ زبان رابط کاربری خود اضافه کرده و تمام منوها و فهرستهای جی میل، از این پس به زبان فارسی قابل مشاهده است.

اینکه با توجه به گستردگی زبان فارسی، این اقدام چرا تاکنون به تأخیر افتاده بود بحثی جدا است اما این اقدام خود گامی دیگر پس از راه اندازی وبلاگ گوگل به زبان فارسی، برای ارتباط بیشتر غول موتورهای جستجوگر با فارسی زبانان

است. ایان هیل، مدیر پروژه بومی سازی تیم زبان فارسی در پستی در وبلاگ گوگل آورده است:

در Google ما می خواهیم که محصولاتمان در تمام جهان در دسترس و قابل استفاده باشد، و این بدان معنی است که ما باید این محصولات را به بیشترین تعداد زبان ممکن ارائه دهیم. تیمهای Gmail و بومی سازی با هم همکاری کرده اند تا Gmail را در ۵۳ زبان، به مردم دنیا ارائه کنند. امروز این عدد به ۵۴ می رسد، چرا که پس از همکاری نزدیک با تیم فارسی، ما مفتخریم که فارسی را به عنوان جدیدترین زبان Gmail معرفی کنیم. برای نصب زبان فارسی در جی میل خود می توانید این گونه عمل کنید:

وارد حساب Gmail خود شوید. بر روی نماد چرخ دنده بالای صفحه و سپس «تنظیمات Mail» (Mail settings) کلیک کنید.

زبان فارسی (Persian) را از منوی کشویی «زبان نمایشگر Gmail» (Gmail display language) در بخش «زبان» (Language) انتخاب کنید (لیست زبانها ترتیب الفبایی ندارد).

روی «ذخیره تغییرات» (Save Changes) کلیک کنید.

ایان هیل با اشاره به اینکه تغییر زبان کاربری به فارسی در حساب جی میل شما، در تلفن های همراه هوشمند شما هم اعمال خواهد شد و حتی اگر زبان را به فارسی تغییر دهید، باز هم می توانید نامه ها را به هر زبان دیگر بخوانید و

بفرستید، در ادامه آورده است که: ناگفته نماند که اگر به تازگی با Gmail آشنا شده اید، ما کمکان به بهبود رابط کاربری فارسی در محصولاتمان ادامه داده و ویژگی های اختصاصی بیشتری برای زبان فارسی پشتیبانی خواهیم کرد.

با وجود اینکه همچنان به خاطر تأخیر در این اقدام گوگل سؤال های بسیاری در ذهنمان باقی است اما تنها جمله ای که برای گفتن باقی می ماند این است: سپاسگزاریم جناب گوگل!

در گوگل پلاس باید از اسم واقعی خود استفاده کنید

به گزارش «مشیل»، چندی پیش آقای اریک اشمیت که مسئول اجرایی شرکت گوگل است در حاشیه برگزاری جشنواره ادینبورگ در پاسخ به سؤالات یک خبرنگار، مواضع گوگل در مورد بحث جنجالی «استفاده از نام واقعی در شبکه های اجتماعی» را روشن کرد. الزام گوگل پلاس در مورد استفاده از نام واقعی، چندی است که بحث داغ رسانه های عمومی شده است. این شرط برای افرادی که معمولاً از نام مستعار استفاده می کنند یا استفاده از نام واقعی خود در شبکه های اجتماعی را در مقابل امنیت خود می دانند قابل پذیرش نیست.

اریک اشمیت در حاشیه جشنواره تلویزیونی ادینبورگ، در پاسخ به سؤال اندی کاروین، خبرنگار NPR که پرسید «گوگل چه توجهی برای سیاست

استفاده از نام واقعی دارد؟ در حالی که این مسأله می تواند امنیت کاربران را تهدید کند» گفت: «گوگل پلاس از همان ابتدا به عنوان یک سرویس بر مبنای هویت واقعی افراد ساخته شد. بنابراین اساساً متعلق به کاربرانی است که از نام واقعی خود استفاده می کنند، چون اگر آنها به سمت استفاده از محصولات جدید گوگل پلاس بروند، مجبور به ارائه اطلاعات واقعی خود می شوند». کاروین در ادامه پرسید: «پس افرادی که نگران استفاده از نام واقعی خود هستند چه؟». اشمیت پاسخ داد: «گوگل پلاس کاملاً اختیاری است. هیچ کس شما را مجبور به استفاده از آن نکرده است. اگر کسی برای استفاده از نام واقعی خود احساس خطر می کند، نباید از گوگل پلاس استفاده کند.»

اندی کاروین به نقل از اریک اشمیت در گزارش خود آورده است: «اینترنت بهتر خواهد شد، اگر ما بدانیم که هویت ارائه شده توسط شما، نه یک فرد جعلی، بلکه هویت واقعی شما است. بعضی از مردم فقط شرات دارند، و ما باید قادر به شناسایی آنها باشیم و به آنها درجه پایین بدهیم.»

گوگل پلاس چه نقشه ای برای کشف هویت واقعی کاربران خود دارد؟ آیا موفق به پیاده کردن سیاست های خود خواهد شد؟ مسأله دیگری که ذهن ما به عنوان یک ایرانی را مشغول می کند، این است که گوگل پلاس چگونه می خواهد هویت کاربر ایرانی خود را کشف کند؟ فکر می کنم که شما هم به همین فکر می کنید.

از بین بردن ویروس
نصب و راه اندازی شبکه
در منزل و یا محل کار شما
تعمیر کامپیوتر
لپ تاپ کامپیوتر
www.compuXellence.com
2155 Mackay, Montreal, H3G 2J2, (514) 849-5231

رایاتک
شریک شما برای رسیدن به موفقیت
عیزبانی وب سایت
طراحی وب سایت
بهبود سازی روی جستجوگر گوگل
تبلیغ بروی گوگل
ارسال خبرنامه الکترونیکی
تبلیغات بر روی سایت های بریننده
Tel : 514 975 2111
www.Rayatec.com
info@rayatec.com



برنامه های فرهنگی، تفریحی و آموزشی فرهنگسرای سینا

مجموعه جلسات آموزشی تنظیم رزومه شغلی و کاربایی

این جلسات با هدف آشنایی مهاجران با اصول تهیه رزومه و کاربایی توسط آقای دکتر ایرج بهشتی برگزار خواهد شد.
تاریخ اولین جلسه یکشنبه 2 اکتبر از ساعت 17 تا 19

Zumba Fitness ویژه بانوان

از ساعت 18:45 تا 19:45 شهریه هر جلسه: فقط 5 دلار

2 روز در هفته، دو شنبه ها و چهارشنبه ها

بزودی در فرهنگسرای سینا برگزار خواهد شد:



نوزدهمین نشست همدلان

سه شنبه 14 اکتبر ساعت 18

مسابقات تخته نرد مونترال، پائیز 2011

شنبه 8 اکتبر ساعت 14، ورودی 10 دلار
به نفرات برتر جوایز ماندگار اهداء خواهد شد

ترم جدید کلاس رقص سالسا

پنج شنبه ها، شروع از 6 اکتبر ساعت 19 تا 20:30،
شهریه برای 8 جلسه 1.5 ساعته 60 دلار
مربی: Tony

بزودی در فرهنگسرای سینا میزگرد متخصصان با موضوعات:

جلسه اول: ریشه یابی تنش با فرزندان و راه حل ها
جلسه دوم: مهاجرت، تنش در زناشویی و راه آرامش دوباره
تاریخ و ساعت برگزاری در آگهی های بعدی اعلام خواهد شد

آموزش مکالمه زبان انگلیسی (مبتدی، متوسط و پیشرفته)

شهریه هر جلسه فقط 4 دلار

آموزش مکالمه زبان فرانسه (مبتدی و متوسط)

شهریه هر جلسه فقط 4 دلار

آموزش موسیقی: دف، سنتور، ویولن، پیانو، گیتار الکتریک

Tel: 514-488-3000 E-mail: pr@seena.ca
www.Seena.ca



6528 St Jacques, Montréal, QC H4B 1T6
5 min to Vendome Metro; Bus 90,105

دارای پارکینگ رایگان برای مراجعه کنندگان عزیز

► ادامه از صفحه ۳۱ (معرفی ..)
خیالی پرداختم. در داستان سمینار روی عرشه کشتی خودم و همسرم با اسم حقیقی مان ظاهر می شوم، اما شخصیت های دیگر تخیلی اند، و آن چه بین این شخصیت ها می گذرد ملهم از رویدادها، دیده ها، شنیده ها، خاطره ها و تلفیقی از این همه با بخش هایی از مظاهر و مستندات فرهنگ های دیگر است به صورتی که من دیدم و تجربه کردم.
را ایجاب می کند.
در داستان سمینار روی عرشه کشتی و همین طور داستان کنده کاری روی باد، من چالشی را که پیش از این در نخستین آثارم با سنت و مدرنیته داشتم و در داستان های پیشین این مجموعه با مشکلات جامعه معاصر ایران تجربه کردم، به عرصه گسترده تر و چالش با فرهنگ های دیگر تعمیم دادم.
مضمون سفر به منزله ی گذر به فرهنگ ها و گوناگونی آن ها در این دو داستان به مضمون های مشترک پیشین راه یافت. داستان های «سمینار روی عرشه کشتی» و «کنده کاری روی باد» در قالب سفرنامه نوشته شده اند، ضمن این که سفر خود به منزله ی شخصیتی داستانی با آدم ها و دل مشغولی های ذهنی شان وارد داد و ستد می شود. ضرورت این کار به نظرم از دو جهت بود: اول این که من مثل خیلی از نویسندگان به رمان و داستان به منزله ی یک بازی بزرگ باور دارم، دوم این که اطلاق واژه ی بازی چیزی از عمق و اهمیت یک چالش کم نمی کند، چون در نهایت ما با ضرورتی مبرم روبه رو هستیم و آن سنجش وجه نسبت خودمان و فرهنگی که در آن رشد کردیم، با فرهنگ های دیگری است که خواه ناخواه درگیرشان شده ایم و از جنبه های مختلف خوب و بد در آن ها نقش یا دست کم نظر داریم، و خلاصه این که دست به انتخاب شخصی می زنیم، و این یعنی به عبارت ساده تر: پیدا کردن خود، یعنی چیزی که داستان ها از بدو خلقت بشر تا امروز با آن سر و کار دارند و در واقع فلسفه وجودی شان است.

سخن آخر

صحبت های من به پایان رسید، فقط می ماند سخن آخر و آن این که گمانم همیشه بر این بوده که: نویسنده باید به نفع اثرش خودش را کنار بکشد تا اثری اگر واجد شرایط هست خودش راه خودش را پیدا کند، روی اصل این اعتقاد ضمن این که به نقد خوب، چه از طرف دیگران و چه از طرف خود نویسنده بر اثرش باور دارم، معتقدم هیچ نقدی بهتر از خواندن یک اثر نیست. با این اوصاف باید این را هم اضافه کنم که مرور بر قصه های این مجموعه از بُعد مهاجرت تنها یک مدخل به این داستان هاست و از بُعد های زیاد دیگری می توان این داستان ها را بررسی کرد، از نظر سبک، نثر، خاستگاه های اجتماعی، شخصیت ها و پیشینه های تاریخی و از نظرهای دیگر...

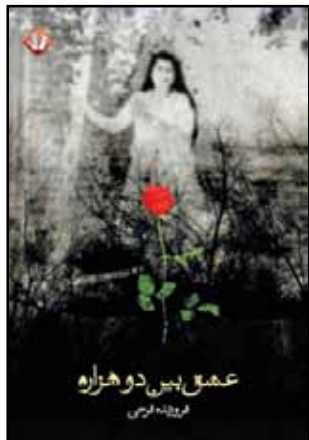
اهمیت این مسأله به خصوص اینجاست که ما انواع ادبیات در دوران معاصر داریم، ادبیات مهاجرت، ادبیات جنگ، ادبیات زندان، ادبیات مقاومت و غیره. چنین پسوندهایی را من برای داستان نمی پسندم، چون به نظرم بیشتر محدودکننده هستند تا پذیرنده. از این رو است که باز هم می گویم، داستان های این مجموعه شامل مهاجرت هم که در این نشست به آن پرداختم هستند اما محدود به آن نمی شوند. متشکرم.
در این دو داستان من در قالب سفرنامه، به سیر و سیاحت در قلمرو فرهنگ ها و آدم های حقیقی و



▼ خانه کتاب ▼

فهرستی از کتاب‌های «خانه‌ی کتاب زاگرس»

- ◀ جایم اینجا نبود - زهرا عرب‌پور
- ◀ دریا روندگان جزیره آبی‌تر - عباس معرفی
- ◀ بی‌بی یون - حسین پناهی
- ◀ ناصر خسرو - منوچهر آتشی
- ◀ سرطان - دکتر قدیریان
- ◀ قلب‌های بی قرار - منیژه آقایان
- ◀ زن در تفکر نیچه - نوشین شاهنده
- ◀ ژالاپ - ناهید سلمانی
- ◀ سه کتاب - زویا پیرزاد
- ◀ داستان و نقد داستان - گزیده و ترجمه احمد گلشیری
- ◀ ننه سرما - مودی‌پور
- ◀ زیبایی تنها - محمود طلوعی
- ◀ سقوط کسری - پگاه بختیاری
- ◀ خیابان بهار - حسین آتش‌پور
- ◀ زوال دیروقت - سیامک تقی‌پور



حکایت نسل بر باد رفته

■ پرویز حسینی

عنوان: عشق بین دو هزاره
نویسنده: فروزنده فرخی
نشر اول: بهار ۱۳۸۹
ناشر: انتشارات داستان‌سرا

داستان بلند «عشق بین دو هزاره» در آغاز، رمانی دراماتیک با چاشنی عشق و اشک به سبک پاورقی‌های مجلات هفتگی به نظر می‌آید ولی به فصل پنج که می‌رسی یعنی ۳۰ صفحه مانده به پایان داستان، همه چیز عوض می‌شود و همه پیشگویی‌های خواننده اشتباه از آب درمی‌آید و این برای نویسنده‌ای که اولین رمانش را در میان‌سالگی نوشته و هیچ‌گونه سابقه داستان‌نویسی ندارد، یک برگ برنده است.

فروزنده فرخی روایتی از عشق با مایه‌های اجتماعی، سیاسی در پیش از انقلاب در سالهای ستم‌شاهی؛ بیان می‌کند که گر چه حدیث نفس است و ظاهراً نویسنده در آن دوران و سال‌های دانشکده به لمسی از عشق، درگیری و ناکامی می‌رسد اما «صراحی» و «آرش» نمونه تیپ‌هایی هستند که در نسل آن زمان به فراوانی وجود داشته‌اند؛ نسلی که اکنون سنی از آنها گذشته و می‌توان بر آنان «نسل بر بادرفته» نام نهاد. نسلی که بد یا خوب حکایتشان شنیدنی است؛ حکایت

نمی‌سازد و زنها را همان‌طور که هستند نشان می‌دهد؛ نه افراط می‌کند و نه تفریط؛ که از این بابت جای شکرش باقی است.

شخصیت «صراحی» که همه داستان از زاویه او روایت می‌شود، جای پرداخت بیشتری داشت. توجه داشته باشیم که پرداخت بیشتر یک شخصیت در داستان لزوماً به معنای پرگویی و جانب‌داری از شخصیت نیست. اتفاقاً یکی از نکاتی که در این رمان کوتاه می‌توان تحسین کرد ایجاز و پرهیز از اطباب و درازگویی است به طوری که می‌توان همه کتاب را بی هیچ سردرد و دردسری یک نفس تا آخر خواند. خواننده احساس خستگی و غبن نمی‌کند و راضی از اینکه پس از شام و قبل از خواب آن را شروع و تمام کرده و حالا می‌تواند دقایقی پیش از خواب در بسترش به آدم‌ها و سرگذشت‌شان بیندیشد و با آنها احساس همدلی کند.

داستان بلند «عشق بین دو هزاره» ما را امیدوار می‌کند که خانم‌ها روز به روز به دنیای داستانی می‌پیوندند و استعداد‌های تازه‌ای سر بر می‌زنند و در فرهنگ مذكر ما جای خود را باز می‌کنند. جهان داستان نیروهای تازه مؤثّر به خود می‌بیند؛ نیروهایی که گاهی به نظر می‌آید دیر به میدان آمده‌اند اما به سرعت گوی سبقت را از دیگران می‌ربایند. / برگرفته از روزنامه فرهیختگان، ۳۱ مرداد ۱۳۹۰

عشق‌های پاک و افلاطونی که در زمانه ما حکم کیمیا را پیدا کرده است. آنچه در وهله اول در داستان «عشق بین دو هزاره» توجه خواننده را برمی‌انگیزد لحن صادقانه و سراسر نویسنده در توضیح حوادث است. او رک و ساده و شفاف از عشق خودش می‌گوید. غرور زنانه‌اش را در برابر عظمت عشق به کناری می‌نهد، خودسانسوری نمی‌کند، نثر روان و پر کشش خاص این‌گونه داستانها را دارد، وقعی به تکنیک‌های داستان‌نویسی نمی‌نهد و بی هیچ ادا و ادعا و افاده‌ای سرگذشتش را بیان می‌کند.

به نظر نگارنده، خانم فرخی با ذهن خیال‌پردازانه و دقیقی که دارد می‌تواند پاورقی‌نویسی به‌روز و نویسنده داستان‌های دنیاله‌داری بشود که هر هفته خوانندگان بی‌شماری را در انتظار بگذارد.

او عنصر سوسپانس و تعلیق را به خوبی به کار می‌گیرد و در پنهان‌کاری نقطه اوج داستانش با ظرافت عمل می‌کند. قابل توجه تهیه‌کنندگان سریال‌های تلویزیونی که داستانی می‌خواهند از روزگار ستم‌شاهی؛ بدون آنکه در دام چاله‌های شعار و کلیشه و تکرار بیافتند.

نویسنده داستان بلند «عشق بین دو هزاره» با آنکه در بازگویی احساسات زنانه آدم‌های داستانش نسبتاً موفق است، اما حرفه‌ای عمل نمی‌کند، در توصیف بعضی شخصیت‌ها سرسری می‌گذرد و با دو جمله یا دو سطر از آنها می‌گذرد اما به سبک فمینیست‌ها از آنها قهرمان

برای تمام سنین

انتشارات
کتابخانه
کتابفروشی



zagros Métro Snowdon

5155 Décarie Montréal, Québec
H3W 3C2 CANADA
(Queen Mary X Decarie blv)
1(514)489-8686
1(514)690-6343
info@zagros.ca
www.zagros.ca
www.zagros.ca/academy

کلاس های آموزش خصوصی و نیمه خصوصی

کلاس های موسیقی آرف، گیتار، ویلون، پیانو، سنتور، تار و سه تار

کلاس های تقویتی شیمی، زیست شناسی، فیزیک و ریاضی

کلاس های هنری طراحی، نقاشی، مینیاتور و معرق

کلاس های زبان فرانسه و انگلیسی و اسپانیایی، عربی، آذری

Network+ / MCSE2003 / MCITP2008 / CCNA
Visual Studio.NET (VB - C# - C++),
Windows and Web Applications. Photoshop,
AutoCAD 2D and 3D,
TEF, TEFaQ, OQLF, TOFEL, IELTS

کلاس های کامپیوتر و آزمون های زبان

تعمیرات کامپیوتر

نصب نرم افزارها

تایپ، صفحه آرایی

برنامه های فرهنگی:

حافظ، مثنوی، شاهنامه، فلسفه، داستان نویسی، تدوین، مونتاژ، شب شعر

بزرگداشت

مجلس بزرگداشت بانو فاطمه نوری

دوستان بسیاری از ضایعه درگذشت مادر مهربان ما مطلع هستند.
به همین مناسبت مجلس بزرگداشتی ترتیب داده ایم و
حضور پرمهر شما دوستان و آشنایان گرمابخش دل های سوگوار ما خواهد بود.

شنبه ۱ اکتبر ۲۰۱۱ ساعت ۳ تا ۵ بعدازظهر

4867 rue Lanier Pierrefond H9H 2P2

مرجان راهنورد و مسعود سلطانی

تسلیمت

خانواده محترم راهنورد و سلطانی، مرجان و مسعود عزیز

اندوه از دست دادن مادر، این گوهر بی همتا، سنگین و ناگوار است. ما در این سوگ بزرگ همدل و همراه شما هستیم.
از درگاه ایزد منان برای شما صبر و شکیبایی مسئلت می نماییم.

فریده، غلامرضا، شیوا، ساسان و پیمان سلیمی

آگهی ارزان برای مشتریان هفته: هر هفته فقط ۶ دلار

فرخ وهاب زاده Cours de français

آموزش زبان فرانسه، در سطوح مقدماتی، میانی و پیشرفته (خصوصی و گروهی).
آمادگی جهت مصاحبه immigration، مکالمه، گرامر.

514-961-4140

french.courses.montreal@gmail.com

تعلیم رانندگی نینا

با کمک مربی آزموده و با

سابقه، گواهینامه خویش

را به آسانی بگیرید

514-844-9731

ترجمه رسمی و دعوتنامه شهريار بخشي

514-624-5609

514-889-3243

آموزش تینسی به مبتدیان

علی وکیلی

alirvakili@yahoo.com

514-834-2095

آموزشگاه رانندگی آریا

با بیش از 20 سال سابقه، با بهای مخصوص برای هموطنان
12 ساعت تمرین / اتومبیل رایگان برای امتحان / سی.دی و کتاب
سوالات امتحان آییننامه برای موتورسیکلت موجود است.

514-621-3456

رایگان برای تئوری / 350 دلار

تلفن ارزان به ایران

ریتاکال سیستم تلفنی راه دوربا امکانات منحصر بفرد
تماس ارزان با ایران و سایر کشورها با کیفیت استثنائی

www.RitaCall.com

514-906-1527

محل آگهی شما

تدریس خصوصی زبان انگلیسی

بهرام رحیمیان

با بیست سال سابقه تدریس زبان

سطوح پایه، میانه و پیشرفته

514-886-9563

آموزش گیتار کلاسیک و پاپ توسط رضا رضایی

گیتاریست برگزیده

514-482-0705

کلاسهای رایگان محاوره انگلیسی و فرانسه در بهائی ستر مونترال

انگلیسی: شنبهها ۳ تا ۵ بعدازظهر

فرانسه: یکشنبهها از ۱:۳۰ تا ۳:۳۰ بعدازظهر

Address: 177 Pins avenue East, Montreal QC H2W 1N9 Tel: (514)849-07 53

چاپ رایگان : استخدام و آگهیهای غیر تجاری ، اجاره، خرید و فروش اتومبیل و ...

فروش کافه رستوران

در بهترین نقطه داون تاون مونترال
با استایل اروپایی / فضای گرم
شرقی / کرایه ماهانه مناسب
دلیل فروش: نقل مکان به ایران

514-787-8840

استخدام در رستوران ایرانی

آقای جدی / 25 تا 35 ساله
آشنا به زبان انگلیسی

514-564-9790

استخدام

به یک کارگر ساده نیازمندیم

514-894-8372

جویای شریک یا مدیر برای یک رستوران

در خیابان سن لوران مونترال

514-344-6796

514-346-1938

اجاره آپارتمان یک و نیم (استودیو)

داون تاون نزدیک کنکور دیا
930 دلار شامل همه هزینههای

514-12-3751

اجاره آپارتمان سه ونیم

در خیابان راشل (پلاتو مونترال) /
اجاره ۵۴۸ دلار در ماه /

514-589-8389

سازمانهای فرهنگی و اجتماعی در مونترال

انجمن دفاع از حقوق بشر ایران - مونترال

Tel: (514) 299-1787

Addr: 2005@gmail.com

انجمن حقوقدانان فارسی زبان کبک

www.ajpq.qc.ca

انجمن دوستداران زرتشت

با هدف بازشناساندن جشنهای باستانی

Tel: (514) 731-1443

انجمن زنان ایرانی مونترال

نشست ثابت اولین یکشنبه هر ماه ۱۰:۳۰ صبح

8043 St. Hubert

انجمن فرهنگی ایرانیان وست آیلند

مدرسه فارسی - هر شنبه از ساعت ۱۲:۳۰

2900 Lake / Tel: (514) 626-5520

انجمن ادبی - محمد فاضل

سخنرانیهای ادبی، اجتماعی و تاریخی

Tel: (514) 651-7955

بنیاد سخن آزاد

کنسرتهای موسیقی اصیل و سخنرانی

Tel: (514) 944-8111

خانه ایران

1117 St. Catherine W #420

Tel: (514) 544-5962

خانه کتاب ایران - میک

کالری - کتاب فروشی - کتابخانه

4438 De la Roche / Tel: (514) 373-5777

جمعیت دوستداران دانشنامه ایران - ایرانیکا

514-651-7955

کتابخانه نیما

5206 Decarie / Tel: (514) 485-3652

کافه لیت

www.Cafelitt.com

info@cafelitt.com

کانون فرهنگی چکاوک

6960 Sherbrooke W

Tel: (514) 787-8848

مدرسه ایرانی دهخدا

مدرسه فارسی - هر شنبه

4976 Notre Dame W

Tel: (514) 827-6364

دوستداران موسیقی کلاسیک (Dialogue)

514-484-8748

Sheida.g@hotmail.com

بنیاد نیکوکاری ایرانیان مونترال - نیکو

5146244579

fazint@hotmail.com

فرهنگ سرای سینا

سالن سخنرانی، مراسم و مجالس

514-488-3000 / www.Seena.ca

کانون مهندسان و آرشیتکت های ایرانی در کبک

514-946-5739 / aieaq.mtl@gmail.com

مرکز فرهنگی هنری زاگروس

5155 Boul. Decari

(514) 489-8686 www.zagros.ca

انتشارات مولتی ساز

3333 Cavendish Blvd #250

(514)770-1771

نیاز مندی ها

فقط با ۱۰ دلار در ماه! نام و شماره تلفن موسسه خود را در اینجا آگهی کنید.

پیش شماره های نوشته نشده ۵۱۴ هستند.

۵۵۴-۷۲۹۲	رایاتک	۵۶۲-۲۳۴۰	پژمان اسدی	۹۹۰-۲۵۰۰	اتومبیل (فروش) Auto Highlander
۴۸۹-۸۶۸۶	زاگرس	۲۹۶-۹۰۷۱	علی پاکنژاد		اتومبیل (تعمیرگاه)
	عینک سازی	۲۸۷-۳۶۹۰	نغمه ثابت	۶۳۴-۱۱۱۱	اتو رایدر
۵۰۹-۴۱۲۷	Ovu & Osu Optician		پزشکی	۴۸۴-۴۴۸۱	اطلس
	محضر رسمی		پزشکی جایگزین		اتومبیل (لوازم بدکی)
۸۳۱-۲۲۹۳	مونا کلابی	۹۳۱-۸۲۷۴	پروین زرساو-همیویت	۹۳۵-۲۸۲۹	لوازم بدکی آلفا
۹۰۳-۸۵۶۰	مونا صالحی	۹۷۹-۲۱۲۰	هیپنوتیزم-علی سلیمی		آرایشگاه-زیبایی-اسپا
	مد و لباس	۸۸۵-۶۲۹۴	نازنین کاشانی	۹۳۳-۰۷۶۳	آهنه
۸۴۲-۵۶۰۸	HPadar		ترجمه و دعوتنامه رسمی	۸۹۲-۲۰۳۰	فریده متخصص لیزر
	مراکز مذهبی	۶۲۴-۵۶۰۹	شهریار بخشی	۴۸۱-۶۷۶۵	زهره
۸۴۹-۰۷۵۳	انجمن بهایی	۵۷۵-۷۰۸۰	محمدرضا نوشاد جمال	۹۳۴-۳۳۷۴	رویا
۳۴۱-۲۲۳۵	بنیاد آیت الله خویی		تلفن و موبایل	۸۱۳-۴۹۴۷	سوزان
۲۶۱-۶۸۸۶	کلیسای ایرانی	۹۳۲-۸۴۳۲	PCCELL.ca	۵۸۶-۲۸۸۰	علی
۹۹۹-۵۱۶۸	کلیسای فارسی- کشیش عادل		چاپ و کپی		ارز
۳۶۶-۱۵۰۹	مرکز اسلامی ایرانیان	۹۳۱-۹۹۳۱	انتشارات فرهنگ	۲۸۹-۹۰۱۱	پاسیفیک
	مشاور املاک	۴۸۸-۵۳۳۳	فتوکپی ان دی جی	۸۴۶-۰۲۲۱	پنج ستاره
۹۶۷-۵۷۴۳	میمن اسلامی		حسابداری	۲۲۳-۶۴۰۸	شریف
۲۰۷-۹۰۰۰	ژاله حافظی	۷۳۵-۰۴۵۲	حسن انصاری	۴۸۵-۶۰۰۰	مانی وایز
۹۶۹-۲۴۹۲	نادر خاکسار	۷۷۷-۳۶۰۴	سرور صدر	۱-۸۸۸-۸۷۳-۴۹۲۶	صرافای کانادا
۵۳۱-۳۶۳۱	مهدی رحیمی	۴۸۷-۱۵۶۶	شکیب نیا		ازدواج و طلاق
۷۹۲-۴۵۷۷	مینا صالحی	۹۶۹-۲۴۹۲	نادر خاکسار		آژانس های مسافرتی
۴۵۱-۴۶۶۳	سیمین ماهری		مسافر و بار - مونترال / تورنتو	۸۴۲-۸۰۰۰ EXT: ۲۹۶	فرناز معتمدی
۸۲۷-۶۳۶۴	فیروز همتیان	۵۱۴-۸۸۷-۰۴۳۲	قربان	۳۸۸-۱۵۸۸	Sky Lwan
	مشاور خانواده	۵۱۴-۵۶۱-۲۷۶۸	هریس		الکتریکی (تعمیرات)
۶۶۳-۳۲۰۱	دکتر ملک		حیوانات خانگی	۸۳۳-۴۰۲۲	آموزش
	مشاور مهاجرت	۳۴۱-۱۱۷۱	آکوا تروپیکال		پروین عبائی- فارسی
۹۰۳-۴۷۲۶	علی مختاری		خشک شویی و خیاطی	۳۶۸-۹۰۱۲	مدرسه فردوسی
۲۸۹-۹۰۱۱	معصومه علی محمدی	۹۳۴-۵۶۰۰	Excel plus	۹۶۲-۳۵۶۵	مدرسه وست آیلند
	نان و شیرینی		خطاطی	۶۲۶-۵۵۲۰	مدرسه دهخدا
۳۳۴-۶۵۲۸	شیرینی و کیکتینگ بی بی		دارو خانه	۸۲۷-۶۳۶۴	زبان فرانسه
۸۹۴-۸۳۷۲	نان سنگک شاطر عباس	۹۹۹-۸۷۷۹	لوتیز داداش زاده		آموزش (راندنگی)
۵۶۲-۶۴۵۳	شیرینی سرو		دکوراسیون منزل و محل کار	۶۲۱-۳۴۵۶	آریا
	نو سازی و تعمیرات ساختمان	۶۳۴-۷۲۸۱	دندان پزشکی	۸۴۴-۹۷۳۱	نینا
۸۳۵-۶۲۴۳	تی.ام.ان	۶۸۴-۰۱۳۵	شهرزاد رضا نیا		آموزش (موسیقی)
۹۶۳-۷۹۷۸	Décor chez toi	۶۳۴-۷۲۸۱	راضیه رضوی	۴۸۲-۰۷۰۵	گیتار - رضایی
۹۷۵-۱۵۱۵	ناصر	۶۸۴-۰۱۳۵	معصومه دولتشاهی	۵۶۷-۴۷۸۹	موسیقی-داوری
	ساخت و ساز Builders	۷۳۱-۱۴۴۳	شریف نائینی	۶۸۳-۴۴۵۷	موسیقی-سرابی
۵۷۴-۵۷۴۳	علی خاقانی	۶۸۵-۶۲۲۲	آذین طاهری	۴۸۴-۸۷۴۸	پیانو-قرچه داغی
	وکیل - مهاجرت	۶۹۵-۸۶۴۱	رامین میر موجی	۵۲۶-۱۰۴۷	پیانو-متین
۹۶۱-۸۷۳۶	دیوید برگر	۹۴۱-۳۲۰۷	فریدون هرنیدیان	۷۱۷-۸۰۲۴	پیانو-میم بطحایی
۸۴۵-۸۱۴۶	سام بیات	۴۸۴-۸۸۰۸	سایه ناعم	۵۲۷-۵۰۰۸	ویلون و پیانو
۸۷۸-۲۴۰۰	نیما حجازی	۳۱۸-۸۹۶۷	ساسان بیات	۲۶۲-۴۰۴۵	سنتور و عود
۳۹۵-۰۵۲۲	علی غلامپور		دندان سازی	۵۸۵-۶۱۷۸	سنتور - صابر جلیلزاده
۹۵۴-۹۹۹۸	ونسان والایی	۷۳۷-۶۳۶۳	افخم هادی	۲۶۲-۴۰۴۵	سنتور / عود-س بطحایی
	وام مسکن		رسانه های گروهی		آموزش (نقاشی)
	وب سایت و شبکه	۸۴۸-۹۵۹۹	بازار	۹۳۸-۸۰۶۶	حمیرا مرتضوی
۸۶۲-۶۶۴۲	Dream Media	۵۷۵-۸۴۵۱	پوشه	۷۲۱-۵۲۴۲	میتر فارسی نسب
	کلیتینگ	۷۸۷-۸۸۴۸	هفته		انتشارات
	کیتیرینگ	۶۵۱-۹۸۹۴	شادی	۷۷۰-۱۷۷۱	مولتی سازه
۵۶۴-۹۷۹۰	شومینه پارس	۹۹۶-۹۶۹۲	پیوند		بیمه و سرمایه گذاری
۴۸۹-۸۴۸۴	پریشیا				
	گل				
۹۸۳-۱۷۲۶	لینک فلاور-وحید				
	طراحی				

Journal HafteH

Un magazine hebdomadaire pour la communauté iranienne de Montréal

A weekly Magazine for the Iranian Community in Montreal

29 sept 2011, numéro 167 – 29 Sep. 2011, issue No. 167

Index issue 167

- Dr Behrooz Sabet from BIHE: Faced with unrelenting religious persecution, including systematic denial of access to higher education, BIHE developed several unique features which have become its defining strengths. HafteH speaks with Nasrin Khadem and Dr Behrooz Sabet,
- The Bahá'í Institute for Higher Education (BIHE) was founded in 1987 in response to the Iranian government's continuing campaign to deny Iranian Bahá'ís access to higher education. Noushin Khadem has studied at BIHE. She started working at BIHE as a professor assistant after she finished her study at Carlton University in Ottawa. Now she is imprisoned for the "crime" of teaching other students.
- Word of the week: You are the Miracle Makers / editor
- Quebec and Canada News
- News of Iranian community in Montreal / Masoud Bathaee
- Illiteracy in Quebec / Dr Mohsen Hafezian
- News and views of the Afghan community in Montreal / Hasib Fazl
- What is the true love and who is the real lover? Zakaria Etezadi
- With Nader Dolatshahi in the studio for Animal Farce / N.D.
- Dialect of Balkh and Rumi's poems / Asef Fekrat
- Booklaunch at Mekic: the most recent publication from Aziz Motazedi
- Portrait: Nimtaj Khanom Salmasi / Sahar Vahdati
- Literature: The language of Satire / Mohsen Hafezian
- Cinema: Cahiers du Cinéma and its effects on new Cinema / Atoosa Akhavan
- Book: The love between 2 millennium by Forouzandeh Farokhi / Parviz Hosseini

Publication/Publisher:

HafteH Journal

Rédacteur / Editor: **Mehdi Marashi**

Rédacteur en chef/Editor in chief: **Khosro Shemiranie**

Rédactrice/Editor Ottawa : **Dr. Maria Sabaye Moghadam**

Désigner / Designer: **Behrouz Zamani** (BehGraphics.com)

Webmaster: **Payman Salimi & Shervin Barzegar**

Caricaturist: **Sirous Yahyaabadi**

Photographe/ Photographer: **Marjan Rahnvard**

Community news: **Masoud Bathaee**

Littérature / Literature: **Ida Esmati**

Cinéma / Cinema: **Atoosa Akhavan**

Sport: **Babak SaraniAzar, Shervin Barzegar**

Sci-Tech: **Hamid Shaygannia**

Fun & Family: **Shervin Barzegar**

Société/ Society: **Sahar Vahdati, Pasha Javadi,**

Khosro NoshadRavan, Mitra Roshan

Iran: **Masoud Bastani**

Remerciements particuliers à ceux qui ont contribué à ce numéro

Special thanks to those who contributed to this issue:

Amir Arash, Touraj Atef, Sam Bayat, Hasib Fazl, Zakaria Etezadi, Mohsen Hafezian

ISSN 1918-4379 HafteH

Prix /Price: \$2.50 - À Montréal: **gratuit / In Montreal: Free**

Journal HafteH

3418 Stanley, unite# R1

Montreal QC H3A 1R8 Canada

Tel: (514) 787-8848



General: info@hafteh.ca

Editorial: editor@hafteh.ca

Advertising: ad@hafteh.ca



"میوه و تره بار سامی"

با چهار شعبه بزرگ
در خدمت ایرانیان مونترال

کیفیت: خوب
قیمت ها: غیر قابل رقابت

سامی، جایی که می توانید سبد
خرید خود را پر از میوه کنید اما
کیف پولتان را خالی نکنید

► Laval

1550 Boulevard Daniel-Johnson
Laval, QC, Canada (450) 978-1333

دوشنبه و چهارشنبه ۹ تا ۱۹:۳۰ پنجشنبه و جمعه ۹ تا ۲۱:۰۰
شنبه و یکشنبه ۸ تا ۱۹:۳۰ سهشنبه تعطیل

► Lasalle

400 avenue Lafleur, Lasalle, QC H8R 3H6
(514) 368-1333

دوشنبه و چهارشنبه ۹ تا ۱۹:۳۰ پنجشنبه و جمعه ۹ تا ۲۱:۰۰
شنبه ۸:۳۰ تا ۱۹:۳۰ یکشنبه ۹:۰۰ تا ۱۹:۳۰ سهشنبه تعطیل

► Nord-est Montréal

8200 19E Avenue, Montréal, QC H1Z 4J8
(514) 594-1333

شنبه تا چهارشنبه ۸:۳۰ تا ۱۹:۳۰
پنجشنبه و جمعه ۸:۳۰ تا ۲۱:۰۰

► Head Office

1505 rue Legendre Ouest,
Montréal, QC H4N 1H6
(514) 858-6363

SAMI



FRUITS

GLBOX HD

www.GLWiz.com
www.GLARAB.com



✓ HD Quality
✓ wireless internet

GLBOX HD 60

GLBOX HD 200

- 256 Mb flash memory
- 1080i output resolution
- External WLAN antenna



دستگاه کنترل از راه دور
پشت دستگاه کنترل از راه دور (کیبورد)

- 2 GB flash memory
- 1080p output resolution
- Built in WLAN antenna
- Automatic WLAN failover option
- Designed in Italy

تماشای بیش از 120 شبکه ایرانی

افغان، تاجیک، کردی، آذری، ارمنی و آشوری

و بیش از 10,000 ساعت فیلم، سریال‌های متنوع و برنامه‌های جذاب ضبط شده که هر زمان که مایلید تماشا کنید

گالری عکس Picasa



سرویس YouTube



سرویسهای منحصر به فرد

GLBOX HD 200

Media Center



بیش از 40,000 رادیوی جهانی SHOUTcast



و GLBOX HD 60

جدید

هم اکنون سرویس جدید GLARAB با بیش از 120 کانال تلویزیونی و 80 کانال رادیویی به زبان عربی ارائه می‌شود.

مشترکین GLWiz می‌توانند از این پس از طریق GLBOX HD های جدید و یا از طریق GLARAB.com با پرداخت آبونمان جداگانه از سرویس GLARAB نیز بهره‌مند شوند.

برای تهیه GLBOX HD به وبسایت های GLWiz.com یا GLARAB.com و یا به مراکز زیر مراجعه نمایید

Ottawa

Payless Telecommunication

Tel: 001-613-795-5252

Montreal

UN ELECTRONIC SAT

Tel: 001-514-571-6564



www.GLWiz.com

Customer Service

Tel: 1.866.236.2026
001.905.762.5037

Fax: 1.877.800.6421

001.905.709.1910
glwiz@groupofgoldline.com